

فرزندان استر

مجموعه مقالاتی درباره
تاریخ و زندگی یهودیان در ایران

به کوشش:
هورمن سرشار

ترجمه:
مهرناز نصریه



Ketabton.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشار، هون،
فرزندان استر
مجموعه مقالاتی درباره‌ی
تاریخ و زندگی یهودیان در ایران،
نصریه، مهرناز، مترجم، ۱۳۶۱
تهران، نشر کارنک، ۱۳۸۴، ۴۴۸ ص.
۱ جلد، مصور. سیاه و سفید، بدون رنگی.

۹۶۴-۶۷۳۰-۷۰-۱ / ۷۵ ...

فهرست نویسی بر اساس کتاب‌نامه‌ی فیبا، کتاب‌نامه.
۱. ایران. تاریخ، یهود، تاریخ،
یهود در ایران، تاریخ. الف. عنوان.

۹۵۵

کتاب‌خانه‌ی ملی ایران، ۱۳۸۲

فرزندان استر

مجموعه مقالاتی دربارهٔ تاریخ و زندگی یهودیان در ایران

به کوشش هومن سرشار



نشر کارنگ، خیابان انقلاب، رو به روی دانشگاه تهران، شماره ۱۴۲۰، تلفن: ۰۲۶۱۸۳۶۴۹۲۰۴۹

فرزندان استر

مجموعه مقالاتی درباره
تاریخ و زندگی یهودیان در ایران

به کوشش هومن سرشار

مترجم: مهرناز نصریه

چاپ: تصویر کیلان

لیتوگرافی: هوشنگ جاهد

صحافی: میثم

نوبت چاپ: دوم، سال چاپ: ۱۳۸۷

تیراز: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۱-۷۰-۶۷۳-۶۴۶

www.karangbooks.com

info@karangbooks.com

حقوق نشر محفوظ است

قیمت: هفت هزار و پانصد تومان

روی جلد: گنبد و مرقد کهن استر و مردخای در همدان

نیز است؟

- مقدمه‌ی مترجم، ۷
مقدمه‌ی ناشر، ۷
مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران و جامعه‌ی فارغ التحصیلان، ۹
مقدمه‌ی مؤلف، ۱۱
تأثیر و نفوذ پارسیان بر آیین یهود، ۱۲
تأثیر و نفوذ پارسیان بر آیین یهود، ۱۴
فصل اول: هخامنشیان، ۱۷
آزادی یهودیان از اسارت بابلی‌ها، ۱۷
بازسازی معبد، ۱۸
یهودیان در مستند قانون، حکومت و ارتش، ۲۰
حکام یهودی، یهودا در دوران هخامنشیان، ۲۱
عزرا در خدمت شاهان ایرانی، ۲۲
نجمیا در شوش و اورشلیم، ۲۲
باگوای و یهودیان، مصریان و ایرانیان در الفانتین، ۲۲
شكل گیری یهودیت در ایران باستان، ۲۴
پاپیروس‌های الفانتینی و حقوق زنان، ۲۶
جالش‌های مورخان متأخر، ۲۶
فصل دوم: دانیال نبی، ۲۹
مقبره دانیال، ۳۰
فصل سوم: آرامگاه استر، ۳۳
مقبره، ۳۲
توسعه و گسترش، ۳۵
فصل چهارم: یهودیان در امپراتوری ساسانی، ۴۳
فصل پنجم: تلمود بابلی، ۵۱
فصل ششم: تاثیر متقابل اسلام و یهودیت، ۵۷
فصل هفتم: صفویه، ۶۹
فصل هشتم: ادبیات فارسی- یهودی، ۸۱
موسی نامه، ۹۰
فصل نهم: جهود نجس، ۹۷
فصل دهم: محله، ۱۰۵
فصل یازدهم: آنوسی‌های مشهد، ۱۱۷
موقعیت یهودیان مشهد، ۱۱۷
الله داد، ۱۲۱
تأسیس مجده دولت یهود، ۱۲۲
سرگردانی در سرگردانی، ۱۲۴
فصلدوازدهم: از آوارگی به استقرار، ۱۳۷
ناصرالدین شاه از ایجاد سرزمین مستقلی برای یهودیان دفاع می‌کند، ۱۴۶
عصر جدید برای یهودیان: انقلاب مشروطه و مدارس آلیانس، ۱۵۲

- اولین دوره‌ی انقلاب مشروطه (۱۹۰۸-۱۹۰۶م) و انجمن یهودیان، ۱۵۸
دوره‌ی دوم مشروطه سرانجام نهایندگان یهودی پذیرفته شدند، ۱۶۷
- فصل سیزدهم : لباس و آرایش**، ۱۷۳
هفت کام به سوی زیبایی، ۱۸۸
فصل چهاردهم : آلبانس، ۱۹۳
آلبانس در ایران، ۱۹۴
- جالش آلبانس : معرفی امورش مدرن و فرهنگ غربی، ۱۹۷
میراث آلبانس اسراییل، ۲۰۶
جامعه آلبانس، ۲۰۷
- فصل پانزدهم : صهیونیسم**، ۲۳۱
تشکیل صهیونیسم در ایران، ۲۲۲
افول صهیونیسم (۱۹۴۱-۱۹۲۵م)، ۲۲۷
- عصر طلایی صهیونیسم مدرن در ایران (۱۹۴۱-۱۹۵۰م)، ۲۲۸
پراکنده‌ی صهیونیسم، (۱۹۷۹-۱۹۵۰م) انقلاب اسلامی، ۲۵۱
- فصل شانزدهم : زندگی سیاسی روشنفکران یهود**، ۲۵۵
سقوط رضا شاه، ۲۶۱
- يهودیان ایرانی و جنبش چپ، ۲۶۱
سقوط مصدق و تضعیف جناح چپ، ۲۶۷
- روشنفکران یهودی ایران و انقلاب اسلامی، ۲۷۱
- فصل هفدهم : یهودیان عراق در ایران**، ۲۷۳
- فصل هجدهم : گویش‌های یهودیان ایران افغانستان**، ۲۷۹
گویش، ۲۷۹
- لهجه‌های متفاوت زبان‌های مادری، ۲۷۹
- گویش‌های آرامی، ۲۸۰
گویش‌های ایرانی، ۲۸۱
- فصل نوزدهم : قالی‌های یهودی ایرانی**، ۲۸۹
- فصل بیست : زندگی روزمره**، ۳۰۵
تولد، ۳۰۵
- تقلیلین بدنان، ۳۰۹
نامزدی و ازدواج، ۳۱۱
- مرگ و سوکواری، ۳۲۴
- فصل بیست و یکم : سفر ایران**، ۳۲۹
- فصل بیست و دوم : سرح بت آش**، ۳۵۳
- فصل بیست و سوم : ورزش**، ۳۵۹
- فصل بیست و چهارم : سلطنت پهلوی و انقلاب اسلامی**، ۳۶۵
قانون پهلوی : رشد، آزادی و پیشرفت، ۳۶۷
- جمهوری اسلامی چالشی برای اقلیت یهودی ایران، ۳۸۷
- فصل بیست و پنجم : مادران، دختران و زندگی خانوادگی**، ۳۹۱
مراحل زندگی، ۳۹۱
- فصل بیست و ششم : نامداران**، ۴۰۳
دوران پیش از اسلام، ۴۰۴

نقد و مراجعتی و مقاله‌نامه‌ای

ایده تالیف کتاب فرزندان استر، نخستین بار در سال ۱۹۹۶ م زمانی که از دانشگاه کلمبیا فارغ‌التحصیل شدم به ذهن ام رسید. یک سال از تأسیس مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران گذشته بود و در صدد پژوهشی دومین کنفرانس سالانه‌ی آن در لوس‌آنجلس بودیم. در این فضای ادوسن و همکاران ام درباره‌ی ایده تالیف کتاب صحبت کردم و برابر معمول با واکنش همیشگی رویه‌رو شدم: مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی^{۱۰} نمی‌دانستیم در ایران هم یهودی داشته‌ایم!!! در ضمن بسیاری هم از این که می‌فهمیدند من یک یهودی ایرانی اصل هستم تعجب می‌کردند. احساس کردم ضرورت دارد خانواده‌ی بزرگ و باستانی یهودیان ایران را به جهانیان معرفی کنم. در زمانی که پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ام را در فاصله‌ی یک سال از دست دادم، در انجام سریع‌تر این پروژه مصمم‌تر شدم، من سرزمین مادری خویش را در اثر حوادث انقلاب از دست داده بودم و در خردسالی، در سال ۱۹۷۸ میلادی مجبور شدم ایران را ترک کنم. می‌ترسیدم که حادثی بیرون از اراده‌ی دیگری باقی مانده‌ی میراث فرهنگ باستانی ام را نابود کند. علاوه‌بر مرگ پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ام تحرک من برای سرعت بخشیدن به کار این بود که می‌دیدم پس از انقلاب ۱۹۷۹ م حدود شصت درصد خانواده‌های یهودی ایران را ترک کرده بودند و بدین ترتیب میراث فرهنگی بزرگ‌ترین جامعه‌ی یهودی در دوران سرگردانی در خاورمیانه، کم کم به فراموشی سپرده می‌شود. با کاهش تعداد یهودیان در ایران و با پراکنده شدن آن‌ها در اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و اروپا، یهودیان ایرانی مهاجر به سرعت در جوامع جدیدشان مستحیل می‌شدند و فرزندان این یهودیان ایرانی خلاف خصلت کروه‌گرای اجدادشان، متمایل به انزوا بودند، موضوعی که در میان یهودیان ایران نیز متأسفانه قابل مشاهده است.

اصفهان، شهری که دو هزار و هفت‌صد سال پیش اولین یهودیان ایرانی را با آغوشی باز پذیرفت امروز محل زندگی تنها هزار و پانصد یهودی است. در قبرستان یهودیان این شهر قبری با قدامت بیش از دو هزار سال وجود دارد و کاشی‌های قدیمی کنیسه‌ی آن شاهد آخرین بازمانده‌گانی است که از قوط تتنگستنی یا کهولت قادر به ترک ایران نبوده‌اند. از اهداف عمده‌ی این کتاب علاوه‌بر معرفی جامعه‌ی باستانی یهودیان، پاسداری از تاریخ، فرهنگ و سنت‌های دیرینه‌ی این قوم از هم پاشیده است. فرزندان استر اولین مجموعه‌ی منسجمی است که تصویری از یهودیان ایران از اولین استناد موجود در آن دیار در آن قرن بیستم، ارائه می‌دهد. این کتاب شامل بیست و شش مقاله و آفزوون بر پانصد عکس است که از آرشیوهای خصوصی و یا عمومی تهیه شده‌اند. در شش مقاله‌ی این کتاب موقعیت یهودیان در دوره‌های تاریخی مختلف ایران از

۱. نویسنده و امنود می‌کند همکیشان اش، که احتمالاً بسیاری از آن‌ها ایرانی هم بوده‌اند، از ابعاد و اهمیت حضور اجداد خود او در ایران پی‌خبرند: در حالی که هر یهودی تواریخ خانواده‌ای، به خصوص کارشناسان و متخصصین مسائل تاریخ یا باید نسبت به ارتباط و امتداد تاریخ یهود و سرزمین ایرانی اکاهی کامل داشته باشدند. این تجاهل که به ویژه در نزد مورخین یهود تاریخ ایران با وسعت بسیار بده می‌شود، برای شانه خالی کردن از مسئولیتی است که یهودیان در نسل کنشی پوریم به کردن دارند. تا آن جا که می‌توان گفت تمام صحفه سازی‌های کنونی برای تاریخ ایران باستان، جز کم کردن اثار آن ماجراهی هولناک بشمری، هدف دیگری نداشت است.

امپراطوری هخامنشیان، تا انقلاب اسلامی، مورد بررسی قرار گرفته است و نوزده مقاله به موضوعات فرهنگی و اجتماعی سیاسی در ادوار تاریخی مختلف می‌پردازد.

کتاب، در مرتبه‌ی بعد به تحقیقات ناکافی و ناشایست در زمینه‌ی حضور و نفوذ یهودیان ایرانی در اعصار گذشته و به جنبه‌های مختلف زندگی یهودیان ایران می‌پردازد، نیم بیشتر کتاب به دوره‌ی پس از انقلاب مشروطه در سال ۱۹۰۶ م اختصاص دارد در پایان جامع ترین کتاب نامه‌ی فارسی در مورد یهود تنظیم شده که علاوه بر متابع مورد استفاده‌ی نویسنده کتاب، فهرست بی‌نظیری از تمام مقالات و کتاب‌های انگلیسی، فارسی، فرانسوی، عالمانی، و عبری را درباره‌ی یهودیان ایران معرفی می‌کند می‌دانم که ششصد مدخل آن هنوز هم کامل نیست، اما مسلماً برای محققان و دانشمندان علاقمند به کار در زمینه‌ی تاریخ و فرهنگ یهودیان ایران، به خوبی قابل استفاده است.

در پایان امیدوارم توانسته باشم نمای درستی از تبار یهود در پیش روی خواننده بگذارم و موجب شادی و آرامش روح تک تک ایرانیانی باشم که تصویرشان در عکس‌های این کتاب آورده شده است. در قسمت فهرست اسامی، تقریباً نام تک تک افرادی که در کتاب می‌بینید ذکر شده است. عکس‌ها بیانگر تمام تقاوتهای ظریف و پیچیدگی‌هایی است که بیان آن‌ها در کلام نمی‌گنجد و سعی کردیم به واسطه‌ی آن‌ها پرتره‌ای واضح‌تر و اصیل‌تر از یهودیان ایران، این فرزندان استر، به دست داده باشم.

یقیناً بدون حمایت و کمک‌های دیگران اتمام این پژوهه میسر نبود. لذا لازم می‌دانم از تمام آن‌ها تشکر کرده و نام آن‌ها را ذکر کنم: هیئت مدیره‌ی «مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران» که از ابتدای من همکاری کرده و بدون تلاش بی‌وقげ‌ی آن‌ها این پژوهه هرگز به سرانجام نمی‌رسید: دبی ادھمی، قائم مقام مؤسسه، رکسانا جار، کارگردان هنری، فرج نورمند، مدیر امور حقوقی، رکسانا رستگار، مدیر آرشیو، هما سرشار، موسس و مدیر مشاوران CIJHO، شکرالله براوریان، مایر بصیرت، پیمان بصیرت، کامران بروخیم، امید کوهانیم، علی دیویدی، مرحوم نجات کابایی، نورالله کابایی، مراد حریری، بیژن خلیلی، فرزین جواهیریان، بیتو کوتال، ازیزی نامور، فریار نیکخت، دیوید منشری، منیژه پور نظریان، ایرج صفائی، ریبی دیوید شوفت، پروانه یوسف زاده.

هیئت مدیره‌ی موسسه‌ی جامعه‌ی فارغ التحصیلان که در چاب این کتاب همکاری کردن: شیرزاد آبرام، یعقوب آبینه چی، سایمون بوستان فر، فردگلباش، عبدی خرمیان، مهرداد مبصری، چمشید نوائین، رحمت اورشلیمی، اشرف تابان، سعید ساسونی و تشکر ویژه دارم از راهنمایی‌ها و مساعدت‌های بی‌دریغ مهرداد مبصری، چمشید نوین رحمت اورشلیمی.

همکی ما همواره مدیون دورا و نیل کریشا هستیم چون بدون حمایت‌های سخاوتمندانه‌ی آن‌ها نشر این مجموعه هرگز میسر نبود. نیل کریشا در همان مراحل اولیه که از تالیف این کتاب باخبر شد، بدون اطلاع و حتی بدون درخواست ماهمه‌ی متابع لازم را فراهم کرد و در اختیار ما قرار داد و پژوهه‌را به سرانجام رساند وی در جریان همین کار در زمرة‌ی صمیمی ترین دوستان ام قرار گرفت. من همیشه قدردان محبت‌های ایشان خواهم بود. از الن فرانکل سروپیراستار و کارول هوپینگ دیبر ویرایش جامعه‌ی نشر یهودیان تشکر مخصوص دارم که موضوع این پژوهه را باور و حمایت کرده و در به انجام رساندن آن مرا یاری کردن.

همکاری با عزیزانی که همکی متابع آکاه و راهنمای ایده‌پرداز این مجموعه بودند بسیار سودمند و دل‌پذیر بود. مایل هستم ارادت و سهاس خود را از این عزیزان ابراز کنم:

ژانت افواری، لیح. بی. او، اچ. ای چهابی، شیرین دقیقان، آرلن دلال فزر، اوی دیویدی، هوشنگ ابرامی، آنتون فلتون، الیاس یاسی کابایی، ریبی اوفر، کلیکن.

مایر ای گروبر، نیل کدیشا، لورنس دی لوشب، دیوید منشری، ورا مورین، فریار نیکخت، ژاله پیرناظر، هایده سهیم، نکن یاوری، دیوید اورشلیمی. عکس‌های این کتاب حاصل رزمات علی

سردار وجسیکا شکریان است.

دبی ادھمی، مارلو برجندوف، الهام قیطان چی، فرج نورمند، هما سرشار غلطگیری مجموعه را به عهد داشتند. مهرداد ایزدی، نقشه‌ها و کوین میلهم، ایندکس آن را تهیه کردند. از مساعدت مینو کوتال، فریار نیکبخت و ایرج صفائی از اعضای پرجسته‌ی آرشیو CJJOH، بهره بردم. با تشکر از لورنس دی لوتب که مجموعه‌ی عکس‌های اش از ایران، جامعه‌ی آلبانس اسراپیل، حبیب لوی از بنیان فرهنگی و آموزشی، جامعه‌ی یهودیان آمریکا، که آرشیو عکس خود را خالصانه در اختیار گذاشتند. ضمناً از عکس‌های افراد دیگری هم در این مجموعه استفاده کردم که نام تک تک آن‌ها در بخش پیوست عکس‌ها ذکر شده است. مایلم از افرادی که در این راه مرا پاری کرده‌اند و از ایده‌ها، پیشنهادات و حمایت‌های شخصی آن‌ها بهره برده‌ام اعلام کنم:

دینا امین، مهرداد انوری، احمد اشرف، حسن آذین قر، سیما براوریان، یوسی دلگشاں، بهناز دیلمانیان، سام کابایی، لطف الله حی، عباس حجت پناه، متوجه کاشف، رابت مردخای، بهمن مجلل، میریام روزن آیین، جو شارما، آنایل سریرپنی، احسان یارشاھر.

از میان دوستانی که در نکارش این کتاب مرا مورد لطف خود قرار دادند بیش از همه به این دوستان مدیونم: بیل اوریک، رد بوید، کریستین سننیک، کالب کرین، رن دی انکلو، جفری آنکل، بیل جیلسون، جفری هورانت، جوردن یعقوب، جیمز ریس، جیمز ویلکی، ناتان شوارتز سالانت، برنت وایر، برادرم سپهر و مادریزگر ام نیم تاج راقفل را زاده در سختی‌ها به من رویه داده‌اند. در آخر و خالصانه ترین تشکر را از هایده سهیم دارم که با همکاری خود دوستی را بر من تمام کرد، از بدrem، نجات که در تمام مدت همدم، حامی و تکیه گاهم بود و از مادرم هما که علاوه بر تلاش در رفع ایرادات و نواقص کلیه‌ی عکس‌های موجود در کتاب را جمع آوری کرد منتشکرم. در نهایت هم از اسکات مارتین کوسفسکی و بتتسی سارلز به خاطر خلافت بی‌نظیر، و پشتکار بی‌بدیل شان هومن سرشار، نیویورک، زانویه ۲۰۰۲ سپاسگزارم.

نتیجه‌گیری و ترجمه ۳

این کتاب مجموعه مقالاتی در موضوع تاریخ حضور یهودیان در ایران، از زمان هخامنشیان تا دوران معاصر است، که نویسنده‌کان غالباً فارس زبان آن، به انگلیسی تألیف کرده‌اند.

به هنگام مطالعه‌ی متن اصلی، همه جا با ساختار غیرعادی و بیان نامتعارف مطلب مواجه می‌شدم که کوئی مؤلف به اصطلاح مشغول ترجمه‌ی کلمه به کلمه از زبانی به زبان دیگر است. به تبع این موضوع، از آن جا که مؤلفین به حد کافی با قواعد و اصطلاحات و شیوه نکارش زبان انگلیسی آشنا نبوده‌اند، هر جا طرح مستله‌ای نیازمند سلطنت بینایی به زبان انگلیسی بوده است، در انتقال واضح و آشکار مفاهیم درمانده‌اند و طبیعی است که بازگرداندن چنین مفاهیم و مطالبی به زبان فارسی با دشواری‌های مخصوص روبه رو بود.

مشکل دیگر ترجمه‌ی این کتاب، آن جا بروز کرد که معلوم من شد، نویسنده‌کان مقالات، چنان که کوئی کتاب را صرفاً برای استفاده‌ی همکیشان خود نوشته‌اند، جایه‌جا، از عناوین، اصطلاحات و واژگانی سود بردۀ اند که برای غیریهودی بسیار رمزآلود و غریبیه می‌نماید و چون دسترسی به معانی غالباً پنهان و محفلی این مفاهیم و اصطلاحات و اشارات درون دینی یهودیان، چندان به سادگی میسر نیست، با وجود کوشش فراوان موفق نشدم برای برحی از این کلمات توضیح کافی در پاورقی‌های کتاب ارائه دهم. با این همه، به کمان من، کتاب فرزندان استر، برای تکمیل معلومات تاریخی ایرانیان، بسیار مهم و روشنگر است. امیدوارم لغزش‌های احتمالی با تذکر اهل فن، در دوره‌های چاپ آتی برطرف شود.

«مهرنائز نصریه»

نتیجه‌های لاثر:

محتوای این کتاب، بر سه آکاهی ایرانیان خواهد افزود. نخست این که یهودیان از ۲۷۰۰ سال پیش، یعنی ۲۰۰ سال قبل از حمله‌ی هخامنشیان، و پس از نخستین موج تبعید ناشی از حمله‌ی آشوریان به اورشلیم، در این سرزمین به طور پراکنده زیسته‌اند و به شیوه‌های خود، بر بینان‌ها و باورهای یومی، قومی و سپس ملی ما اثر گذار یوده‌اند:

وقتی یهودیان از اسارت بخت النصر آزاد شدند به دنبال اقلیمی بودند که آب و هوایی شبیه اورشلیم داشته باشد. وقتی به سرزمینی رسیدند که امروز اصفهان شناخته می‌شود، آب و هوای آن جا را مشابه اورشلیم یافتد و همان جا ساکن و یهودی یا دارالیهود را ساختند. از آن پس یهودیان حضور برجسته‌ای در تاریخ ایران و طی سلسله‌های مختلف داشته‌اند و بر فرهنگ، تاریخ، هنر، موسیقی، ادبیات و صنعت ایران تأثیرگذارده‌اند. در دوره‌ی هخامنشیان به دربار راه یافتد و گفته می‌شود که بنای پرسپولیس هم به دست آنان انجام شده است.

آکاهی بعد، از بخش دیگری از کتاب با نام «آتوسی‌های مشهد» به دست می‌آید، که در آن معلوم می‌شود، غالب یهودیان مسلمان شده بر حسب مصالح و مقصدی به اسلام پیوسته‌اند و در خفا، تا هایان عمر، به دین اجدادی خود می‌مانده‌اند.

«آتوسی‌های مشهد در انتظار عمومی به انجام فرایض اسلامی می‌پرداختند و در خلوت و کنج خانه‌های خود به سنت‌های عادی یهودی پای بند بودند. جمعه‌ها به مسجد می‌رفتند، به موعده‌های مسلمانان کوش می‌دادند و دعاهای عربی را قراحت می‌کردند، اما همزمان، به مراسم گنتشتی و سبتي خود می‌پرداختند. این جامعه، که ظاهري مسلمان داشت، در واقع از اجزاء قوم یهود بود. این دوگانگی، تمام جنبه‌های زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داد. برعکس از آنان برای حداقل ظاهر سازی، به زیارت کعبه هم می‌رفتند و پس از حاجی شدن، در راه بازگشت از مکه، از اسکندریه به یاقا و سپس به اورشلیم رفته، در کنار دیوار غربی هم نماز می‌گزارند و پار دیگر از آن جا به قبة‌الاخضر رفته و به نماز گزاران مسلمان می‌پیوستند.

این دوره‌بین، برای یهودیان آتوسی مشهد اهمیت یافیت داشت، زیرا ارتاد در اسلام با مجازات مرگ برابر بود. پس اعمال ظاهري جدید اسلام‌ها نوعی پیش‌گیری در برابر همسایگان فضول، متعصب و شکاک و استنطاق امام جمعه و دیگر رهبران مذهبی بود. یهودیان مجبور بودند بر اثر فشارهای متعدد برای بیان دل بریدگی از من پیوست، در انتظار عمومی گذاهای را بخورند که در دین یهود منوع شده است. در ضمن همیشه از سوی خاخام‌ها تحت نظر بودند تا معلومن شود آیا روزه‌ی یوم کیبور را به جای آورند یا خیر و چنین بود که مرکز اجرای قوانین دینی، از کنیسه به خانه‌های آتوسی‌ها منتقل شده بود. گوشتشتی که از قصابی‌های مسلمانان می‌گرفتند، باز هم برای ظاهرسازی بیشتر به فقیران می‌بخشیدند، ولی شب‌ها، در خانه‌های شان، گوسفند را ذبح یهودی می‌کردند و گوشت آن را به خانه‌های دیگر یهودیان آتوسی می‌فرستادند».

و بالاخره فصل آخر کتاب از نام داران یهود، در عرصه‌های سیاست و فرهنگ و اقتصاد ایران، پیش و پس از اسلام، یاد می‌کند که در میان شان از استر و مرد خای تا رشیدالدین فضل الله مورخ و رحیم نامور عضو مشاور کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران یافت می‌شوند. آیا چه میزان از این اسامی، که به مسلمانی تظاهر کرده‌اند، در حقیقت آتوسی بوده‌اند و این یهودیان صاحب مقام، تا چه اندازه در بدفهمی اسلام و ایجاد شقاق و تفرقه در میان مسلمین گوشیده‌اند؟

بخش آخر، کتاب از سرمایه‌گذاران یهودی در تولید و تجارت زمان محمد رضا شاه می‌گوید: «بیش تر آن‌ها آدامس و عروسک ساخته‌اند، بیمه‌گذار یوده‌اند، آیجو و عرق کشیده‌اند و حاصل آن را برای سنتیز با فلسطینیان به اورشلیم فرستاده‌اند. ناصر پورپیرار»

مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران و جامعه‌ی فارغ التحصیلان:

مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران (CIJOH)، نهم آگوست سال ۱۹۹۵ م در لوس آنجلس تاسیس شد. CIJOH یک سازمان غیر انتفاعی کالیفرنیایی است که با هدف جمع آوری اطلاعات در زمینه‌ها و فرهنگ، دانش، ادبیات، زندگی اجتماعی، سیاست، هنر، اقتصاد و تاریخچه‌ی یهودیان ایران ایجاد شده است.

دست‌آوردهای CIJOH تا به امروز عبارت است از: نواد مصاحبه، سیزده فیلم مستند ویدیویی، قریب به هزار و ششصد عکس، و گردآوری استناد مربوط به یهودیان ایران که از آلبوم‌های خانوادگی و آرشیوهای عمومی یا خصوصی بین المللی فراهم شده است. اطلاعات حقیقی همه‌ی استناد فهرست بندی، شماره‌کذاری و در فرمت‌های دیجیتالی بایکانی شده‌اند. اطلاعات، عکس‌ها، استناد و نوارهای مصاحبه موجود در آرشیو CIJOH برای تحقیق در اختیار متخصصان، دانشجویان و کلیه‌ی علاقمندان قرار داده می‌شود.

طی سال‌های اخیر، CIJOH، کوشیده است با فعالیت‌هایی از جمله انجام قریب به دویست مصاحبه با افراد موقّع، نواقص استناد و مدارک تاریخ شفاهی یهودیان ایران را جبران کند. CIJOH بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ م یک نشست بین المللی سالیانه در زمینه‌ی فرهنگ و تاریخ یهودیان ایرانی با حضور متخصصین تاریخ و فرهنگ سراسر دنیا برگزار کرد. کما رسانی در کنفرانس در کتاب‌های متوالی با عنوان «تاریخ یهودیان ایرانی معاصر» چاپ شد. بنیان‌گذار CIJOH هم‌ارشاد است و اعضای هیئت مدیره‌ی آن عبارت اند از: دی‌ادهمی، رکسانا جاوید، فرج نورمند، رکسانا رستگار، هما سرشار و هون من سرشار.

جامعه‌ی فارغ التحصیلان در ۱۹۹۱ م در کالیفرنیا توسط اولین گروه فارغ التحصیل یهودیان مهاجر ایرانی بنیان‌گذاری شد. این گروه، هیئتی تشکیل دادند تا ماهیت یهودی ایرانی خود را حفظ کنند. بنابراین سلسه‌ی فعالیت‌هایی ترتیب دادند از جمله برگزاری جلسات سخنرانی، فعالیت‌های درون گروهی متخصصان تربیت فرزند و متخصصان روان‌شناسی، تجلیل از فارغ التحصیلان فعالیت‌های بازساختی از جمله احیای مراسم دینی یهودی و سفرهای خانوادگی.

جامعه‌ی فارغ التحصیلان در ۱۹۹۳ م و به منظور ترویج تحقیق و انتشار آثار یهودیان ایرانی تشکیل شد که البته مخاطب آثارشان غیری‌ها نیستند.

این مؤسسه ۲ جلد از پادیاوند: سری مطالعات یهودی - ایرانی و یهودی را به ویراستاری امنون نظر (نتصر) چاپ کرد. به علاوه کتابی از داود اورشلیمی با نام «یهودیان ایران در قرن نوزدهم» با همکاری جامعه‌ی فارغ التحصیلان آماده‌ی چاپ است.

کتاب حاضر، فرزندان استر، محصول تلاش مشترک جامعه‌ی فارغ التحصیلان و مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی است. با تشکر از همکاری اعضای مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران که در تهیه و چاپ این کتاب زیبا ما را یاری کردند.

اعضای جامعه‌ی فارغ التحصیلان شامل: شیرزاد آبرام، یعقوب آینه‌چی، سیمون بوستان فر، فرد کل‌بار، ادبی خرمیان، مهرداد مبصری، جمشید نوائین، رحمت اورشلیمی، اشر تابان و سعید ساسونی است.

پیش‌گفتار ظاهرسازی؛ دیراث استر

«به توصیه‌ی مردخای، استر یهودی بودن خود را از همه پنهان کرده بود.» (عهدتینق، استر، ۱۰: ۲)

اولین روز مدرسه را به خاطر می‌آورم. شش ساله بودم و پس از دوران فراغت کودکی، سال اول دیستان را آغاز می‌کدم. همراه خانواده‌ام در یک آپارتمان سه خوابیه‌ی متوسط، در بلوار جردن، واقع در شمال تهران، زندگی آرامی داشتم. روز اول مهر، آشیزخانه‌ی کوچک خانه‌ی پدرم، جو هیجان آوری داشت. ظاهراً مهه چیز مثل همیشه عادی بود، اما برای من که باید تا دقایقی دیگر، خانه را ترک می‌کردم و به جامعه‌ی جدیدی به نام مدرسه می‌پیوستم، صدای سوت بخار کتری هم تحریک کننده بود. پدر و برادر بزرگ‌ترم مشغول صرف صحیحانه بودند و من زیر چشمی آرامش او را با بی‌قراری و عجله‌ی مادرم که داشتم از تکابوی آماده کردن ناهار من و برادرم بود، مقایسه می‌کدم. مادر، طی دو سال گذشته، تقریباً هر روز برای مدرسه‌ی بزادم ناهار آماده می‌کرد. ولی آیا طعم ناهاری که امروز در مدرسه خواهم خورد، با ناهار منزل تقاضت خواهد داشت؟ مادرم در حالی که عجله‌ی می‌کرد مرا روانه کند، با غرور نگاهی به من کرد و گفت:

- پسر عزیزم، دیگر بزرگ شده‌ای و به مدرسه می‌روی تا مه خواندن و نوشتن یاد بکیری و هم دوستان جدیدی پیدا کنی!

نگاه مادرم به گونه‌ای بود که گویی می‌خواست از راه چشم، غرور شادمانه‌ی خود را به من تزریق کند. آیا در مدرسه هم با من همین طور رفتار خواهد شد؟ اونیفورم مدرسه را پوشیدم و کوشیدم ستاره‌ی طلایی دارد را، که مادر بزرگ‌ام اولی تابستان از اسراپیل سوغات آورده بود بر کردن ام بیاوبیم که پدر فنجان چای نیمه تمام اش را روی میز گذاشت، به آرامی به سمت من آمد کردن بند را زیر یقه‌ی لباس ام پنهان کرد و گفت:

- لازم نیست این ستاره را نمایش بدی. ضمناً اگر کسی درباره‌ی دین ات پرسید، اجازه داری به دروغ، خودت را مسلمان معرفی کنی.

حالا دیگر فضای هیجان آور آشیزخانه، جای خود را به سردرگمی غریبی داده بود. خدای من، پدرم را تشویق می‌کرد که دروغ بگوییم!^۱ مادر روبه پدر گفت:

- با این مزخرفات، مغز بجه را پر نکن. امروز چه کسی اهمیت می‌دهد که دیگری مسلمان، مسیحی و یا یهودی باشد؟ همه‌ی ما ایرانی هستیم.

و بعد رو به من گفت: هر که پرسید بگو ایرانیم. در واقع مادرم می‌کوشید احساس ترس و غربت مرا از میان ببرد و پیشاپیش در برابر مشقتی که هنوز آن را حس نکرده بودم، آماده‌ام بکن. مادرم از درجه‌ی انسان دوستی به موضوع می‌نگریست و پدرم با پس زمینه‌ی تبعیض و غربت، البته این پایان کار نبود. پنج سال بعد، شبی که قرار بود ایران را به مقصد آمریکا ترک کنم، پدرم دویاره با همان جدیت از من خواست اگر کسی از دین ام سوال کرد بگویم مسلمانم. آن روزها کوچک‌تر از آن بودم که درک کنم چرا در ایران، که یهود بودن قاعده‌ای اسباب دردسری نبود، پدرم اصرار داشت دین ام را مخفی کنم؟

۱. همه‌ی دوستان و آشنايان ما، از جمله پرستارم که پدر و مادرم را هم بزرگ کرده بود، همگي مسلمان

۱. ناشر اميدوار است نويسنده حالا چنان دنيا ديده شده باشد، كه دليل اصلی توصیه‌ی پدرش در مخفی کردن ستاره‌ی داود را ذرك نکند، كه از جمله می‌تواند به سبب قتل عام عمومی مردم شرق میانه در پوريم كهن با كم خشایارشا و يا قتل عام مردم قلوجه در روزگار ما به دست و فرمان کوروش جديد یهوديان، يعني ايلات متعدد باشد.

بودند و از نظر آن‌ها یهودیت فقط به این معنا بود که در روزهای خاصی، خوراک ویژه‌ای می‌خوردیم، پدر و پدربرزگام به زبان فارسی - یهودی صحبت می‌کردند، عمومی ام در شب عروسی اش پیش از بوسیدن عروس، جامی را می‌شکست و تا یک هفته پس از دریافت خیر قوت جده‌ی مادرم در اسراییل، نمی‌توانستم و نباید بر دامن مادربرزگام بنششم و بخندم. پس در این اعمال و باورها چه چیز ناخوش آیندی بود که باید به خاطریش دروغ می‌گفتمن؟ من جواب سؤالم را یافتم ولی بنا به هشدار پدرم روزی که ستاره‌ی طلایی از کردن ام افتاد، پرسش همکلاسی ام را که می‌خواست بداند آن ستاره چیست، بی جواب گذازدم و همه‌جان خودم را مسلمان جلوه دادم. طی بیست و هفت سال گذشته، تاریخ ۲۷۰۰ ساله‌ی تأمل برانگیز یهودیان ایران را، که به قدمت کتاب مقدس است، مطالعه کردم و دریافتمن که استر، بنا به توصیه‌ی عمومی دادی خود، مردخای، به استر ملک خشایارشا توصیه کرده بود که دین خود را پنهان و به دین غالب تظاهر کند. آن گاه فهمیدم که من هم باید مانند پدر و نیاکان ام سنت تقیه و ظاهر سازی را که از زمان دیاسپورا برایمان باقی مانده بود رعایت و این سنت را به نسل‌های بعدی فرزندان استر منتقل کنم.

ظاهر سازی استر، در تاریخ یهودیان ایرانی بی‌سابقه نبود. بنا به گفته‌ی این میمون فیلسوف بزرگ یهودی قرن دوازدهم، یهودیانی که در اسارت بخت النصر بودند، وادار می‌شدند تا به بیت‌های تعظیم کنند و پس از آن که در قرن ششم پیش از میلاد توسط کوروش، از اسارت آزاد شدند، عده‌ای به دین خود بازگشتند، معبد را دوباره ساختند و به پرستش آزادانه‌ی خدای آسمان مشغول شدند. برخی از یهودیان نجات یافته، راه هجرت به شرق را پیش گرفتند و در مناطق مختلفی از ایران سکنی گزیدند، برخی هم طی ۲۵۰ سال بعد چنان قدرتمند شدند که در سایه‌ی الطاف حاکمان، به تربیت مقامات دولتی رادر اختیار داشتند، مثلاً استر و نحیما به دربار راه یافتدند و مقامات دولتی و قانونی و ارتضی را به خود اختصاص دادند. دیگران هم طبق قانون خامنیشان تا دوران صفویه از نظر حقوقی با سایر اقلیت‌های دینی تفاوتی نداشتند، و برای نقل مورخان، یهودیان در دوره‌ی پارت‌ها و ساسانیان از چنان شرایطی برخوردار بودند که توانستند تلمود باپلی، از مهم ترین استناد یزدان شناسی یهود، را به رشته تحریر در آورند. با ظهور اسلام نیز، تغییر خاصی در ساختار یهودیت ایجاد نشد و بیرون یهود، مانند سایر اقلیت‌ها به زندگی شرافتمندانه‌ی دولتی، حقوقی و هنری خود ادامه دادند. تراژدی رعب و انزوا یهودیان، از سال ۱۵۰ م که شاه اسماعیل، مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام کرد، آغاز شد. در این زمان، بر اثر تغییر سیاست‌های حکومتی و اجتماعی، اقلیت‌های دینی، از جمله یهودیان، به نازل ترین درجه‌ی اعتبار اجتماعی سقوط کردند و همواره از سوی هموطنان مسلمان خود مورد تهدید و شکنجه دینی قرار گرفتند.

«نجس» مفهوم تأمل برانگیز دینی جدیدی بود که وارد فرهنگ دینی ایرانیان شد. این مفهوم به تمام کسانی که دین و مذهبی غیر از شیعه داشتند اطلاق می‌شد و در اثر آن، نجس‌ها، خصوصاً یهودیان، از برقراری ارتباط با مسلمانان و لمس مواد خوارکی مسلمین منع می‌شدند. بعدها کار به جایی رسید که یهودیان حق استفاده از حمام‌های عمومی و چشمه‌های مشاع مسلمین را نداشتند و قدم زدن در هوای بارانی هم برای شان منع بود زیرا بیم آن می‌رفت که از طریق رطوبت باران، نجاست یهودیان، به شیعیان منتقل شود.

پس از شکل‌گیری ائتلاف جهانی اسراییل (۱۸۹۷ م) و انقلاب مشروطه (۱۹۰۶ م)، اوضاع اندکی بهتر شد. آموزش غربی، جایگاه یهودیان را در میان مسلمین ایران تغییر داد و اجازه یافتدند در اعداد گستردۀ تری به ارتباط و هماهنگی با جامعه‌ی مسلمان اقدام کنند. در قانون اساسی، یهودیان به عنوان شهرهوندان درجه دوم معرفی شدند و انگ نجاست از آن‌ها برداشته شد، هرجند که پرداخت

۱. اصطلاحی است اشاره به دوران تبعید یهودیان.
۲. این مظلوم نمایی، شیوه‌ی معمول یهودیان است، آن‌ها پیوسته در کنار مسلمین در امنیت کامل زیسته‌اند و فرضت طلبانه در اقتصاد و سیاست و فرهنگ میزبانان خود اخلاص کرده‌اند. (ناشر)

جزیه همچنان بر آن‌ها مقرر بود و ادامه داشت. علی‌رغم چنین تمهدیاتی، حدود چهار دهه طول کشید تا یهودیان بتوانند به عنوان اعضای برابر و یکپارچه‌ی جامعه، به زندگی خود ادامه دهند و امنیت اجتماعی خود را باز یابند. در ۱۹۴۱ م، ایران توسط ارتش متحد اشغال شد. رضاشاه بهلوی را خلع کردند و پسرش محمد رضا را به قدرت رساندند. به گفته‌ی حبیب‌لوی، مدت سی و هشت سال حکومت محمد رضا شاه، دوران طلایی زندگی یهودیان ایرانی بود. برخی یهودیان در بر پرترین سازمان دهنگان جنبش صنعتی و غربی سازی ایران بودند. تا آن‌جا که یهودیان در بر پایی و سرمایه‌گذاری مربوط به بانک‌داری، بیمه، نساجی و ... در دوران شکوفایی ملی ایران، یعنی دوران سلطنت محمد رضا شاه، تاثیر به سزاگی داشتند.^۱

من در ایرانی متولد شده بودم که در آن خبری از نجس بودن، آزار دینی و بایکوت و غیره در زندگی یهودیان نبود و هر روزه شاهد ترقی یهودیان به عنوان صاحب امتیاز مطبوعات، گرداننده‌ی مراکز فرهنگی، دارنده‌ی کرسی استادی دانشگاه و بالاخره مقام دار عالی رتبه‌ی حکومتی بودم. با این حال همان طور که پدرم در اولین روز مدرسه گوش زد کرده بود، تقدیم و ظاهر سازی دینی چنان در روح یهودیان ریشه گرفته بود که با وجود چهار دهه اعطای تشهیلات و حق رای و غیره نیز، از خاطر یهودیان محظوظ نمی‌شد. نکر این مطالب برای بیان برخی دلایل پنهان بردن یهودیان به ظاهر سازی، تزویر و همزینگی با جماعت بود که بر تمام ابعاد زندگانی آن‌ها غلبه داشت.

از طرف دیگر، از میان تمام اقلیت‌های دینی، یهودیان تنها گروهی بودند که پوشش ظاهرشان بسیار شبیه پوشش مسلمانان بود، از این رو می‌بايست تکه‌هایی با نام «یهودانه» روى لباس شان می‌دوختند تا از مسلمانان تمییز داده شوند. قانون دیگر این بود که یهودیان می‌بايست بر سر در خانه‌های شان علامتی بیاوردند تا رهگران از یهودی بودن آن‌ها آگاه شوند. که البته تعداد کمی از یهودیان از این قانون پیروی می‌کردند. برخی کوکان خود اسامی اسلامی و ایرانی مانند نجات‌الله و منصور یا بروانه، انتخاب می‌کردند تا در آینده از آزار دینی یا مسائل و مشکلات اقتصادی و فقر و بی‌کاری مصون بمانند. قانون، استفاده از نام‌های اسلامی را برای یهودیان منع نمی‌کرد و بر اثر این نام‌گذاری ها اندک‌اندک در جمع زنان یهودی خرافاتی شکل گرفت که احساسات روانی و مذهبی آن‌ها را تحت الشاعع قرار داد. بنابراین خرافات‌استفاده از نام‌های اسلامی، موجب کاهش مرگ و میر کوکان می‌شد. اعتقاد دیگری می‌گفت که باردار نشدن زنان یهودی از آن روزست که خداوند خواهان یهودیان نیست و به معین دلیل زنان با خدای خود عهد می‌کردند که با انتخاب نام اسلامی، فرزندان شان را به او تقدیم کنند و باور داشتند که بدین وسیله هم باردار خواهند شد و هم روح کوک متولد نشده را از خشم خدا، رهایی خواهند داد.

تحقیق اخیر درباره‌ی تاریخ فرهنگ یهودیان ایران، حاکی از آن است که نقش فرزندان استر در ایران، تنها به تقدیمی دینی و نارواهاری و آزار دینی و رفتارهای فربیکارانه و دوروبی در اظهار دین، محدود نمی‌شد. وجه دیگر و ثابت این پدیده، ناخواسته یهودیان را به سمعتی سوقد داد که اندک اندک به حامیان و حافظان عناصر فرهنگ ایرانی، به ویژه در باب موسیقی و صنعت شراب سازی بدل شدند. چنان که پیش تر ذکر شد، تفکر و سلک شیعه‌ی دربار صفوی، بر ابعاد سیاسی، اجتماعی و حقوقی زندگی روزمره‌ی مردم تأثیر گذازده بود. موسیقی هم تحت تأثیر این تغییرات قرار گرفت. از آن‌جا که موسیقی معمولاً با می‌گسازی و بی‌بند و باری اخلاقی همراه است، مسلمین از شنیدن موسیقی بر حذر شدند و تعصب روحانیون شیعه‌ی دربار صفوی حتی موجب شد که شنیدن و نواختن و آموختن موسیقی حرام اعلام شود و تنها نواختن موسیقی هایی مجاز بود که در خدمت مسائل دینی و مذهبی قرار گیرد. بدین ترتیب میراث گران بهای موسیقی ایران به شدت در معرض نابودی قرار گرفت. اما از آن‌جا که تحریم موسیقی شامل اقلیت‌های غیر ایران بود که در معرض نابودی قرار گرفت. اما از آن‌جا که در همین بارگرفت می‌خوانیم که یهودیان در آن زمان صاحب امتیاز این سرزمین بوده‌اند، تعجب ندارد. (ناشر)

مسلمان نبود، ازمنه و زردهشیان و بیش از همه یهودیان از آن زمان، به موسیقی ایرانی رو آوردند و در ساخت و اجرای آهنگ‌ها و ارتباتی آن‌ها نقش عمده‌ای به عهده گرفتند و چون محدودیت‌های دینی و مستله‌ی نجاست یهودیان و ارتباط محدود یهودیان و مسلمان‌ها، کاریابی و ایجاد درآمد برای یهودیان را بسیار دشوار می‌کرد، ارتزاق از راه فراکتیری موسیقی، که نیازمند ارتباط مستقیم یهودیان و مسلمانان نبود، به مهم‌ترین و نافع‌ترین منبع درآمد یهودیان تبدیل شد. آن‌ها در انزوا و خلوت خود به هنرمندان و موسیقی شناسان ریشه‌ای بدل شدند که موجب شدن موسیقی سنتی ایران از نابودی نجات یابد.

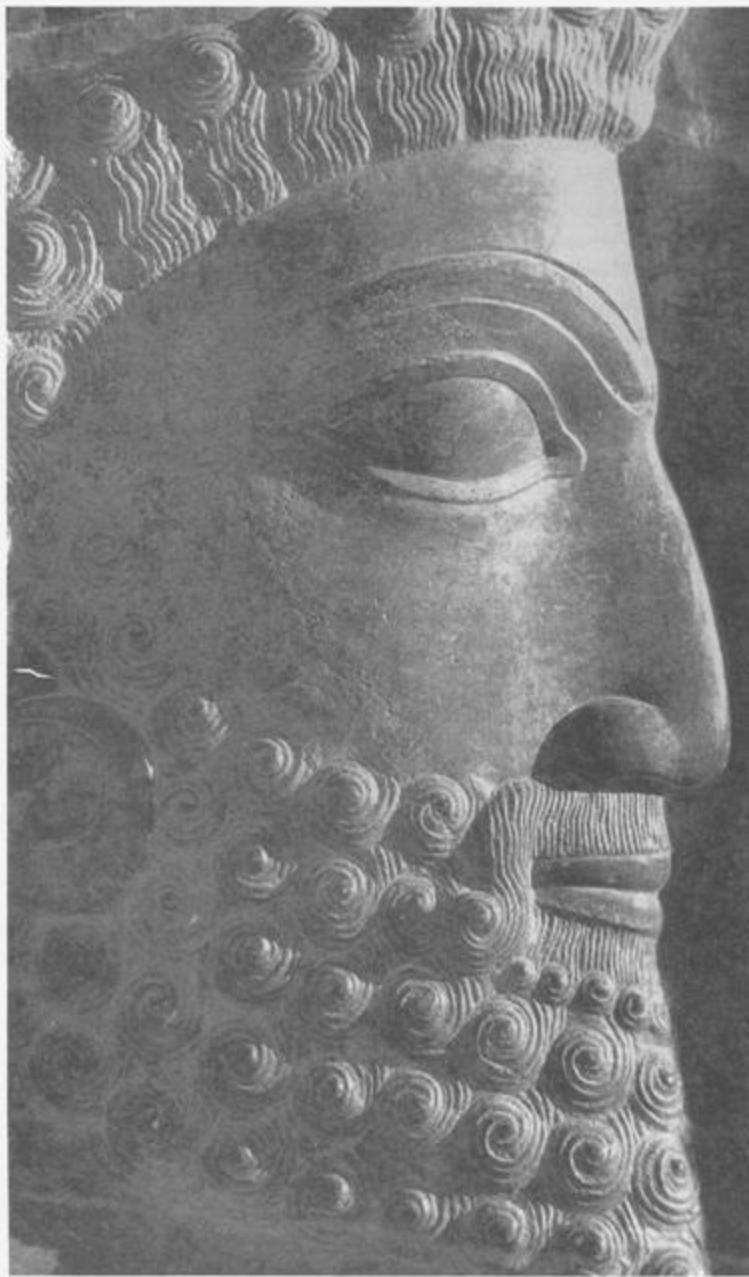
آثار هنرمندانه‌ی مرتضی خان نی داود در قرن بیستم از مهم‌ترین مصادیق این مدعای است. به علاوه مرتضی خان که استاد تار و فرزندش بالاخان که نوازنده‌ی ضرب در دربار ناصرالدین شاه قاجار بودند، از ترane سرایان و خوانندگان بزرگ قرن بیست محسوب می‌شوند. چنان که غلامحسین بنان هم به ترین خواننده‌ی دوران خود بود و قمرالملوک وزیری به عنوان اولین خواننده‌ی زن که در انظار عمومی همراه کنسرت مرتضی خان آواز می‌خواند، شناخته می‌شدند. مرتضی خان در اوایل دهه ۱۹۷۰، «ردیف» یعنی اولین و تنها مجموعه‌ی نسخه‌ای ایرانی را تهیه و ضبط کرد.

مشارکت یهودیان در صنعت شراب سازی هم، پیرو همین روند بود. با قدرت‌گیری سلسله‌ی صفوی، قوائی شیعه، تهیه و مصرف شراب و هرگونه نوشیدنی الکلی برای مسلمانان را، منع کرد، اما این ممنوعیت شامل یهودیان و سایر اقلیت‌های دینی نمی‌شد و برای آنان ساخت و مصرف شراب در خانه‌های شان آزاد بود و چون مالیات بر شراب کشی، درآمد دولتی خوبی برای دربار صفوی فراهم می‌کرد، اقلیت‌های دینی حتی به ساخت شراب و پرداخت مالیات مربوط تشویق می‌شدند. این آزادی عمل، از آن جا که یهودیان، مسیحیان و ارمنی‌ها در مراسم دینی خود، شراب می‌نوشیدند محل منتهی نیز داشت و بدین ترتیب، اقلیت‌های دینی از جمله یهودیان، صنعت دیرینه‌ی شراب سازی ایران را طی سده‌های آتشی حفظ کردند و حتی به صنعت شراب سازی خود صورت جهانی دادند. مثلاً شراب معروف شیراز که در استرالیا تهیه می‌شود، از انگرهاهی درختان تاکی است که یهودیان از شیراز به استرالیا بردند و با افزایش بوستان‌ها در قرون اخیر، مبتکر تولید شراب شیراز در استرالیا بوده‌اند.

این نوشتہ، روزنی است به سوی تحقیقات و مطالعات نوظهور درباره‌ی جایگاه یهودیان در تاریخ و فرهنگ ایران، از آن چه کتفیم چنین بر می‌آید که مسلک دو رویی و مخفی کاری دینی، به نوعی موجب بقا و حفظ جان و نیز تداوم میراث یهودیان ایران بوده است. حضور جامعه‌ی باستانی یهودی به عنوان بزرگ‌ترین و تنها جامعه‌ی یهود خاورمیانه، نمایانگر اهمیت و موفقیت روحیه‌ی تقدیم یهودیان است. حفظ صنعت شراب سازی و موسیقی ایرانی نشان می‌دهد این دوگانه اندیشه، نه تنها میراث باستانی یهودیان ایران بل ارزش‌های دیرینه‌ی سرزمین کوروش کبیر، منجی یهودیان را نیز حفظ کرده است و بدین ترتیب جامعه‌ی باستانی یهود ایران هرگز بیرون خود را با کروش کبیر، حتی در دوره‌ی صفوی تبرید و نقش ویژه‌ای در پاس داری از فرهنگ باستانی ایران به عهده گرفت.

این کتاب سرگذشت سیاسی و فرهنگی یهودیان ایران است که از دهه‌ی مین روز ماه طبیت در هفتمنی سال حکومت خشاپارشاه (استر ۱: ۲۰) آغاز می‌شود. من هم در اولین روز مدرسه دین ام را مخفی کردم اما دروغی که گفتم به خاطر ترس از آزار و طرد شدن نبود، بیل نشانه‌ای از احساس دیرین عدم امنیت در میان یهودیان ایران بود و برای من و تمام آن‌ها که بیش از من این دروغ را گفتند اند، به طور سمبیلیک، یادبودی است از آن چه یهودیان با آن رویه رو بوده‌اند، و به مفهوم ادame‌ی روش استر در اختقادی دین خود بوده است. یاد بودی که برای ما به ترین عنوان، یعنی فرزندان استر را به ارمغان آورده است.

۱. بر مبنای متن تورات در کتاب استر، معلوم نیست چرا شخص مردخای نه فقط یهودی بودن خود را پنهان نمی‌کرد، بل برایر متن تورات حتی بر یهودی بودن خود نیز رسماً و در مقابل عموم اعلام اغفاری کرد! است؟؟ (ناشر)



نیم رخ برجسته‌ی سریاز ایرانی که بر دیوار شرقی پلکان کاخ آبادانا حجاری شده است، عکس از هنری استزلین

فصل اول هخامنشیان

مایر آی، گروبر

بودند و هزار صنعتگر و آهنگر را اسیر کرده به بابل برد. در شوش یک یهودی به اسم مردخای (پسر یائیر و نوه شمعی، از نوادگان قیس بنیامینی) زندگی می‌کرد. وقتی بخت النصر، پادشاه بابل، عده‌ای از یهودیان را همراه یهودیکین، پادشاه یهودا از اورشلیم به اسارت برد، مردخای نیز جزء اسرا بود.^۱

اسرای یهودی به خدمت دربار درآمدند و آبادانی شهرهای غیرمسکونی هم به عهد آن‌ها گذارده شد. حکومت بابل، صدقیا، عمومی یهودیکین را به فرمان روایی یهودا گمارد. وقتی صدقیا علم استقلال طلبی برافراشت، بخت النصر بار دیگر به اورشلیم حمله برد، مردم زیادی را به اسیری گرفت و معابد را ویران کرد. و بار دیگر مردم اورشلیم را، مثل والدین مردخای و استر، به ایران تبعید کرد. چندان که همان توanstگارش دهد که یهودیان در تمام استان‌های ایران پراکنده شده‌اند.^۲

ازادی یهودیان از اسارت بابلی‌ها

حمله‌ی کوروش انشانی بنیان‌گذار سلسله‌ی پارسی هخامنشی، در ۲۹ اکتبر ۵۳۹ ق.م.، به بابل، چندان با استقبال رهیان یهود در بابل مواجه شد، که گویا وی همان کسی بود که می‌باشد رسالت ارمیا را تمام کند و یهودیان را به اورشلیم بازگرداند.^۳ این مسئله دراظهارات پیش‌کوی ناشناس آن دوره، که بیانات اش در کتاب اشعياء آمده، این گونه ثبت است:

۱. عهد عتیق، استر، ۵:۶-۷. این نقل نسبتاً نه دقیقاً با تورات برابر است.

۲. عهد عتیق، استر، ۸:۲.

۳. و خداوند می‌کوید که شما را جمیع امت‌ها و از همه‌ی مکان‌هایی که در آن‌ها زندگانید جمیع خواهم کرد و از جایی که به اسیری فرستاده‌ام باز خواهم آورد. (عهد عتیق، ارمیا ۲۹:۱۴)

۴. عهد عتیق، اشعياء، فصل‌های ۶۰-۶۶.

تاریخ یهودیان ایران از پانزده مارس سال ۵۹۷ پیش از میلاد، آغاز می‌شود.^۱ بنا بر لوحه‌های وقایع نگار بابلی، که در موزه‌ی انگلستان در لندن نگهداری می‌شود، و نیز متن کتاب مقدس، در آن روز بخت النصر دوم، اورشلیم را فتح کرد و حدود ده هزار یهودی از جمله یهودیکین پادشاه یهودا را به اسیری برد. تورات در این باره می‌نویسد:

«بخت النصر اهالی اورشلیم را، که شامل فرماندهان و سربازان، صنعتگران و آهنگران می‌شوند و تعدادشان به ده هزار نفر می‌رسید به بابل تبعید کرد و فقط افراد فقیر را در آن سرزمین باقی نگارد». ^۲

و در کتاب استر نیز آمده است:

«بخت النصر یهودیکین را با مادر و زنان او، فرماندهان و مقامات مملکتی به بابل برد، همه‌ین تمام سربازان جنگ آنژوید را، که ده هزار نفر

۱. این اشاره‌ی مؤلف از عجایب است. زیرا تاریخ یهودیان ایران، لااقل دو قرن مقدم بر این تاریخ و از زمانی آغاز می‌شود که بر اثر حمله شلمانسر، نخستین موج مهاجرت یهودیان به ایران صورت گرفت. این موج بعدها می‌در زمان حمله‌ی سناخربی به یهودیه، در هوالی ۷۰-۷۰ پیش از میلاد، تجدید شد. (دوم پادشاهان، ۱۵:۲۹. اول تاریخ ۲۶:۵، اشعیاء ۹:۱ و دوم پادشاهان، ۲-۲۴)، (ترجم) ۲۴:۱۳-۱۴. ۲. عهد عتیق، دوم پادشاهان، ۱:۲۴-۲۶).

شاه انشان را به نام خواند و او را به فرمانروایی جهان برگزید... بدون جنگ و مراجحتی وی را به شهر بلا زده بابل وارد کرد و نیوتنید، پادشاه منکر مردوخ را شکست داد. مردم بابل و سومر و اکد به وی کوشش کرده صورت نوارانی و پای او را بوسیدند. گویا مرادی آمده بود تا به ایشان عمر دوباره بخشند و از شر و بلا مصون شان دارد. پس نام اش را نیکو داشتند.^۱

بازسازی معبد

در کتاب اشعیا آمده است که کوروش مأمور بازگرداندن یهودیان به اورشلیم و بازسازی معبد سلیمان است. مردم بابل هم می گفتند کوروش از طرف خدایان بابل آمده تا معابدی که شاه نیوتنید پرستنده سین، خدای ماه، ویران کرده بود، از نو بسازد.^۲ بنابر نسخه عبری فرمان کوروش در عزرا^۳ و نسخه عربی عزرا^۴، کوروش و جانشینان اش در سلسله خامنشی، هم پادشاه بابل، هم شاه ایلام در شوش، هم فرعون مصر بودند و کوشش هم فرستاده خدای اسراییل است. «من، کوروش، پادشاه پارس، اعلام می دارم که خداوند، خدای آسمان ها^۵، تمام ممالک جهان را

1. Pritchard 1969, 315-316.

2. Pritchard 1969, 314.

۳. عهد عتیق، عزرا، ۲-۳: ۱، و نیز نگاه کنید به دوم تواریخ ایام، ۲۶: ۲۲.

۴. عهد عتیق، عزرا، ۳-۵.

۵. بیکرمن می گوید شاهان خامنشی از اصطلاح «خداوند آسمان» برای تمام نیروهای الهی یهودی استفاده می کردند. (Bickerman 1946, 257) الفانتئی در برابر ایرانیان، خدای خود را «خداوند آسمان» می خوانندند، (همان) به کفته ای بیکرمن یهودیان در جمع خود، خدای شان را پیوه، صورت اختصر نام الهی (H) YHW می گفتند (Porten 1968, 106-150).

بیکرمن می گوید از آن جا یهودیان اورشلیم خدای خود را با توجه به سفترتئینه، «خداوند زمین و آسمان» می نامیدند، داریوش هم همین نام را به کار می برد. (عزرا، ۱۱: ۵). البته یهودیان غرب محسن در دوره‌ی ←

«خداوند به مسیح خویش^۶ یعنی به کورش که دست راست او را گرفتم تا به حضور وی امت‌ها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان بگشایم، تا درها را به حضور وی مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود، چنین می گوید: که من پیش روی تو خواهم خرامید و جای‌های نامه‌وار را هموار خواهم ساخت و درهای برجین را شکسته پشت بندهای آهنین را خواهم بربید و گنج‌های غلمت و خزانی مخفی را به تو خواهم بخشدید تا بدانی که من بیهوده که تو را به اسمات خوانده‌ام خدای اسراییل می باشم. به خاطر بندۀ‌ی خود یعقوب و برگزیده‌ی خویش اسراییل هنگامی که مرا نشناختی تو را به اسمات خواندم ملقب ساختم. من بیهوده هستم دیگری غیر از من خدایی نیست. من کمر تو را بستم هنگامی که مرا نشناختی. من بیهوده هستم، پدیدآورنده‌ی نور و آفریننده‌ی غلمت. صانع سلامتی و آفریننده‌ی بدی. من بیهوده صانع همه‌ی این چیزها هستم».^۷

گرچه کوروش در اینجا برگزیده‌ی خدای یهود خوانده می شود و گرچه هیچ یک از هاداران کوروش و مورخین، به طور جدی به این مطلب نهاده اند، اما عجیب است که استوانه‌ی کلی کوروش، به خط میخی اکدی، وی را برگزیده‌ی مردوخ (مردوک) می داند:^۸

او [مردوک] بر سرزمین ها نظر افکند تا هربری صالح بیابد و او را هدایت کند؟ پس کوروش

۱. His anointed one، در عربی قرن اول میلادی این کلمه به معنی «مسیح من» یوده است. در لغت نامه های توراتی موجود هم «کنسی که وی را به عنوان شاه برگزیدم»، معنی شده است.

۲. عهد عتیق، اشعیا، ۸: ۳۵، متن از جای ۱۸۵۶. ۳. این اشاره‌ی مولف کتاب نو بخش دارد: اول تعجب می کند که چرا مورخین و هاداران کوروش به مقام او در تورات، به عنوان برگزیده‌ی پیوه اشاره نکرده‌اند، و دوم این که مولف می پرسد در حالی که پیوه به کوروش مأموریت نیافت قوم خود از بابل را داد، چرا کوروش در کل نیشته‌ی بابلی اش خود را مأمور مردوک می داند؟ در عین حال همین مطلب هم توهمن است که مفسران کل نیشته‌ی کوروش پراکنده‌اند، زیرا لااقل در متن فوق، نامی از مردوک بدهند شم شود و مردوک را مفسرین در پراکنتر تفسیری از ایله کرده‌اند.



۱. قطعه‌ای از لوحه‌ی وقایع نامه‌های بابلی، (۵۹۴-۵۰۵) پیش از میلاد. کل نیشته ۲۵/۸ در ۱۹ سانتی‌متر، موze بریتانیا. لشکرکشی بخت النصر دوم به غرب. این لوح از جمله‌ی کل نیشته‌هایی است که وقایع مهم سالانه‌ی سال‌های ۷۴۷ تا ۲۸۰ پیش از میلاد را به طور خلاصه بیان می‌کند. هر مدخل با خط افقی جدا می‌شود و با ذکر سال سلطنت پادشاه مورد بحث آغاز می‌شود.
پس از شکست آشوریان (شروع در وقایع نامه‌ی سال‌های ۶۱۶-۶۰۹ پیش از میلاد ذکر شده) مصریان زرگ‌ترین تهدید علیه بابلی‌ها محسوب می‌شدند، بخت النصر ویلهد بابل در ۵۰۶ قبل از میلاد به جای پدرش نبوپاصر فرماندهی کل قواش و سپاهیان را از فرات به چارچمیش برد و در آن جا مصریان را شکست داد.
پس از آن سال نبوپاصر مرد و بخت النصر به بابل بازگشت و تاج گذاری کرد. طی سال‌های بعد سوریه را تحت کنترل خود درآورد و فتوحات اش را تا فلسطین گسترش داد. در ۶۰۱ قبل از میلاد به مصر لشکر کشید، اما از مواجهه با سپاه مصریان صرف نظر کرد.
بخت النصر پس از بازسازی سپاه اش در ۵۹۶ قبل از میلاد بار دیگر به مصر لشکر کشید و در دسامبر ۵۹۸ قبل از میلاد دوباره به غرب حمله کرد. نبوپاکین پادشاه یهود، به وی پای داده و او را متوقف کرد. سپاه بخت النصر اورشلیم را محاصره و در ۱۵ و ۱۶ مارس ۵۹۷ قبل از میلاد آن را تسخیر کردند. نبوپاکین پادشاه جدید یهود اسیر و به بابل برده شد و قتابع نامه با بیان حمله‌های بیانی به سوریه در ۵۹۴ قبل از میلاد بایان می‌باید.

به من بخشیده است و به من امر فرموده که برای او در شهر اورشلیم که در یهودا است خانه‌ای بسازم. بنابراین از تمام یهودیانی که در سرزمین من هستند کسانی که بخواهند می‌توانند به آن جا باز کردند و خانه خداوند، خدای اسرائیل را در اورشلیم بنا کنند. خدا همراه ایشان باشد. همسایگان این یهودیان باید به ایشان طلا و نقره، توشه‌ی راه و چهارپایان بدهند و نیز هدایایی برای خانه‌ی خدا تقدیم کنند».

بنا بر کتاب عزرا ۴۲۲۶ نفر، به جز زنان و مردان کارگر، به اورشلیم رفتند.

«تمام جمعیت جماعت ۴۲۲۶ نفر، سوای بندگان و کنیزکان که هفت هزار و سیصد و سی و هفت نفر بودند، که در میان شان از زن و مرد دویست نفر مغایران بودند».^۱

در عزرا همچنین آمده است:

«تمام همسایگان علاوه بر هدایایی که برای خانه‌ی خدا تقدیم نمودند، هدایایی نیز از طلا و نقره،

→ کوش اصطلاح «خداوند آسمان» را به وجود آورده و سپس کوش هم آن را به کار برد. اصطلاح «خداوند آسمان» سه بار در استناد آرامی دوران هخامنشیان و به تقلیل از کتاب تورات: (عزرا، ۱۱:۵ و ۱۱:۱۰، ۶:۹ و ۲۲:۱ و ۲۱:۷) و دوبار در بخش‌های آرامی کتاب دانیال (دانیال، ۱۹:۲ و ۲:۱۸) آمده است. چهار بار هم در خاطرات نحمیا، ۵:۴ و ۲۲:۱، ۲۰:۵)، پیکار در هر کدام از دو بخش عبری کوش از عزرا، ۲۱:۲ و ۱:۲، وقایع نامه‌ها (۲۶:۲۲) تکرار شده است. گفته می‌شود کتاب یونس نیز در دوره‌ی هخامنشی توشه شده زیرا و قتنی از میلت و سرزمین اش پرسیدند پاسخ داد: «من یهودی هستم. خدا، خداوند آسمان» را می‌پرسیم که آوارگان یهودی (یونس، ۹:۱، ۱۹:۲ و ۲۵:۱).

۱. این فرمان به آن جهت صادر شد که گروهی از آوارگان یهودی و نوادگان آن‌ها بابل را برای رفتن به اورشلیم و کنک به ساخت معبد ترک کرده بودند، کوش گفت آن‌ها که مابل اند در بابل بمانند، باید با اهدای پول و کالا در پیشرفت اهداف شهیون شریک باشند. در عزرا، ۱:۱، ۱:۲، ۱:۳ آمده که این کار به فرمان کوش بوده است. مینیزیریک می‌گوید اصطلاح «آن‌ها که باقی مانند» Wklhnshn عربی در عزرا، ۱:۲، به صورت Wklhns و برگرفته از Wklidyatl آرامی و به معنی «آن‌ها که وی را حمایت می‌کنند». آمده است.

۲. عهد عتیق، عزرا، ۳:۱۲-۱۳.
۳. عهد عتیق، عزرا، ۶:۶۴-۶۵.

نیز نکوهش شده است. با این که باستان‌شناسی جزئیات بیشتری به دست نمی‌دهد، مورخان به بازسازی این ماجرا پرداخته‌اند.^۱

يهودیان در مسند قانون، حکومت و ارتش

در نتیجه، مانند دیگر ادوار تاریخی، شاهد سه حاصل در عرض هم برای یهودیان هستیم. ۱. برخی یهودیان فرستت بازگشت به سرزمین موعود را به دست آوردند. ۲. برخی غیر یهودیان، دین یهود را پذیرفتند. ۳. بسیاری از یهودیان امکان بازگشت به سرزمین موعود را نیافتدند.

فرزندان یهودیانی که به اسیری سپاه بخت النصر درآمده بودند، مانند اجداد استر و مردخای، روانه‌ی بخش‌های دور ایران شدند که در زمان کمبوجیه (۵۲۲-۵۳۰ ق.م.)، جانشین کوروش، از شرق تا مرزهای هند و از غرب تا مصر و ایتیوبی کسترش یافته بود. بسیاری از یهودیان، همچون نسل‌های پیش از خود، در قرن پانزدهم ق.م. در مصر، به مقام‌های ارتشی نایل شدند و کسانی مانند مردخای بابلی، استر و نحتمیا به خدمت دربار هخامنشی درآمدند. از آن جا که قلمرو هخامنشیان - که زبان و قانون پارسی در آن رایج بود - از رویخانه سند در شرق تا مصر و ایتیوبی در غرب گسترش داشت، تاریخ جهان یهود در دوره‌ی هخامنشی (۵۳۰-۵۵۰ ق.م.) کما بیش همان تاریخ یهودیان

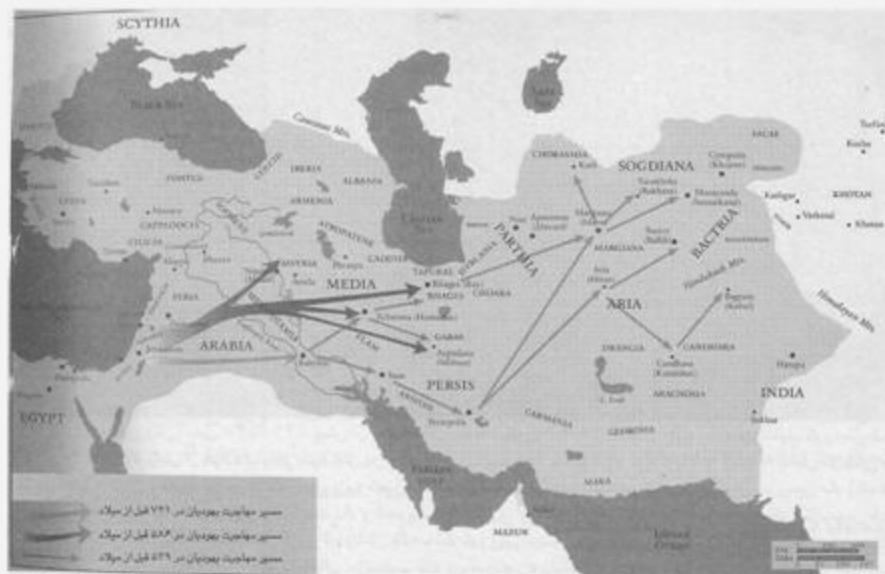
۱. گفته‌ها و اشارات مؤلف در این فصل، از ارتباط وسیع و تکانگ بین کورش و یهودیان خبر می‌دهد. این گفته‌ها که مستقیماً از متن صریح تورات برداشته شده است، موجب بروز تاویلات تازه‌ای در زوایب یهود و کورش شده است. گرچه این تاویلات هنوز قدرت اثبات مطلوب مشخصی در تاریخ را نداشته، اما قابل تأمل است. (متترجم)

توشه‌ی راه و چهاربایان به مسافران دادند.^۲

در کتاب عزرا^۳ آمده است که کوروش، ظروف معبد را، که بخت النصر در ۵۸۶ ق.م. غارت کرده بود^۴ به معبد بازگرداند.^۵ ظروف مذکور توسط شیش‌بصیر امیر یهودا به اورشلیم برگشت داده شد. اشعیا خطاب به آن‌ها که ظروف را حمل می‌کردند نوشتند است:

«اینک خود را از قید اسارت آزاد کنید و بابل و تمام مظاهر آن را پشت سر گذارید زیرا آن‌ها ناپاک‌اند و شما قوم مقدس خدا هستید. ای همه‌ی شما که ظروف خدا را حمل می‌کنید و به وطن باز می‌گردید، خود را باک سازید.»^۶

کوروش گروهی را به رهبری شیش‌بصیر برای بازسازی معبد به اورشلیم فرستاد.^۷ بنا بر نامه‌ای که تتنای،^۸ حاکم غرب فرات^۹ به داریوش اول (۵۲۱-۴۸۵ ق.م.) نوشت یهودیان معتقدند شیش‌بصیر بنیان گذار معبد بود. بنا بر عزرا، ززو بابل، طی دومین سال ورود اولین گروه یهودیان بابل به اورشلیم، معبد را پایه گذاری کرد.^{۱۰} در دومین سال سلطنت داریوش اول، (۵۲۰ ق.م.) حجی نبی^{۱۱} می‌گوید یهودیان فقط به فکر منافع خود بودند و طی هجده سال گذشته معبد را نساخته‌اند. ززو بابل پسر شلتختیل، فرماندار یهودا و پیوش پسر یهوصادر روحانی اعظم، در واکنش به انتقاد حجی به ساختن معبد پرداختند و در سال ۵۱۵ ق.م. آن را افتتاح کردند. تعلیل در بنای معبد طی هجده سال پس از فرمان کوروش، در کتاب عزرا - نحتمیا ۱. عهد عتیق، عزرا، ۱:۶. ۲. عهد عتیق، عزرا، ۱:۱۱. ۳. دوم پادشاهان ۱۷-۱۲:۲۵. ۴. عهد عتیق، عزرا، ۱:۱۱. ۵. عهد عتیق، اشعیا، ۱۱:۵۲. ۶. عهد عتیق، عزرا-۱۱:۸-۱:۸. ۷. عزرا، ۱:۱۶. ۸. Rainey 1961. ۹. عهد عتیق، عزرا، ۲:۳۰. ۱۰. عهد عتیق، حجی ۱۱:۱-۱:۱۱.



۲. نقشه امپراتوری هخامنشیان در حداقل توسعه‌ی خود در سال ۴۸۰ قبل از میلاد و نقشه‌ی مسیر مهاجرت‌های یهودیان به شرق، در دفعات مختلف.

شهر یهودا به سامره متصل شد. این ادعا بر دو اساس است:

۱. خشم سنباط حاکم سامره از جدایی یهودا و تصرف آن توسط نحمیا.
۲. به جز مدارک موجود در باره‌ی دوران حکومت نحمیا و زر و بابل و شیشصر بر یهودا هیچ مدرک تواریخی از دیگر فرمان روایان هخامنشی یهودا در دست نیست. یافته‌های باستان‌شناسی طی چهل سال اخیر، وضع را کاملاً عوض کرد. این یافته‌ها شامل خاتم و مُهری گلی با نام النایان، فرماندار یهودا (قرن ششم ق.م.)، و مهر شخصی به نام «شلمویث» بود که وی در آن خود را «النایان آمه»، که کلمه‌ی عبری و احتمالاً به مفهوم «کارمند دربار» است، نامیده بود.^۱ از اطلاعات

1. Shelomith.

2. Avigad 1976, 31-32; Avigad 1997, 31 Meyers 1985, 33-38.

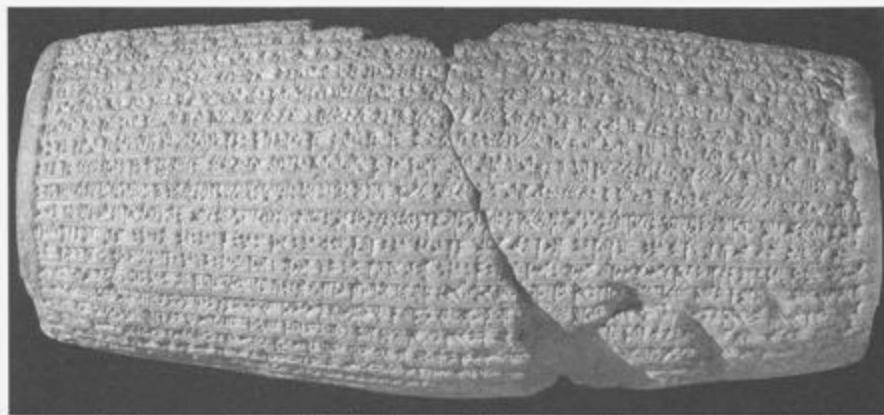
ایرانی است.² بنابر کتاب استر، تقدیر همه‌ی یهودیان، به رأی پادشاهان ایرانی، در مراکز حکومتی شوش، اکباتان، پرسپولیس و پاسارگاد رقم خورد.³

حکام یهودی یهودا در دوران هخامنشیان

به قول مورخان، طی هفتاد سال پس از افتتاح معبد (۵۱۵ ق.م.) تا ظهور نحمیا (۴۲۵ ق.م.)

۱. در این جا هم مولف اقرار می‌کند که تاریخ ایران در دوره هخامنشیان با تاریخ یهود پیوستگی بسیار دارد و تمام مراتب حمله‌ی کورش به بابل به فرمان یهوده انجام شده، چنان که معلمی می‌کند دستور آزادی یهودیان و حمل اموال توپیقی معابد، از بابل به اورشلیم و نیز باز ساخت معابد اورشلیم به مدد و به دستور کوشش انجام شده است. در اینجا نیز صراحت این اشارات تورات در دوران جدید مباحث تازه‌ای را موجب شده، که هنوز بلاتکلیف است. (متوجه)

۲. مراد مولف، ماجراجی قتل عام کامل زیدگان ایرانی در ماجراجی پوریم است. (متوجه)



۳. استوانه‌ی کوروش، بابل، طول ۸۶/۲۲ سانتی متر. وزن بیتانیا، کوروش شاه ایران (۵۳۰-۵۳۹ پیش از میلاد). وقتی کوروش در ایران به قدرت رسید (۵۵۹ پیش از میلاد)، قلمروش را به شهر مهم شوش گسترد که به حمله‌ی شاه آستینگ از سرزمین ماد (شمال غربی ایران) متوجه شد. کوروش او را شکست داد و قلمروش را از شرق ایران به رو هالیس در آناتولیا گستراند. کراسوس شاه لیدیا (آناتولیای غربی) احساس خطر کرد و قوای اش را به جنگ کوروش فرستاد. جنگ، طولانی شد و هر دو سپاه در زمستان عقب نشینی کردند. سپاه ایرانی، سپاه لیدیایی را تعقیب کرد و «سردیس» پایخت آن را دو هفته پیش از سقوط اش محاصره کردند. کوروش در ۵۳۹ ق.م. به بابل حمله کرد. سپاه ایران در اوپیس، شرق رودخانه‌ی دجله، با سپاه بابل رو به رو و بر آن پیروز شد. اینکه کوروش بر پیش تر خاور میانه از مصر و آناتولیا و ایران سلطه داشت و در سرزمین اش، پاسارگاد (سرزمین فارس‌ها)، حکومت جدیدی تأسیس کرد. سپس به ایران و آسیای مرکزی متمایل شد. در آن جا ماند و در ۵۳۷ پ.ک. شد.
متن این استوانه‌ی کالی به خط میخی بابلی و شرح فتح بابل توسط کوروش در ۵۳۹ پیش از میلاد و اسارت نبوئید آخرين شاه بابل است. کوروش من گوید در این پیروزی از مردوخ خدای بابل، کمک گرفته است. سپس به شرح آسودنگی ساکنان شهر من پیازار و من گوید تصاویر خداوندان را که نتوتند جم اوری کرده بود به معبدی‌های اصلی شان در بین التهیین و غرب ایران برگردانده است. سپس به بازارسازی معابد پرداخته و ایران در اختیار شاهان بابلی را، آزاد کرده است. با این که در این استوانه، از یهودی‌ها سخن نباشد، بازگرداندن یهودیانی که توسط بخت النصر دوم، آواره شده بودند به یهودیه (قسمتی از جنوب فلسطین)، بخشی از سیاست کوروش بوده است. گفته می‌شود استوانه‌ی کوروش اولین «فرمان حقوق پسر» است ولی در واقع شاهان مدیترانه از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد چنین فرامین و بیانیه‌های اصلاح طلبانه‌ای را صادر کرده‌اند.

هرامنشی، (۴۲۴-۴۶۵ ق.م) عزرای روحانی و متخصص قانون خداوند آسمان را، برای برقراری قانون خدا در یهودا و اورشلیم بر کماشت.

«از طرف من و هفت مشاورم به اورشلیم و یهودا فرستاده‌می‌شوی تا بر اساس قوانین الهی وضع مردم آن جا را تحقیق کنم».^۱

حکم سلطنتی عزرا، در اشاعه‌ی تورات، مربوط به سیاست هخامنشیان بود. همان طور که اردشیر به عزرا فرمان داد تا قوانین

روی کوزه‌های سفالی قرن پنجم ق.م که از «رامت راحل»^۲ به دست آمده نام دو فرماندار دیگر یهودا به نام‌های یهوزر و احرای^۳ ذکر شده که می‌باشد در زمان هایی بین زررو بابل و نحمیا قدرتمند بوده باشند.

عزرا در خدمت شاهان ایرانی

بنابر کتاب عزرا^۴، احتملاً اردشیر اول

1. Ramet Rahel.

2. Jehoeler, Ahzal, Avigad 1976, 35-36.

3. عهد عتیق، عزرا، ۱۳-۱۲: ۷.

آواره‌ی پیشین و بیامبران یهودایی به مبارزه با تبعیض اقتصادی-اجتماعی و بی احترامی به روز سبّت برخاست.^۷ در ضمن توانگران و رباخواران را مجاب کرد جهت خیر عمومی از طلب‌های سنتگین خود چشم پوشی کنند.^۸

باکوای و یهودیان، مصریان و ایرانیان در الفانتین

پس از نحمیا فرماندار بعدی یهودا^۹، نام ایرانی باگوا داشت.^{۱۰} وی از طریق نامه‌ای به خط آرامی روی پاپیروس به تاریخ بیستم مارشوان سال هفدهم سلطنت داریوش دوم (۴۰۴-۴۲۲ ق.م) به یدونیا-روحانی اعظم- و همتای الفانتینی اش متولّ شد تا او را در بازسازی معبد یهوه باری کنند.^{۱۱} یهودیان الفانتین^{۱۲} می‌گویند در ۱۳ تموز ۴۱۰ ق.م وقتی آرسامُس ساتراپ، در معفیس هماره هیئتی برای ملاقات داریوش از کاخ خود خارج شده بود، روحانی مصری خدای خانوں^{۱۳} به فرماندهی نظامی پارسی الفانتین، ویدرانکا^{۱۴}، رشوه داد تا حکم تحریب معبد یهودیان را صادر کند. لشکریان «نفایان» پسر ویدرانکا هم آن را تحریب کردند. نامه‌ای که در بیستم «مارشوان» به یوحنا، روحانی اعظم اورشلیم نوشته شد، نشانه‌ی آن بود که

۲. نحمیا ۱۰:۲۲ و نحمیا ۵:۵.

4. Bagohi.

۵. ریشه اصلی این نام را نمی‌دانیم ولی پلیتی معتقد است این کلمه، اسم نیست بلکه اصطلاحی به معنی خواجه رحمسرا است.

6. Porten 1968, 284-295. Cowley 1923#31
Pritchard 1969, 492.

7. Cowley 1923#30. 8. Khnum.

9. Virdanga.

خدای آسمان (تورات) را میان سرسپردکان خداوند در سراسر غرب فرات اشاعه دهد، داریوش اول در ۵۱۸ ق.م آریاندس، فرمان روای مصر را مأمور کرد تا خبرگان را جمع‌آوری و قوانین مصری را تدوین کنند. قوانین مصری با دو خط آرامی رایج آن زمان بر کاغذ پاپیروس نوشته و در سال ۴۹۵ ق.م منتشر شد.^{۱۵} اصطلاح «قانون شاه» در کنار اصطلاح «قانون الهی»، در عزرا^{۱۶} حاکی از آن است که داریوش قانون ایرانی جدیدی برای سراسر امپراطوری و مردمی که بر آن‌ها حکومت داشت، صادر کرده بود.

نحمیا در شوش و اورشلیم

نحمیا ساقی دربار اردشیر (احتمالاً اردشیر اول)^{۱۷} مقرب ترین کارمند دربار هخامنشیان بود. خدمت او^{۱۸} از ۴۴۵ تا اوخر ۴۲۳ ق.م طول کشید.^{۱۹} لقب دیگر وی (تیرستا) برگرفته از کلمه‌ی فارسی ترسا به معنی «کسی که می‌ترسد» است.^{۲۰} وی کسی بود که می‌توانست اسباب شرف یا پی افزار به بارگاه شاه را فراهم کنند. آن‌پاًن جا که نیمی از شاهان هخامنشی به قتل رسیده بودند^{۲۱}، زندگی شاه به وی بستگی داشت. وی با آداب سلطنتی آشنا و کاملاً متشخص بود. شراب روزانه‌ی شاه را انتخاب می‌کرد و هر روز پیش مرگ شاه شده، از شراب وی می‌نوشید تا مطمئن شود زهرکشندۀ‌ای در آن نیست.^{۲۲} همچون یهودیان

1. Porten 1968, 22.

۲. عهد عتیق، عزرا، ۷:۲۶ و نیز عزرا، ۸:۲۶. ۲. نحمیا، ۱:۲.

۳. برخلاف Weinberg 1992, 127-138.

۴. نحمیا، ۶:۱۲ و ۱:۱۰. ۴. نحمیا، ۶:۶۹.

۵. نحمیا، ۷:۸۵ و ۷:۸۶. ۵. نحمیا، ۷:۹ و ۲:۱۰. ۵. نحمیا، ۷:۶۳.

۶. این مطلب استناد تاریخی ندارد. (مترجم)

7. 8. Yamauchi 1990, 258-260.



۴. مقبره کوروش، پاسارگاد، عکس از هنری استیرلین.

خامنشیان شناخته می‌شوند. برخی یهودیان هم از نام‌های اصیل آشوری-بابلی مثل مردوخ و استر استفاده می‌کردند که برگرفته از اسمی خدایان آشوری - بابلی عشق، جنگ و سیاره و نیوس مانند ایشتار، و نام سنبلط که مخفف نام آشوری - بابلی سین - او باليط و به معنی «حیات یافته از خدای ما» است. برخی مومنان یهودی نیز نام‌های ایرانی داشتند که رایج ترین آن‌ها، باکوا بود.^۱

عصر راوداری دینی و قومی و زمینه‌ی جهانی شدن آئین یهودیان توسط کوروش، ناجی موعود بابل، پس از آن آغاز شد که پیامبران یهودیان تبعیدی پیام آزادی بخش کوروش را اعلام کردند. خداوند درباره‌ی قوم‌های غیر یهود که به قوم او ملحق و

نامه‌ی پیشین بی‌جواب مانده بود. یدونیا به باکوا خبر داد که درخواست مشابهی به دلانیا و شلمیا پسران سنبلط فرمانروای سامرہ فرستاده است.

در میان پاپیروس‌های الفانتین یادداشتی دیده می‌شود مبنی بر این که باکوا و دلانیا^۲ به آرسامس یادآوری کردند اند معبد را مثلاً روز اول پسازد و بساط قربانی و عود را دوباره برپا کند.

شكل کیری یهودیت در ایران باستان

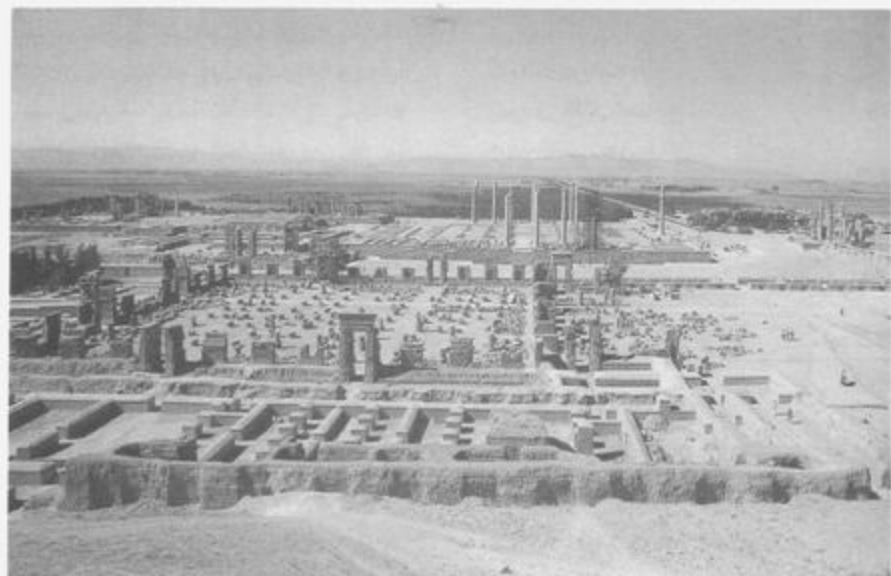
از آن جا که یهودیان میل شدیدی به انتخاب نام‌های اصیل و دینی خود، مثل دلانیا و شلمیا، فرزندان سنبلط اول، دارند که حاوی اشاره‌ای به نام خدا است، در سراسر قلمرو

1. Delaiah.

2. Pritchard 1969, 492 Cowley 1923#32.

۱. اسمی دیگری در عزرا ۱۳:۲، ۱۴:۲ و نحمیا ۷:۷

و ۱۹:۱۷.



۵. پرسپولیس، عکس از هنری استبرلین.

دین یهود گرویده بودند، «گوییم» به معنی نوکیش نامیده شدند.
در پایپروس‌های به زبان آرامی هخامنشی، در مصر، کتبیه نیبور در جنوب عراق، کنجینه‌ی «بانک ماراشو و پسران»^۱ در بابل و کتبیه‌ی آرامی مقبره‌ای در آوان^۲ مصر، گواه آن است که افراد زیادی به دلیل اهمیت سبت نام سباتاتی داشته‌اند^۳. پورتن نشان می‌دهد که تمام کسانی که نام شان سباتاتی است، حتماً نمی‌باشد یهودی باشند^۴. شاید سبت و هفت روز هفته ابتکار میراث کهن اسراییل باشد^۵. در ضمن، از آن جا که سبت برای اولین بار در تاریخ، رفاه روز تعطیل را، که

1. Marashu & Sons Banking Hous.

2. Awan.

3. اشعیا ۵۶:۶، Coogan 1976, 123-124; Porten 1968, 124-127.

4. Porten 1968, 127.

5. Gruber 1969, 19-20.

خدمت گزار او می‌شوند، چنین می‌گوید:

«اگر حرمت روزنیست رانگاه دارند و به من وفادار بمانند ایشان رانیز به کوه مقدس خود خواهم آورد و در خانه‌ی عبادتم ایشان را شاد خواهم ساخت و قربانی و هدایای ایشان را قبول خواهم کرد. خانه‌ی من «خانه‌ی عبادت تمام قوم‌ها» نامیده خواهد شد»^۶.

نتایج دعوت این پیامبر از گوییم‌های غیر یهودی، برای پیوستن به یهودیان، حرمت کذاری به سبت و روزه‌داری و بیعت با خدا در نوشته‌های توراتی عصر هخامنشی و یافته‌های مکتوب باستان شناسی ذکر شده است. کتاب استر که در روش و زبان ایرانی ترین بخش تورات است، تصدیق می‌کند که هرجا جمعیت یهودی حضور دارد «گروهی به دین یهود می‌پیوندد»^۷. بعدها آن‌ها که به

۶. عهد عتیق، اشعیا، ۵۶:۶-۷.

۷. استر ۹:۲۷.

در میان نبوده است. لازم به ذکر است همان کونه که دریافت‌های اخیر پویا شناسی قوانین یهودی گفته شده، مهم‌ترین قانون دوره‌ی هخامنشی، حق طلاق زنان بوده است.

چالش‌های مورخان متاخر

کویا آخرین حاکم یهود در دوره‌ی هخامنشی، حزقيا بود که فقط از طریق سکه‌های قرن چهارم ق.م. که بر یک روی آن نقش جذد و روی دیگر، امضای «حزقيای حاکم» را دارد، شناخته می‌شود.¹ بنا بر نظر آویگاد زمان حکومت وی حدود ۲۳۰ ق.م. همزمان با سنبیط سوم فرماتروای سامره در زمان داریوش سوم² و اسکندر کبیر³ بوده است. چهار چهره‌ی مهم کتاب‌های تورات، یعنی عزرا، استر، مردخای و نحمیا مربوط به دوران حیات یهودیان ایرانی در حکومت هخامنشیان اند.⁴ به جز تعداد محدودی آثار به جا مانده از یهودا و داستان‌های تورات درباره‌ی عزرا، استر و نحمیا، بقیه دانسته‌های ما از یهودیان ایرانی و اوضاع یهودیت از پاپیروس‌های الفانتین به دست آمده‌اند. بنابراین مدارک، ظاهراً سربازان یهودی دربار هخامنشی به

پیش‌تر خاص اشراف بود، برای همه، حتی اسیران تعیین داد، غیر یهودی‌ها هم به آن متمایل شدند.

پاپیروس‌های الفانتینی و حقوق زنان

مدارک آرامی فراوانی که روی چرم، پاپیروس و سفال از الفانتین به دست آمده، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی درباره‌ی یهودیت در امپراطوری هخامنشی به شمار می‌روند.⁵ نخستین آن‌ها از نظر زمانی مربوط به سال ۴۹۵ ق.م. و آخرین آن‌ها متعلق به سال ۳۹۹ ق.م. است. تعداد کمی از آن‌ها درباره‌ی معبد یهودیان و مراسم عید فصل و بیش‌تر آن‌ها اسنادی درباره‌ی ازدواج، طلاق و ارث‌اند. مشهورترین پاپیروس الفانتینی درباره‌ی حقوق زوج و زوجه و قراردادهای ازدواج و از جمله حق طلاق است. این تبصره که به زن هم حق طلاق می‌دهد، در مقابل «هالاخا»⁶ که حق طلاق را فقط به مرد می‌دهد، مورد توجه جوادیسم مدرن قرار گرفته است. دانشمندان متفق القول اند که اعطای حق طلاق به زنان یهودی الفانتین، در آسیای غربی باستان، ریشه در قوانین عهد عتیق عبری داشته است.⁷ هدف چنین اقدامی ایجاد روال غیر مرد سالارانه در ازدواج چه در دوره‌ی باستان و چه در دوران معاصر و بازنگری به تورات اصلی برای همگون سازی بود. خلاف پیش فرض‌های غربی مدرن، هرگز فقط تبعیض جنسی یا برابری جنسی

1. Rahmani 1971, 158-160.

2. بنابراده‌های اثبات شده‌ی بسیار جدید، در بخش اول کتاب ساسانیان در مجموعه‌ی «تأملی در بنیان تاریخ ایران»، نه فقط در زمان حضور اسکندر در تخت جشید کسی به نام داریوش سوم حضور تاریخی ندارد، بل زمان‌شناسی درست سلطنت حاکمین هخامنشی نیز، تطبیقی با پذیرش‌های گذشتی ندارد. (متترجم)

۲۲۶-۲۲۳ ق.م.

3. Avigad 1976, 35.

4. معلوم نیست چرا مولف مختصر نام برگسته‌ترین چهاری تورات، در زمان سلطنت هخامنشیان، یعنی دایمال را از قلم انداخته است، که قبر او را درست در مرکز شوش باستان یافته‌ایم. (متترجم)

5. شرق‌شناسی زیر نفوذ یهود، هیچ علاقه‌ای به انتشار متن این چرم و پاپیروس و سفال نوشته‌ها برای عموم و به ویژه برای شرق‌شناسان مستقل نشان نمی‌دهند. (متترجم)

6. Halakhah.

7. Gruber 1999, 161-164.

ما را در شناخت تاریخ یهودیانی که کوروش آن‌ها را از بردگی بابلی‌ها رهانید و اقداماتی که برخی از آن‌ها مانند استر برای باقی ماندن در ایران و ساختن زندگی خود به جای بازسازی اورشلیم انجام دادند، یاری می‌کند.^۱

اینک نوادگان آن یهودیان شامل:

۱. یهودیان اسراییلی که از ایران آمده‌اند از جمله ریس جمهور ایرانی تبار اسراییل، «موشه کاتساو».

۲. جمعیت یهودی نیویورک و کالیفرنیا و سراسر دنیا.

۳. جمعیت قدرتمند و متسلک یهودیانی است که پس از انقلاب اسلامی هم در ایران باقی مانده‌اند. بسیاری از این یهودیان ایرانی، سایر ایرانیان مسلمان را به کیش یهودیت در اوردهند، درست همان طور که براساس تورات، یهودیانی مثل عزراei روحانی در دوره‌ی خشایارشا، حدود ۲۵۰ سال قبل در اورشلیم عمل کرد.

۱. به کمان من داده‌های این فصل از کتاب حاضر، هر چند اندک، اما حاوی اشارات دقیق‌تری نسبت به کتاب‌های تاریخ موجود است. مردم ایران به ویژه محتاج شناخت بیش‌تر درباره‌ی آن اقداماتی هستند که یهودیان برای استقرار کامل در ایران انجام داده‌اند. تورات این اقدام را به صورت واقعه‌ی بوریم توضیح می‌دهد، که منجر به تأییدی زندگی و تمدن اقوام بومی ایران شد. (متترجم).



۴. ریتون دوران هخامنشی. در همدان یافت شده است.

کناره‌ی روی نیل برده شدند. باید در نظر داشت که تا اواسط قرن نوزدهم، ایرانیان - چه یهودی، مسلمان، زرتشتی و غیره - اطلاعات کمی از دوران هخامنشی داشتند که اسنادشان به خط میخی پارسی باستان، ایلامی و اکدی نوشته شده بود و هنوز در دست ترجمه‌اند. در واقع پس از دو هزار و پانصد سال هنوز بر پله‌ی اول شناخت آغاز دوره‌ی هخامنشی و یهودیان آن دوره هستیم. بی‌شک یافته‌های باستان شناسی

فصل دوم

دانیال نبی^۱

آمنون نتنز، برویز ورجاوند

بابل نبوده است. بخش دوم که نسخه‌ی
نهایی آن ظاهرًا در سال‌های ۱۶۴-۱۶۷ پیش
از میلاد و بلا فاصله بعد از مرگ آنتیوخوس
ششم سلوکی در سال ۱۶۴ ق.م تدوین
مجدد شده، شامل فصل هفتم تا دوازدهم
است و داستان مکافته و وحی بر دانیال را
بیان می‌کند. از این رو گفته می‌شود این کتاب،
بیش از یک نویسنده دارد و تنها در بخش
رستاخیز صراحتاً در تورات مشترک است.^۲
چهار داستان دیگر درباره‌ی دانیال که در
«آپوکریفا»، هم ذکر شده و عبارت اند از داستان
سوژانا، دعای یاران دانیال و دو داستان بیل
به کتاب هفتادگانه تورات اضافه شده‌اند.
تفسیرهای مختلف از کتاب‌های اصیل و
کاذب درباره‌ی دانیال به زبان‌های انگلیسی،
قبطی، یونانی و اسلامی نوشته شده‌اند.
در قرآن از دانیال سخنی گفته نشده، اما
مسلمانان بنا بر سنت خود از وی به عنوان نبی
با احترام یاد می‌کنند. معاد شناسی و پیش
گویی‌هایی که در کتاب دانیال^۳ ذکر شده، در
آیین یهودی به بازگشت مسیح تعبیر می‌شود.^۴
بنابر «اردشیر نامه»^۵ شاهین شیرازی شاعر
فارسی - یهودی قرن چهاردهم میلادی،
دانیال از مهم ترین کارمندان دربار اردشیر/
بهمن بوده که همراه استر و مردخای از
فاجعه‌ی یهودیان در قلمرو ایران جلوگیری
کرده است.^۶ بنا بر «جرا حمیل»^۷ دانیال در
شوشان (شوش) متولد شده است و ژرف
فلاآویوس وی را به اکباتان در سرزمین ماد
۱. عهد عتیق، دانیال، ۱۲۲-۳. ۲. نسخه‌ای از تورات
که می‌گویند در عهد اسکندر و به سبک هفتاد مترجم به زبان
یونانی برگردانه شده است. دو ترجمه‌ی فارسی از این
نسخه در بازار کتاب موجود است. ۳. عهد عتیق، دانیال.
۱۲:۱۲. ۴. بیرونی، ۱۹۸۳: ۱۵-۱۷.

۵. اینستیتو اورشلیم Ben Zvi fols. 39b-42b.

6. Jrahmeel, Chronicle 1971, 223-244.

كتاب بيست و دوم تورات^۸، به نام دانیال نبی
نام گذاري شده است. اين كتاب شامل دوازده
بخش نيمه عبري و نيمه آرامي است. ظهور
دانیال احتمالاً در سال‌های ۵۴۵ تا ۵۲۵ پیش
از ميلاد، پيش بيني شده، اما نسخه‌ی نهاي
كتاب او پس از اين تاريخ بازنگري و تدوين
شده است. كتاب به دو بخش اصلی تقسيم
مي شود. بخش اول، از فصل نخست تا فصل
ششم که در سال‌های ۳۰۵-۳۰۴ پیش از
ميلاد، بازنگري و تدوين شده، شامل سرگذشت
دانیال و سه تن از یاران اش: حنانیاه،
میشانیل و عزربیا^۹ و برخورد آن‌ها با شاهان
بابلي مثل بخت النصر (دوران سلطنت ۶۰۵-۵۶۲ ق.م.)
و بلشصر (فوت در ۵۳۹ ق.م.) و
داريوش مادي^{۱۰} است. صحت تاريخي برخى
روايات اين كتاب مورد تردید است. مثلاً در
نقل انتقادی تاريخ آن دوره، «داريوش مادي»
ذكر نشده و بلشصر پسر نبونئيد هرگز شاه
۱. مقاله‌ی دانیال نبی در دائرة المعارف ايرانيكا، جلد ششم
۱۹۹۲، صص ۶۶۱-۶۵۷. ۲. در تورات‌های فارسي
كتونی، دانیال كتاب بيست و هفتم تورات است. (مترجم)
3. Hananiah, Mishael, and Azaviah.

۴. نگاه كنيد به طبری، جلد اول، ۷۱۷ و ۶۶۵-۶۶۸ و
۶۵۲-۶۵۴ و ۶۴۷.

نویسنده‌ی قرن چهاردهم میلادی شوش را شهر پر رونقی که قبر دانیال نبی در غرب آن قرار دارد معرفی می‌کند، و می‌گوید به احترام این پیامبر هیچ یک از ماهی‌های این رودخانه مورد تعدی واقع نمی‌شوند. بنا بر باور عام مسلمانان، موسی اشعری به دستور عمر بن خطاب، خلیفه‌ی دوم (خلافت ۶۴۳-۶۲۴ م) جسد دانیال را در بستر رود دفن کرد.^۱ بنابر منابع یهودی، دانیال در سرزمین مقدس اسرائیل از دنیا رفت.^۲ قبرهای متعددی در اسرائیل و عراق منسوب به دانیال است.^۳ بنابر قولی سه یار همراه دانیال هم، در مسجد انبیا در قزوین دفن اند.

مقبره‌ی دانیال

کفته می‌شود قبر با گنبد مخروطی که در ساحل شاخه‌ای از رودخانه‌ی کرخه در شوش قرار دارد. به دانیال نبی متعلق است.^۴ در سال ۱۸۶۹ بنای اصلی مقبره، که احتمالاً در قرن ۱۲ میلادی ساخته شده بود، در اثر جریان سیل ناید و ساختمان کوئنی در جای آن ساخته شد.^۵ بخش‌های دیگر در جریان بازسازی هسته‌ی مرکزی بنا اضافه و تمام بناتجدید آرایش شده است. بنابر توضیحات سروپیلام اورژی، که در سال ۱۸۱۶ به دیدار مقبره رفت، مقبره دارای یک گنبد مخروطی مقرنس بوده است.^۶ سرمارک اوزل اشتاین، که در قرن بیست به دیدار مقبره رفت، آن جا

۱. مجله ۴۲۶، یاقوت، بلدان ۳، ۱۸۹.

۲. میدراش رابا، تفسیر غزل غزل های سلیمان ۵: ۵؛ تلمود بابلی، ۹۳b... Dieulafoy 1887, ۵۶۰-۶۳۲. Layard 1894, ۱۷۵, ۳۵۲-۳۵۴.

۳. ۲۲۷-۲۲۸

۴. Vilna'i 1974, 1737. ۵. Minorsky 1970, 131. ۶. Herzfeld 1942, 36. Ouseley 1819.

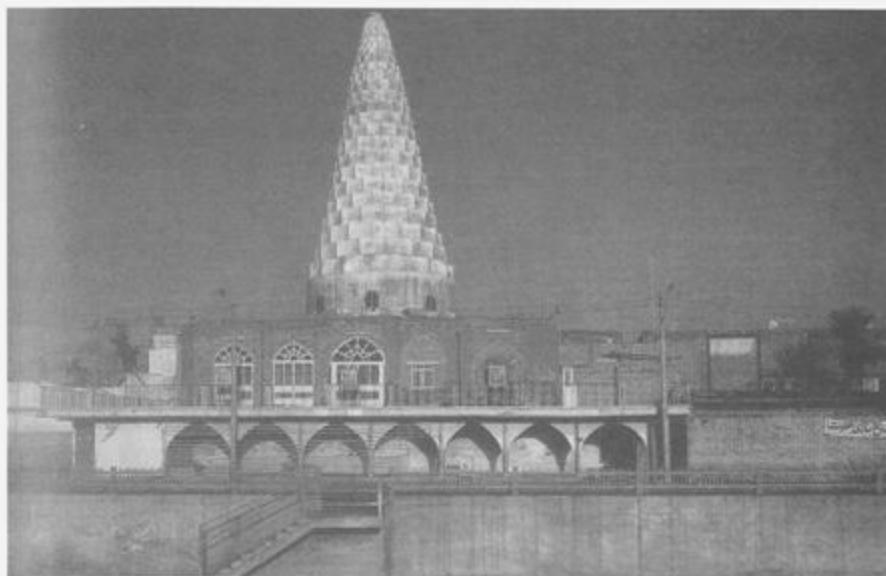
منسوب می‌کند.^۷ در باور مسلمانان و یهودیان ایرانی، دانیال بین شوشتار و درزقول نزدیک رود شاپور از شعب کارون، که به نظر می‌رسد همان رود اولای تورات باشد، دفن شده است.^۸ بنیامین تودلاوی که حدود سال ۱۱۶۷ م. از شوش دیدن کرده، می‌گوید:

در منطقه یهودی نشین این شهر (شوش) ۷۰۰۰ خانواده یهودی زنده‌کی می‌کنند و چهارده کنیسه دارند. رودخانه «اولای» از وسط شهر می‌گذرد و آن را به دو قسمت می‌کند که به وسیله‌ی یک پل به هم راه دارند. در یک طرف رودخانه قبر دانیال نبی قرار دارد و نیز چند بازار که باعث شده، زنده‌کی مردم آن جا بدرودن تر و به تر از وضع زنده‌کی مردم آن سوی رودخانه باشد و تا حدی رفت و آمد آن هاقطع است. این مردم حضرت زده دلیل واقعی فقر و بدختی خود را نمی‌دانند و بیش تر فکر می‌کنند، اما چون قبر پیامبر در قسمت آن ها نیست، فقیر هانده‌اند. به همین دلیل از مردم قسمت دیگر خواستند که تابوت دانیال را به آن ها بدهند، اما چون قبول نکردند، جنگی خونین و طولانی بین دو طرف درگرفت تا سرانجام از این جنگ، که در نتیجه‌ی آن تجارت نیز از رونق افتاده بود، به سنته آمدند و به توافق رسیدند که تابوت هر سال در یک قسمت باشد. این کار انجام گرفت و هر دو قسمت شهر از ثروت بهره ممند شدند. مراسم جایه‌جایی تابوت در هر نوبت با چشم باشکوهی توانم بود که یهودیان و مسلمانان آن ها همراهی می‌کردند.^۹

بنیامین ادامه می‌دهد که سلطان سنجر سلجوqi (سلطنت ۱۱۵۷-۱۱۱۸ م) تابوت چوبی دانیال را در یک محفظه شیشه‌ای قرار داد و آن را با رنگیری آهنه در میانه رودخانه معلق و ماهی‌گیری به شعاع یک مایل اطراف تابوت را ممنوع کرد. حمد الله مستوفی^{۱۰}،

1. Antiquitates 10, 11, 7.

۲. عهد عتیق، دانیال ۲، ۸: ۷. ۳. این متن عیناً از ترجمه‌ی فارسی کتاب «سفرنامه‌ی رابی بنیامین تودلاوی» صفحه ۱۱۸ برداشته شده است. ۴. نزهت القلوب، ۱۰۹.



۸. مقبره‌ی دانیال، شوش.

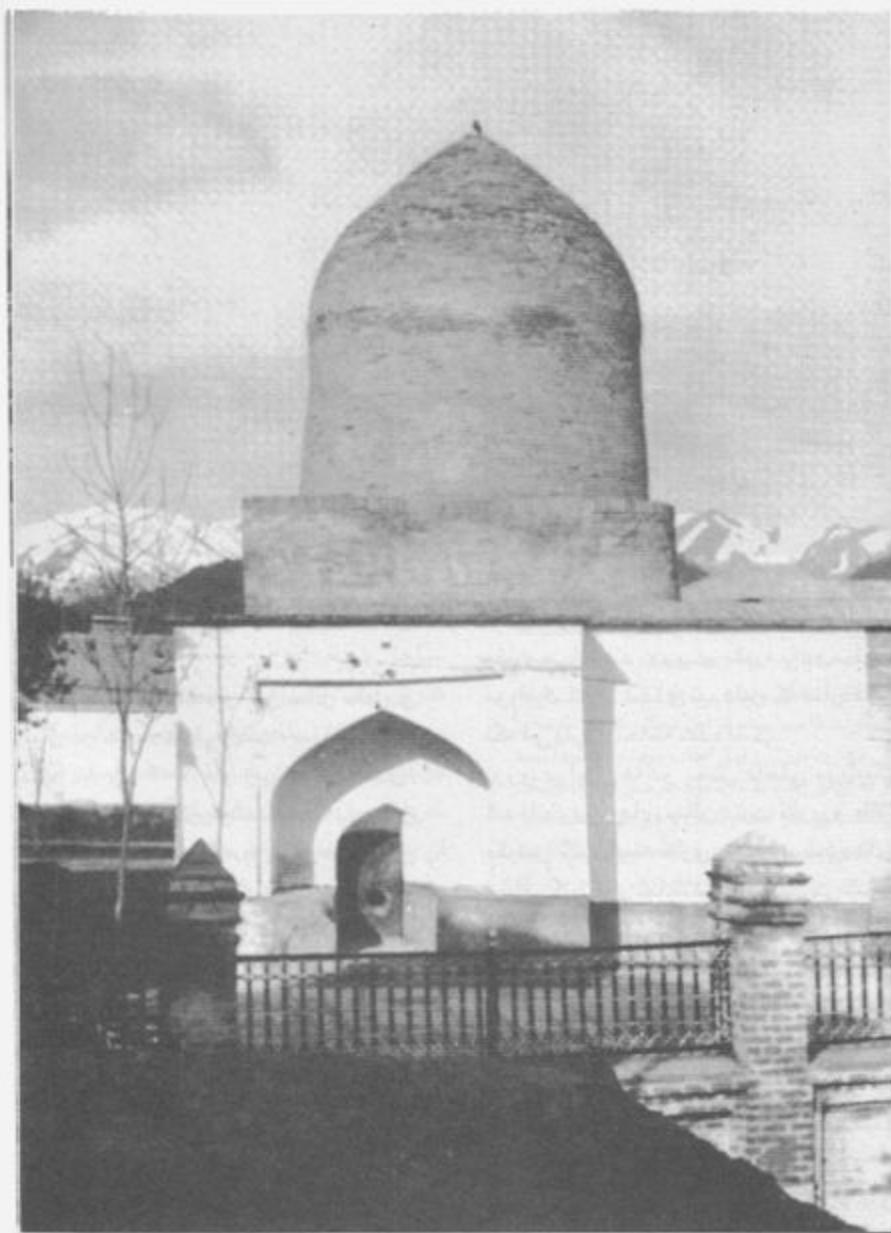
مقعرند و با ایجاد سایه روشن، بر زیبایی مقبره می‌افزایند. ورودی مقبره با دو ستون موزاییک کاری شده‌ی نیم دایره که مناره‌ها را نگه می‌دارند، احاطه شده است.

ورودی ایوان‌ها در بخش داخلی موزاییک شده‌اند. دیوارهای سالن منبت کاری و طاق مقرنس گنبد آبینه کاری دارند و پنجره‌های اطراف گنبد نور ساختمان را تأمین می‌کنند. در مقایسه، هیچ یک از مقابر اسلامی منطقه مانند، شیر مرد در ممسنی، میر محمد در خارک و امام رازه جعفر در بروجرد و امام رازه عبدالله در شوشتر، در دخمه‌ی زیر ساختمان گنبد دار قرار ندارند.^۱

۱. به کمان از راه دسته بندی سبک رواق و صحن و گنبد و محل قبر، می‌توان بخشی از مقابر موجود در سراسر ایران را به مرگزیدگان پیوود نسبت داد، جنان که شباهت بیش از حد رواق و صحن و گنبد قبر ابولعلو در کاشان با مقبره دانیال در شوش حیرت انگیز است. این یک تحقیق کارشناسانه و آکادمیک و دانشگاهی است که می‌باید با موصله و دقت و با دخالت افراد شایسته انجام شود. (متوجه)

را «یک محل زیارتی برای لرها و فاقد بقایای باستانی» یافت.

ورودی بازسازی شده و آجر نمای مقبره‌ی دانیال در سمت شرقی است. سرداده‌ای به اندازه $۷\times۲\times۱/۸۰$ متر زیر سالن گنبدی، دارای قبری بدون کورنوشت است. دو سالن شمالی و جنوبی سرداده به پلکان‌های مزین به فانوس، منتهی می‌شوند. سالن جنوبی به رودخانه مشرف است. اتاق گنبدی به اندازه‌ی هفت متر مربع، ایوان‌هایی در شمال، شرق و جنوب دارد. ایوان‌های شمالی و سالن‌های جنوبی، نمازخانه و ایوان شرقی، به عنوان کفش کن استفاده می‌شود. این گنبد شبیه دیگر آرامگاه‌های خوزستان به شکل چند ضلعی (در این مورد، هشت ضلعی) یا مخروطی ستاره‌ای شکل اند. تمام بیست و پنج وجه منشورها، وجهه کوچک‌تر را احاطه کرده‌اند. نمای خارجی گنبد، سفید و وجوده پهلویی کمی



۹. مقبره‌ی استر، همدان.

فصل سوم آرامگاه استرا الیاس یاسی کابای

عموی اش مردخای تعلق دارد. یهودیان بی آن که منتظر باشند سند تاریخی یا باستان شناسانه‌ای صحت تعلق آرامگاه همدان به استر و مردخای را تأیید کند، قرن‌هاست که در عید پوریم به زیارت این قبرها می‌روند. بنا بر تورات، داستان استر، اگر آن را تخلیلی و سمبولیک ندانیم، باید که در شوش اتفاق افتاده باشد. برخی مورخان هم به همین مطلب استناد می‌کنند و معتقدند آرامگاه همدان به استر تعلق ندارد. عده‌ای دیگر معتقدند استر و مردخای پس از مرگ خشایارشا از ترس دشمنان به اکباتان کریخته‌اند.^۱

طی حکومت خشایارشا، پایتخت اداری هخامنشیان در شهر شوش، پایتخت تشریفاتی در پرسپولیس و استراحتگاه تابستانی دربار، در شهر اکباتان بود. یهودیان در هر سه پایتخت به خصوص در شوش زندگی می‌کردند. بنیامین تودولاوی سیاح اسپانیایی در سفرهای اکتشافی خود در حدود ۱۱۶۶ م جمعیت یهودیان شوش را حدود هفت هزار و تعداد کنیسه‌ها را چهارده عدد ثبت کرده است.^۲

مقبره

بنای اصلی مقبره‌ی استر احتمالاً در قرن هفدهم ساخته شده، این بنا چون سایر بنایان سنتی امام زاده‌ها از یک سالن ورودی

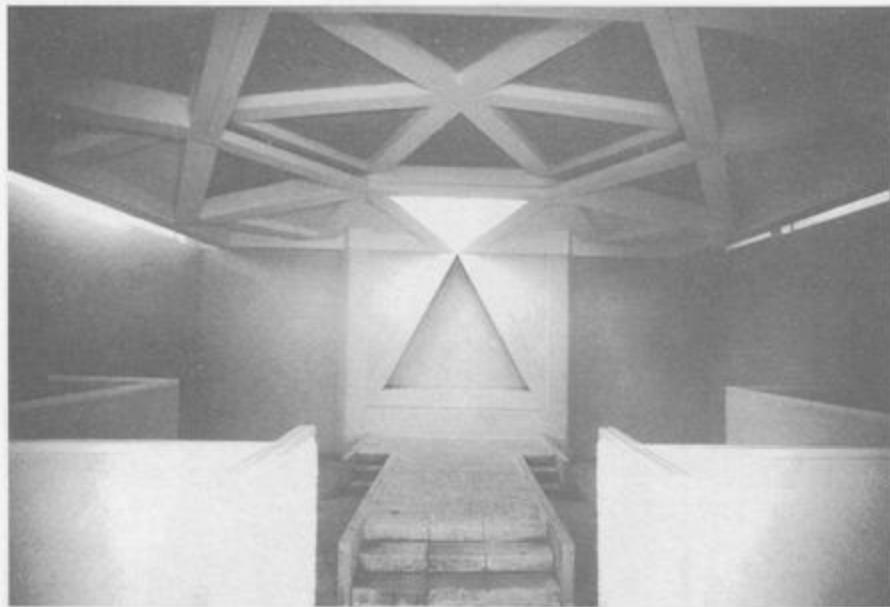
۱. بنابر صریح تورات مردم سراسر ایران، در عهد هخامنشیان در زمرة‌ی دشمنان یهود بوده‌اند، تا آن جا که باز هم بنابر صریح تورات در توطنه از پیش طراحی شده و سراسری پوریم، هفتاد و هفت هزار از دشمنان یهود نسل کشی شده‌اند. (متترجم)

۲. سفرنامه‌ی رابی بنیامین تودولاوی، ص ۱۱۸.

«به این ترتیب، در ماه دهم که ماه «طبیت» باشد، در سال هفتم سلطنت خشایارشا، استر را به کاخ سلطنتی بردنده. پادشاه، استر را بیش از دیگر زنان دوست داشت و بیش از دختران دیگر مورد توجه و علاقه‌ی شاه قرار گرفت. به طوری که پادشاه تاج پر سر او گذارد و او را به جای وشی، ملکه ساخت». ^۳

کتاب عاطفی و قهرمانانه‌ی استر، ستوده‌ترین کتاب عهد عتیق و شامل مدارکی دال بر روابط یهودیان و شاهان ایرانی است. تمام یهودیان جهان، داستان استر و جشن پوریم را که برای بیروزی وی برپا شد، خوانده و شنیده‌اند^۴ ولی عده‌ی کمی از ارتباط خاص آن با منطقه‌ی غرب ایران آگاه‌اند.

با این که داستان زندگی استر بسیار پرشکوه و تumیلی است، فقط مقبره‌ی آجر نما و بسیار ساده‌ای در شهر همدان (اکباتان) به او و ۱. کلیه عکس‌های این فصل هم، از آثاری الیاس یاسی کابای است. ۲. کتاب استر ۱۶-۱۷: ۲، اگر اخبار مربوط به اسرای یهود در بابل را که در تورات آنده مذکوریم، نمی‌توان استر را ملکه خشایارشا لکن، زیرا به زمان خشایارشا عمر استر از ۱۰۰ سال نیز در می‌گذشته است. طبعی تر این است که استر را ملکه‌ی داریوش بگیریم. (متترجم) ۳. پوریم جشنی است که یهودیان به مناسبت قتل عام دشمنان شان در سراسر ایران، به زمان قدرت استر در دریار هخامنشیان برپا می‌کنند. (متترجم)



۱۷. طراحی به وسیلهٔ کج و آجر در داخل مقبره، با نمایی از ستاره.

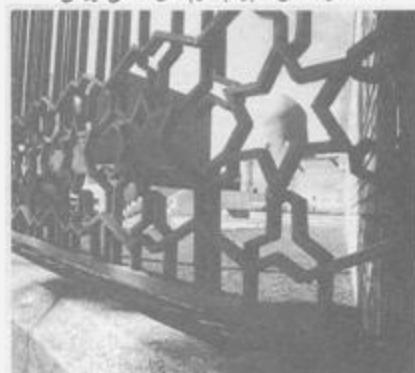
سر پوشیده‌ای تدارک دیدم و در مرکز آرامگاه،
بل به‌ای پهنه ساختم که پس از عبور از صحن
حیاط به مقبره‌ی نوساخته منتهی می‌شد.
طی جریان بازسازی، ترجیح دادم به جای
تقلید از طرح قدیمی، اندکی تغییر در بنا به
وجود آورم. می‌خواستم طرح نهایی، تفاوت

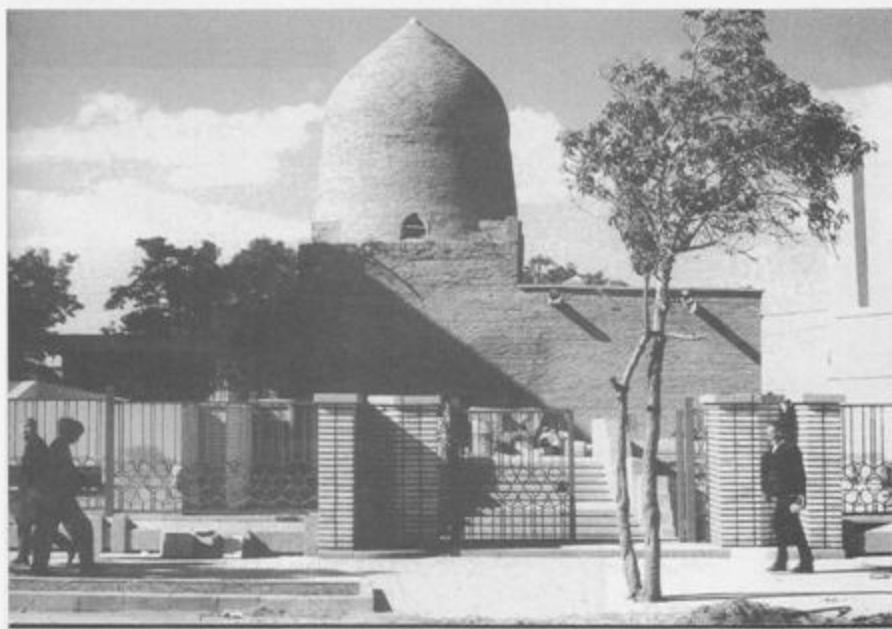
در اعیاد مذهبی ساخته شد. بنا بر سنت
تاریخی آرامگاه، محلی برای روشن کردن
شمع‌های نذری در نظر گرفتم به طوری که
وقتی درب‌های کنیسه باز می‌شد، شمع‌ها
مستقیماً به سوی هیکل چیده می‌شدند.
از بخش جلویی آرامگاه تا خیابان اصلی، گذر

۱۸. بلکانی از سطح پایین تر صحن به سمت مقبره.



۳۸





۲۱. ایجاد چشم انداز مناسب برای مقبره، از سمت خیابان، یکی از موفقیت های نوسازی بنا بود.

۲۲. سقف مقبره با استفاده از مصالح جدید به گونه ای ستاره ای داود طراحی شده بود.

۲۲. یکی از مقصد های پروره، ایجاد تضاد در طراحی و هماهنگی در کاربرد مصالح بود.





۲۲. ناتان علی یشیوا، خانی دورشان و آشر شکسته بند (زادمهر)، شیروان، ۱۹۶۸ م. آرشيوب شخصی لورنس لویث.

حقوق خاخامی را به طور مداوم تنظیم و بیاده کنند. در این برده‌ی تاریخ، یهودیان بیش از همیشه، با این که دور از فرات بودند، در مکتب‌های «سورا» و «پُمبدیتا»^۱ تحصیل کردند. فرمول‌های مباحثه‌ای یهودیان آن دوره، با گذشت زمان همچنان تازگی دارند.

1. Pumbedita.

۲۲. سنگ قبر رابی حیتم روتانی (پاک‌نیا). عالم بابلی، اصفهان، ۱۳۰۹ / ۱۹۳۰، عکس از عمار شاذربی



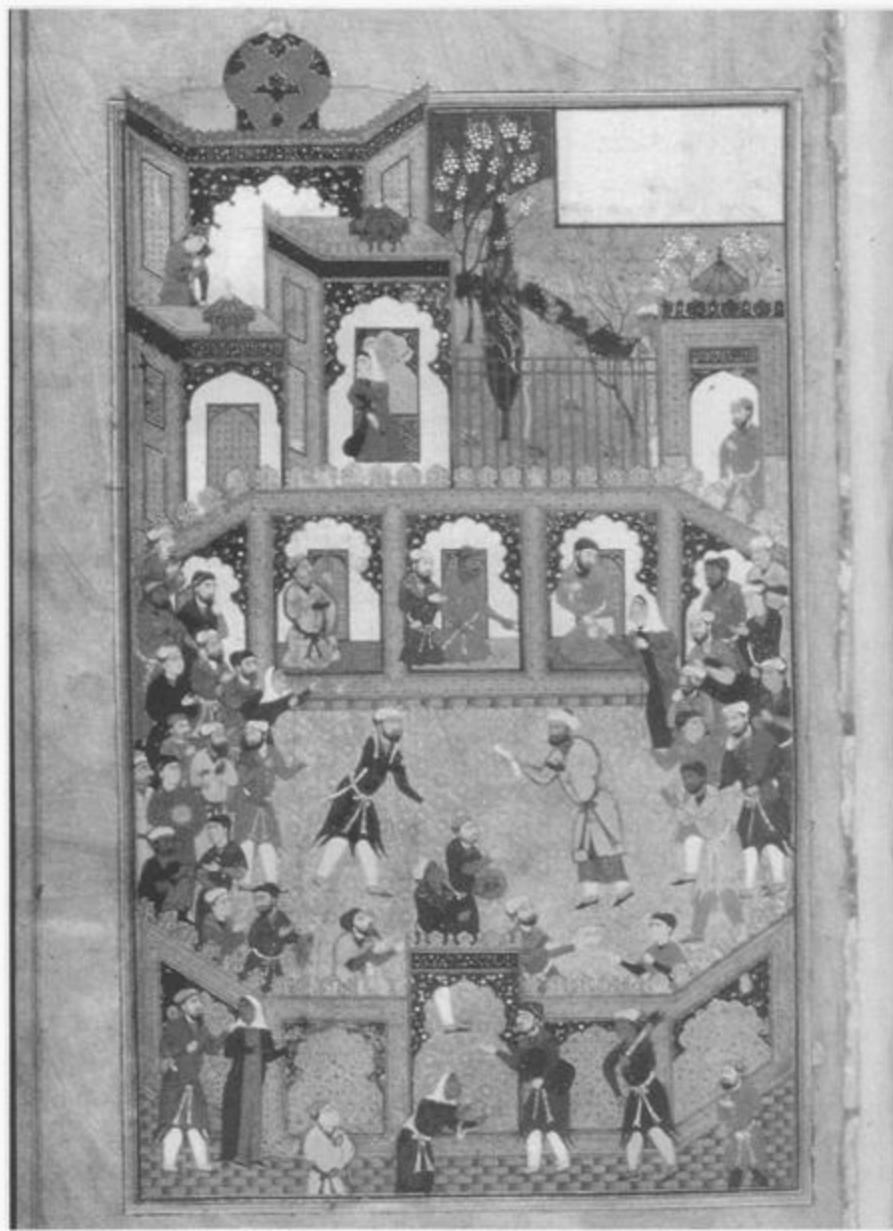
۵۵

گونه نقل شده‌اند. دانشمندان یهودی گم‌نام قرن پنجم و ششم بار دیگر به بازاری شده‌ی تلمود پرداخته‌اند. به علاوه، تلمود بابلی شامل مجموعه‌ای غنی از افسانه‌ها، سنت‌های محلی و داستان‌های فراوان است. این مجموعه همان است که دانشمندان قرون وسطی، «دراهات‌تلمود»^۲ می‌نامند. طی سلسله روابطی، برای بیانات یک محقق و دانشمند خاص یا برای حفظ سنت‌ها، کلمات خاصی به کار برده می‌شد تا موضوعات مختلفی بیان شود. بدین ترتیب تلمود بابلی، فراتر از تحلیل‌های قانونمند «میشنا» است. این کتاب علاوه بر موضوعات قانونی، منبع اصلی و مهم‌ترین تاریخ دینی و اجتماعی جامعه‌ی یهود، پس از تورات، محسوب می‌شود.

این نکته در تاریخ یهود جالب است که جمعی از دانشمندان یهودی توانستند طی چند قرن حکومت ساسانی، چهارچوب و برنامه‌ی علم

1. Apodictic.

۲. راه تلمود، Derech ha - Telmud.



۲۴. مباحثه‌ی یهودیان و مسلمانان، برگرفته از گلستان سعدی، کتاب خانه‌ی بربیتانیا، 115a، OR5302، ظاهراً این مینیاتور مربوط به داستان «جدال سعدی با مدعی» در گلستان است، که با حذف شعر و عنوان از تابلوی اصلی در کادر سمت راست بالای عکس، آن را به «مباحثه‌ی بین یهودیان و مسلمانان» مربوط کرده‌اند!!! (مترجم)

فصل ششم تأثیر متقابل اسلام و یهودیت

نکین یاوری

با گذشت زمان، از تعداد یهودیان ایران، کاسته شد و در اوایل قرن نوزدهم، جهان گرد یهودی دیگری به نام رابی دیوید بیتل هیل،^۱ که از بغداد و از راه کردستان به ایران سفر کرده بود، تعداد یهودیان ایران را حدود بیست و پنج هزار نفر تخمین زد.^۲

بنیامین دوم، محقق یهودی که اوایل دهه ۱۸۵ م وارد ایران شد، تعداد یهودیان اصفهان را چهارصد خانواده با سه کنیسه و هشت رابی یا «هاخام»^۳ اعلام کرد. افزایم نیومارک^۴ که در دهه ۱۸۸ از فلسطین به ایران آمد، کل جمعیت یهودی کشور را کمتر از پانزده هزار نفر تخمین زد.^۵ اگر کاهش تعداد یهودیان را بینگر شرایط اجتماعی نامطلوب آن ها بدانیم، می توان گفت وضعیت یهودیان در ایران قرون وسطی به تراز اوایل عصر مدرن بوده است. ساختار جامعه‌ی قرون وسطایی، خصوصاً عدم وجود حکومت مرکزی قوی، باعث می شد تا یهودیان عهد قدیم، در فعالیت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شرکت بیشتری داشته باشند.

فقدان سازمان متمرکز دینی و عمر دراز سیستم تمرکز زدایی سیاسی در ایران بیش از اسلام، نتیجه‌ی کثرت گرایی دینی و تعدد و تنوع قومی در آن سرزمین بوده است. در مدارک باستان شناسی و کتیبه‌ها، هر چند

1. Rabbi d'Beth Hillel.

2. Levy 1999, 401-413.

۳. Hakhamim. «هاخام» تلفظ صحیح آن واژه‌ای است که در ایران معمولاً «هاخام» گفته می‌شود. تطبیق کامل این عنوان فرهنگی - دینی یهود، با ایندیای نام سلسه‌ی هاخامنشی، با توجه به یافته‌های جدید درباره‌ی ارتباط آن سلسه با قوم یهود، پسیار تأمل برانگیز است. یا در نظر گرفتن این فرض و حقیقت مبنای داده‌های همین کتاب، می توان «هاخامنشی» را «پیرو روحانیت یهود» معنی کرد.

4. Ephraim Neumark.

5. Levy 1999, 413-424.

با این که تعدادی از یهودیان برجسته‌ی قرون وسطای اسلامی در ایران، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند، تاریخ دقیق سیاسی و اجتماعی یهودیان آن دوران، به طور مایوس کننده‌ای ناقص و مدارک موجود درباره‌ی آن اندک است. محققان علی‌رغم کمبود اطلاعات جمعیت شناسانه و آماری، معتقدند در آستانه‌ی پیروزی مسلمانان در اواسط قرن هفتم، جمعیت یهودی قابل توجهی در ایران زندگی می‌کرده‌اند که آمار غیررسمی آن‌ها از گفته‌ها و نوشته‌های بنیامین تودولایی، جهان گرد یهودی قرن دوازدهم میلادی به قرار زیر به دست می‌آید: سی هزار در همدان، ده هزار در شیراز، چهار هزار در طبرستان، هشتاد هزار در افغانستان، صد خانواده در آذربایجان، پانزده هزار در اصفهان، بیست و پنج هزار در آمادیا واقع در شمال موصل، هفت هزار در شوش، پنجاه هزار در سمرقند و چهار خانواده در رویدبار.^۶

۶. بنیامین تودولایی ۱۹۰۷، ۵۳-۵۶. این آمار بادله‌های سفرنامه بنیامین تودولایی منطبق نیست. برای آگاهی از آمار واقعی به سفرنامه بنیامین تودولایی، ترجمه خام مهوش ناطق، نشر کارنگ، رجوع کنید.

و کژروی‌های مذهبی است. رقابت دائمی میان کانون‌ها و ریبوون^۱، به عنوان تابعین سنتی جامعه‌ی یهود که از قرن دوم تا دهم میلادی در بابل مستقر بوده‌اند، در اوایل دوره‌ی عباسیان (۱۲۵۸ م) و تلاش‌هایی که برای آسیب رساندن به نهضت قرائیون صورت می‌گرفت، نمونه‌ای از این سخت کیری‌های تاریخی است. چنان‌که ذکر زندگی معنوی پرنشاط جوامع یهودی در ایران قرون وسطی و در شرق جهان اسلام، توسط قرائیون، که نخستین پایگاه چهره‌های برجسته‌ی غرب ایران بوده، آنان در منابع رسمی یهودی پذیرفته نبوده است.

جبتش قرائیون توسط یهودیان قرن هشتم به عنوان یک فرقه یهودی به وجود آمد که اساس فکری آن مخالفت و انکار استن تلمودی-ربانی بود. این فرقه توسط عنان بن داود^۲ و از برآورده چند فاکتور در سراسر شرق ایران به وجود آمد: ۱. ظهور گرایشات ارتادادی در یهودیت بابلی-ایرانی.

۲. نایه سامانی‌های عظیم سیاسی و اقتصادی در نتیجه‌ی پیروزی اعراب و تضاد و تفاوت اسلام با دیگر ادیان جهان.

۳. نارضایتی اجتماعی و اقتصادی طبقات باین و فقیر یهودی.

قرائی‌های اولیه تحت تأثیر نظریات اسلامی، بر ارجحیت کتاب مقدس نسبت به عقاید خاخام‌ها تأکید می‌کردند. «عنان» از پیروان اش، می‌خواست به جای توجه به نظریات اشخاص، در تورات جست و جو کنند. قرائیون و این بار نیز تحت تأثیر عقاید اسلامی، مخالفت شدیدی با انسان انکاری^۳ سنت‌های عرفانی

1. Exilarchy.
2. Anan ben David.
3. Anthropomorphism.

ناجیز، اما نمایانگر تکثر و تعدد موضوعات قومی، قبیله‌ای و دینی‌اند که در روایت‌های پادشاهان ایران پیش از اسلام در جملاتی موجز بیان شده است. گرچه با عقل منطبق نیست، اما بنا بر تحقیقات اخیر، فعل و افعال‌های اجتماعی و ایدئولوژیکی جامعه‌ی متتنوع ایران باستان، از تعاملات اجتماعی و عقیدتی این جوامع مقاومت شکل می‌گرفت و یهودی، مسیحی، زردهشتی، گنوسی، بودایی و مانوی در سراسر کشور، در کنار هم و زیر سلطه‌ی سلسله‌های پیاپی، زندگی می‌کرده‌اند و حتی زیان فارسی از طریق یهودیان ایران به عنوان زبان ادبی به اورشلیم منتقل و استفاده می‌شد.^۴ از آن‌جا که اقلیت یهودیان تبلیغ دینی یا هدف سیاسی نداشتند، برای زردهشتیان دوره‌ی ساسانی تهدیدی محسوب نمی‌شدند و با وجود آزارهای گاه و بی‌گاه، از روابط‌آرام و دوستانه‌ای بهره ممند بودند.^۵

غلبه‌ی اسلام بر ایران در اواسط قرن هفتم، دو گونه تاثیر فوری و تدریجی بر زندگی اقلیت‌های دینی ایران و روابط متقابل آن‌ها بر جای گذاشت. پژوهشگران معاصر برای تحقیق در زندگی ایران قرون وسطی و جهان اسلام، به منابع یهودی و دست نوشته‌های یهودیان برجسته‌ی دنیای اسلام از جمله سعادیا کانون^۶ (وفات ۹۴۲ م) رهبر دینی یهودیان در دوره‌ی عباسی، خاخام برجسته‌ی بغداد، که برگزیده‌ی ریبون بود و ابن میمون، رهبر دینی و فیلسوف یهودی^۷ رجوع می‌کنند. موضوع اصلی منابع یهودی، اثبات صلاحیت و دفاع از یهودیان آواره در برابر ناخالصی‌ها

1. Shaked 1982, 305.
2. Widengren 1961, 157-159.
3. Saadia Gaon.

۴. موسی بن میمون وفات ۱۲۰۴ م.

توراتی مصادره شده است. مثلاً تفاسیر قرآنی قرن نهم و دهم، حوا و نقش قرآنی او در هبوط آدم، را ملغی می‌کند، زیرا بنابر قرآن، حوا در کناه آدم شریک نیست و برای کناه او موادخ نمی‌شود، اما پس از الحاق مواردی از اسراییلیات، حوای قرآن، مثل تصویر توراتی آن، وسوسه کننده و قانون‌شکن معرفی می‌شود.¹

جدا از سمت گیری‌های تاریخ شناسانه، مطالعه‌ی زندگی یهودیان در ایران قرون وسطی، از ملاحظات سیاسی مدرن هم مصون نبوده است. امروزه محققان برای ریشه‌یابی کژروی‌ها و پیش‌داوری‌های کنونی به گذشته رجوع می‌کنند. با ظهور اسلام، اقلیت‌های دینی که در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کردند، با اذعان به پذیرش حکومت سیاسی مسلمانان، می‌توانستند به عنوان اهل ذمه و با پرداخت مالیات به زندگی با حفظ سنن و قوانین دینی خود ادامه دهند. با نگاهی دقیق‌تر به تاریخ مسلمانان قرون وسطی، شیوه‌های طرفی‌ی در ارتباط و تقابل معنوی با جوامع مختلف به چشم می‌خورد. تاریخ، ایمان و فلسفه‌ی یهودیان، فراتر از داستان‌های ساده موجود و تابعیت اجتماعی رایج میان اقلیت‌ها است. همان‌طور که در جنبش قرائیون دیدیم، دوران شکل گیری یزدان شناسی، رسمی و فلسفی اسلامی تحت تأثیر محسوس سایر ادیان قرار گرفته بود. بیرونی (وقات بعد از ۱۰۵۰م)، فیلسوف مشهور ایرانی در تحلیل‌های یزدان شناسانه اش با یهودیان در ارتباط بود. وی تأثیرپذیری خود از محققان یهودی را بارها کوش‌زد کرده و از منابع کتبی و شفاهی

يهودی پیش گرفتند. این نهضت در قرن نهم میلادی با رهبری دینی فیلسوف یهودی ایرانی، بنیامین بن موسی نهاوندی² به اوج شکوفایی رسید. بنیامین، اعتقادات افراطی بیرون اش را متعادل کرد و با کاهش اختلافات میان قرائیون و نهادهای یهودی، جامعه‌اش را از نابودی نجات داد. وی به عنوان تکلیف دینی از پیروان اش خواست درباره‌ی مسائلی که در کتاب مقدس، شرح و تکلیف مشخصی ندارد خاخام‌های ربائی رجوع کنند.³

در نیمه‌ی اول قرن یازدهم یک قرائی مشهور دیگر به نام «ناسی بن نوح» که در ایران زندگی می‌کرد، رساله‌ای فلسفی بر «ده فرمان» نوشت. با این که نهضت قرائیون به عنوان یک نهضت موفق و چالشی برای منابع سنتی قدرت در یهودیت باقی ماند، پایگاه فعالیت‌های فکری آن‌ها در اوآخر قرن یازدهم از ایران به اروپا منتقل شد.

با مطالعه‌ی وسیع دانشمندان مسلمان روی دانش یهودی و تفاسیر عهد عتیق، تاریخ معنوی سمبولیکی که در سنت اسلامی، اسراییلیات نامیده می‌شد، مورد تأیید قرار گرفت. تفاسیر قرون وسطی به میران زیاد تحت تأثیر برداشت‌های سنتی علمای یهودی و مسیحی قرار گرفتند که ساختمان پر جزئیات بیان مطالب عهد عتیق، کاملاً با موجز کوبی‌های قرآن در همین باره در تضاد است. پژوهشکران مسلمان هم برای رفع ابهام‌ها و اصطلاحات ناآشنای موجود در قرآن، از اسراییلیات استفاده می‌کردند. این تأثیر فقط به شرح جزئیات محدود نشده است، بلکه احکام و دستورالعمل‌های قرآن به سود تعبیر

1. Benjamin ben Musa Nahavandi.

2. قرائیون، ۱۹۷۲، صحن ۷۶۷ - ۷۶۴.

بودند، زیان‌شان، زیان قرآن بود و نسبشان به محمد پیامبر اسلام می‌رسید. لازم به ذکر است با این که آن‌ها به اسلام می‌گرویدند حتی پس از کامل شدن روند تغییر دین تبار غیر عرب و تأثیرات غیر اسلامی شان میان عرب‌ها فراموش نشد و کاربرد این کلمه با درجات مختلف کم و بیش به قوت خود باقی ماند. گروه‌های نومسلمان، کافران، لاثیک‌ها و کذابان همیشگی با غلبه‌ی اسلام ناپدید نشدند. یهودیان و ایرانیان، علی‌رغم خدمت به خلیفه و دستگاه خلافت به طور سمبولیک، «بیگانه» خوانده می‌شدند.

در این سناریوی موعود باور و انعطاف پذیر، یهودیان بر جسته‌ای هم وجود داشتند. در بعد مالی، اعمال عادی که از قرآن و موضع ضد ریاخواری اش، ناشایست محسوب می‌شدند به «بیگانگان» منسوب می‌شد. بنابراین، اهل کتاب (اهل ذمه) از چنین مشاغلی محروم بودند. به جز بانکداری، شغل‌های دیگری مثل پژوهشکی و نمایش‌های موزیکال که در منابع مکتوب مسلمانان توسط غریبه‌ها «بیگانگان» اجرا می‌شدند به عهده‌ی یهودیان گذارده شد. اما بدون شک، منصب پرنفوذ و قدرتمندی که برخی «بیگانگان» آن را به عهده می‌گرفتند، وزارت بود. این مفهوم مهم یعنی ریشه‌های وزارت می‌تواند و باید متفاوت از خلافت که از انواع حکومت پیش از اسلام است و یا حداقل نشأت گرفته از اصول قرآنی است، مورد بررسی قرار گیرد.

وزیر، به معنای «کارمند ارشد» الگویی متفاوت و وزیره مربوط به تاریخ اسلام قرون وسطی است. عموماً وزیر، در کنار خلیفه‌ی نالایق ولی خدا پرست و پرهیزگار - سنی و ارتودوکس - در کنار سایر مشاغل اداری

شیعیان و زردهشتیان اطلاق می‌شد. ایرانیان، عرب‌ها و ترک‌ها مثل یهودیان، مسیحیان، زردهشتیان و مسلمانان شیعه، به مبارزه علیه ماهیت کهنه و ارتودکسی عرب سنی مذهب برخاستند. طی دو قرن اول حکومت اعراب در ایران، نهضت‌های موعود باورانه¹ در ایران افزایش یافتند. تفکرات یهودیان، مزدکیان، مسیحیان و مسلمانان با عقاید موعود باورانه که همکی منتظر تغییر عده‌ای در دوره‌ی آخر زمان بودند، ترکیب شدند.

جنبش عیسویه، اولین حرکتی که اواسط قرن هشتم شکل گرفت و ترکیبی از عقاید یهودی، مسیحی و اسلامی بود، تحت رهبری ابو عیسی اسحاق بن یعقوب اصفهانی قرار داشت.

در واقع عیسویه، فرقه‌ای علوی بود که روش‌های کارش شبیه اسماعیلیه، هاشمیه و دیگر گروه‌های انشعابی و انقلابی شیعی بود.² جنبشی که ابتدا هاشمیه نامیده می‌شد از گروه‌های موعود باور خراسان بود که سرانجام به سرنگونی حکومت امویان و پیروزی عباسیان منجر شد.

طی دوره‌ی قرون وسطی، گروه‌های خودی و ناخودی و افراد و غیره، به دلیل تغییر اوضاع سیاسی و اجتماعی، دوباره تعریف و فرمول بندی شدند. پیش از آن که اکثر ایرانیان تفسیر دین بدهنند، یعنی اواسط قرن نهم، و پس از فروپاشی دستگاه مرکزی خلافت در اواسط قرن دهم، ایرانیان هم مانند یهودیان، مسیحیان، یونانیان و سایر اقلیت‌های قومی و دینی، نسبت به عرب‌ها بیگانه محسوب می‌شدند، عرب‌ها، در پذیرش اسلام، مقدم

1. Syncretic.

2. Wassertrom 1994, 47-92.

3. Sharon 1981, 101-152; El-Hibri 1999, 1-16.

بیشتر، منجمان دربار سلجوقيان، شباخت سرنوشت آن دو را پيش بیني کرده بودند. نظام الملک که خود نيز «بیگانه» بود در رساله‌ی هنر سياست خود به نام «سياست نامه»، سلاطين سلجوقي را از استخدام تمام عناصر مشکوك از جمله: شيعيان، يهوديان، مسيحيان و ديگران بر حذر داشته بود. محققان، اهانت وی به اقلیت‌ها را نمونه‌ای از نارواداری سنی می دانستند. در واقع، «ديگران» وی معرف گروه مشخصی که در نظر اول، به نظر می‌رسد، نیست. منابع شيعي معاصر از وی به خوبی ياد می‌کنند و می‌گويند دخترش نامزد ازدواج با يك فرمانده ارتش شيعه بود. رابطه‌اش با يهوديان هم به همین وضع بود. وی يك ماليه‌چي يهودي به نام ابوسعده بن سمعها اليودي (وفات پس از ۱۰۹۱) استخدام کرد. نظام از وی که ساكن بصره بود هزار دينار قرض گرفت. اليهودي در ۱۰۷۹ کشته شد.^۱

خوانديم مورخ ايراني قرن شانزدهم (مرک ۱۵۲۶) فراز و نشيب‌های دوران سعدالدوله را شرح داده است. سعد الدله مثل نظام الملک، متصدی پيشين، مورد اعتماد شاه بود و بارها مرائب و فاداري خود را تنشان داده بود. با اين که ارغون از وزارت سعدالدوله راضي بود خانواده‌اش به وی اعتراض می‌کردند که سعد، بيش از حد قدرتمند شده است. وی نيز مانند نظام الملک متهم شد که اعضای خانواده‌اش را بر مستند می‌نشاند تا قدرتمند شده، حکومت مستقلی تشکيل دهد. ولي پسرش فخرالدوله را که «در جهل و بي‌سودا وی را همتاي افلاطون در خرد می‌دانستند» حاكم بغداد کرد. (خوانده مير ۲۹۹، ۱۹۷۹)

^۱ Yavari 1992, ch3; Fischel 1969, 33.

سلسله‌های اموی وعباسي از جمله «بيگانگان» بود. ساده‌لوحی اخلاقی خليفه با زيرکي و البته خيانه وزيران جبران می‌شد. از جمله‌ی اين وزيران، على بن عيسى بن ماهان (مرک ۱۱۱۱م)، جعفر برمکي (۸۰۲) و نظام الملک (مرک ۱۰۹۲م) بودند. ايشان بر خلاف اعراب، ايرانی بودند و نخستين آن‌ها، جعفر از خانواده‌ی روحانيون بزرگ بودایي بود. محبوبیت و مرک پيش بیني شده‌ی وزير که بر خلاف سابقه‌ی تقاویت قومی وی بود باعث می‌شود به متصدیان بلند مرتبه‌ی اين مقام تحت حکومت خان‌های مغول که از ۱۲۵۶ تا ۱۲۵۳م در ايران حکومت کردن دقت کنیم. رشيدالدين فضل الله (مرک ۱۲۱۸م)، صاحب كتاب مشهور جامع التواریخ و وزیر غازان (سلطنت ۱۲۰۴-۱۲۹۲م) و برادرش سلطان محمد خداينده الجاتيو (سلطنت ۱۲۱۶- ۱۲۰۴م) يهودي الاصل بود و مرک فجيعي داشت. سعدالدوله (مرک ۱۲۹۱م) وزير ارغون (سلطنت ۱۲۸۴-۱۲۹۱م)، آشكارا يهودي بود. لازم به ذكر است که بين قدرت يابي و سقوط سعدالدوله و وزيران دوره‌ی قرون وسطي اسلامي رابطه‌ی مشابهی وجود دارد. سرنوشت سعدالدوله مثل برمکيان و نظام الملك وزير سلسنه‌ی ترك سلجوقي (۱۱۹۴- ۱۱۰۰م) بود. اين ايراني، اهل طوس، شمال شرقی خراسان بود که در پراپر هر دو سرور سلجوقي ترك و عباسی عرب خود ایستاد. وی حدود سی سال به سلجوقيان خدمت کرد و در زمانی که آن‌ها در جنكل‌های اطراف بغداد و يا ایالات شمال غربي ايران مشغول شکار بودند، کشور را اداره می‌کرد. در پايان، ارياب وی که خود، يك ماه بعد از مرک وزيرش مرد، او را مانند هارون، به مرک محکوم کرد.

و حسادت شاهان و اطرافیان اش و علی‌رغم معصومیت و وفاداری شان تزور می‌شوند، شخص سعدالدوله را مستثول سقوط خودش می‌داند. خوانده میر می‌گوید: در حالی که ایل خانان گرایشی به اسلام نداشتند، سعد الدوله فتوحات حضرت محمد و شخصیت وی را با چنگیزخان، جد آرغون¹ و بنیان‌گذار حکومت مغول‌ها در ایران برابر می‌دانست. زیرا وی از سرزمین مغول‌ها² برخاسته و در ایران حکمرانی ایجاد کرده و دنیا را تهدید می‌کرد. اگر بکوییم محمد، دین تازه‌ای آورده ایرادی هم ندارد بکوییم نوادگان چنگیز هم ادعای مشابهی کردن سپس می‌گوید چنگیز نیروهای خود را به مکه فرستاد تا یهودیانی که به آن جا رفته بودند بکشند تا به کعبه بی‌احترامی کند.

خوانده میر معتقد است، اهانت سعدالدوله به اسلام عامل سرنگونی وی شد. آرکون از رفتار وی به شدت رنجید و با این که سعدالدوله تا آخرین لحظه کوشید تا از وی و مسلمانان، دل جویی و در برابر شان اظهار نداشت کند، سرنگون شد.

این ادعا که جانشین سعدالدوله، دیوان سالار یهودی الاصل دیگری به نام رشید الدین فضل الله بود، طعنه و شوخی‌ای بیش نیست. با شرایطی که توصیف کردیم، اوضاع یهودیان ایران قرون وسطی چه گونه بوده است؟ همان طور که گفته شد از برجسته ترین خصیصه‌های متون تاریخی اسلامی استفاده از تیپ‌سازی خطوط اصلی از پیش تعیین شده برای بازسازی حوادث مشابه است. به عبارت دیگر مجموعه‌ی عظیم روایات درباره‌ی

برادر دیگرش والی «دیاربکر» در ترکیه امروزی شد و یکی دیگر از قوام‌اش را حاکم آذربایجان و شمس‌الدوله را والی جنوب غرب فارس کرد. خوانده میر می‌گوید اگر شاه را زگان ایلخان، حاکم روم (آناتولیا) و خراسان نبودند، سعدالدوله بی‌درنگ اقوامش را به حکومت آن دیار می‌فرستاد. مورخ می‌افزاید با این‌همه، در دوره وزارت سعدالدوله اوضاع کشور مساعد و عدالت برقرار بود.

زیان خوانده میر در این بخش کتاب، اشاره‌ی توهین‌آمیزی به رفتار سعد با یهودیان ندارد. در واقع، بخش ابتدایی کتاب، در شکل، موضوع و ساختار و سلسله‌حوادث، شباهت کاملی به روایات قرون وسطی دارد که حوادث دوران برمکیان و نظام‌الملک را شرح می‌دهند. ماجراهی سه دیوان سالار زیرک، کارا و مستعد را که سرزمین اسلام به دستان توائی آن‌ها سپرده شده بود، ذکر کردیم. این بار نیز، وزیران از جاه و نفوذ زیادی بپروردگار شدند و از ایشان انتظار اکید نمی‌رفت در حضور شاه، به آداب و رسوم سنتی دربار مقید باشند.

وقتی سعدالدوله با شاه «تخته نرد» بازی می‌کرد آسوده بود و پاهایش را دراز می‌کرد. البته این کار که در فرهنگ عامه، بی‌ادبی محسوب می‌شود مورد تأکید خوانده میر هم هست. یک مقام رسمی ایلخان علت آسودگی و سبک‌سری سعدالدوله را پرسید و وی «مقام و غرور» خود را علت آن دانست. پس از این هرگاه در این رساله (رساله خوانده میر) نام سعد به میان می‌آید اشارات صریح و مغرضابه‌ای به یهودی بودن وی می‌شود. بخش دوم کتاب صریحاً روند همیشگی علت سقوط وزیران را کنار می‌گذارد و برخلاف سایرین که می‌گویند وزیران به خاطر خیانت

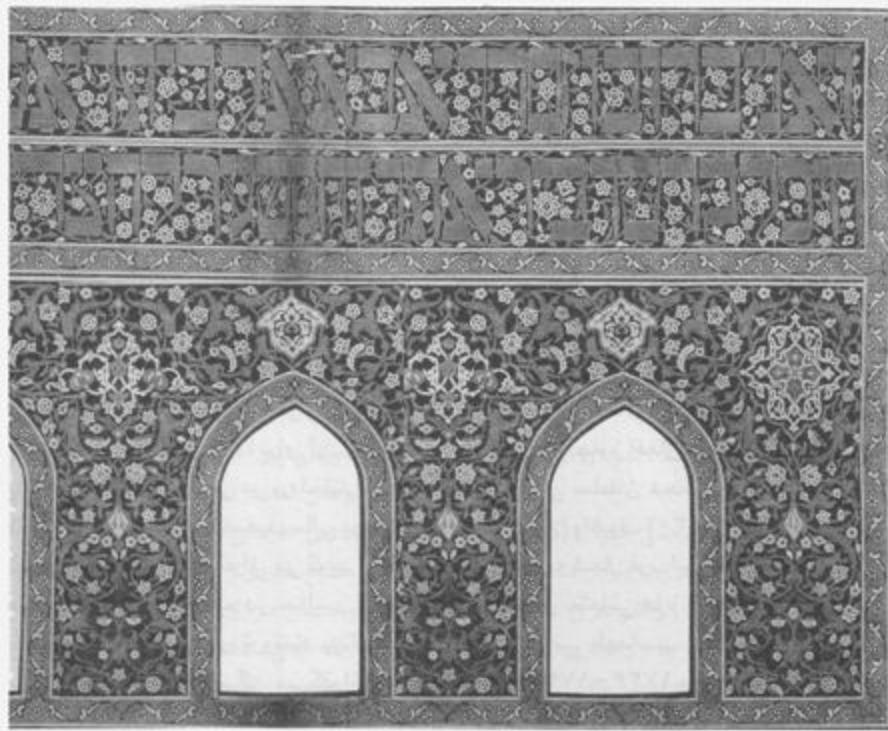
1. Arghun.

2. Mongols.

خود از جمله جانشین اش رشیدالدین فضل الله، مشابه است. این نشان گرفته‌نگ قرون وسطایی است که طبق آن معنای تاریخ طی سلسله‌ای روایات استعاره‌ای منتقل می‌شود و در کلیت خود معنادار است. به نظر من تاریخ مختصر و منتخب یهودیان به تاریخ ایران و تاریخ یهودیان ایران، زیان می‌رساند. امیدوارم تحقیق مختصراً، تاریخ ایران قرون وسطی را که بدون در نظر گرفتن تاریخ جامعه‌ی یهودیان معاصرش نمی‌تواند کاملاً درک شود، قدری روشن کرده باشد.

افت و خیزهای وزرای مهم و کسانی که این مناصب را اشغال کرده بودند، تفاوت اندکی دارند. پس از مقایسه به این نتیجه می‌رسیم که خواندن میر درباره‌ی منابع اسلامی علل سقوط وزرا برداشت کلی داشته است. از بررسی تاریخ زندگی سعد نتیجه می‌گیریم اعتقادات سعد الدوّله مقدمات سقوط اش را فراهم کرد و عامل اصلی سقوط نبود. زندگی سعد الدوّله برای یهودیان فراتر از یک دوره‌ی پرافتخار بود.

تاریخ وی کمابیش با بسیاری همکنان تاریخی



۴. قسمتی از دیوار کنیسه، اصفهان؟ قرن شانزدهم، کاشی ۲ / ۲۶۳، ۲×۴۷۲ / ۲۶۳، ۲×۴۷۲ سانتی متر. عکاس جان پارتل، موزه‌ی یهودی، نیویورک، هدایی ادل و هری فریدمن لوسی و هنری مورز، ویریام شار شلوزنینک، فلورانس سوترو آنسپاچر، لوسیل و سامونیل، لمبرگ، جان، سی. لورنس، لوپیو، آ. اورسمن و خلیل رابینتو یهودیان جوامع شرقی، تورات خود را در قاب / جعبه محکم استوانه‌ای به نام «تیک» و در تاقچه‌ی دیوار کنیسه‌ی گذاشتند. این رسم از دو دن اولین کنیسه‌ها وجود داشته است. از آن جا که در برخی مراسم مقدس یهودی، سه بخش از تورات فراتش من شود، ممکن است حاضران در کنیسه قاب / جعبه‌های جداگانه را بردازند که در نتیجه سه تاقچه لازم می‌شود. این تاق موزاییکی برای نگهداری تورات در کنیسه‌ی ایران ساخته شده است. در این موزاییک از کاشی‌های تک رنگی که پس از پختن به اشکال مختلف بریده شده‌اند، استفاده شده است. تقویش اسلامی، کل‌ها و برگ‌ها با حاشیه‌ی آبی و نوشته‌های لایلی عبری آن را تزیین کرده‌اند. جمله‌ی خط در در سیاری از دیوارهای تورات در گنوارهای اسلامی به کار رفته است. «این راه خداست و فقط نیکوکاران می‌توانند به آن وارد شوند». (مزاییر: ۸)

کلمه‌ی هیکل در این عبارت که «معبد مقدس» ترجمه‌ی من شود توسط یهودیان سفارديک شرقی برای دلالت بر مکانی که تورات در کنیسه در آن نگهداری می‌شود، به کار برده می‌شود. از روی همین عبارت‌ها، کنیسه‌ی یهودیان مشخص می‌شود چنان که عبارات قرائی، اماکن و مساجد مسلمین را مشخص می‌کنند.

ایرانیان قدیمی (قرن سوم پیش از میلاد) در تزیین بنای‌های خود از کاشی‌های لعاب دار استفاده می‌کردند این سنت در قرن دوازدهم میلادی احیاء شد و در قرن پانزدهم موزاییک‌های چند رنگ هم در آن به کار رفتد. پس از آن کاشی‌های موزاییکی در نماهای داخلی و خارجی خانه‌ها استفاده می‌شوند.

کویا این بنا در قرن شانزدهم برای دیوار موزه‌ی یهودی ساخته شده است. از اندازه‌ی دیوار نتیجه می‌گیریم که کنیسه‌ی اصلی سیار بزرگ بوده و توسط معماران خبره، ساخته شده است. جامعه‌ی یهودی اصفهان قرن شانزدهم شکرده خاصی داشتند اما در قرن هفدهم در اثر آزار و ناروازداری، از شکرده‌های خود کمتر استفاده می‌کردند. این شهر مرکز چنین کاشی کاری هایی است. گفته می‌شود این دیوار در اصفهان ساخته شده است. تزیین این دیوار، تلقیقی از هنر معماری مسلمانان ایرانی و حمایت و فعالیت یهودی است (Kleeblatt & Mann 1986, 38).



۴۱. یوسف و ریخای جامی، ایران، ۱۸۵۳، صفحه ۶، عکس از سوژان کافمن، کتاب خانه‌ی دانشکده الهیات یهودی، «معراج حضرت محمد (ص)»، چاپور دو رگ، براق و دو فرشت، جبریل و میکاپل آن. دو فرشتی که نیزگر در درجه‌ی دوم اهمیت آند. براق، به صورت تختیلی و با دام غیرعادی و با سر و کلاه قاچاری تزیین شده است. تصویر پیامبر مسیح بر برق نیامده است. این معروف‌ترین و معمولی‌ترین نمونه‌ی بیکرنگاری سلسلین است و نمونه‌ی عالی آن به سلطان محمد نقاش در خمسه‌ی نظامی منسوب است که بین سال‌های ۱۵۲۹ و ۱۵۳۴م در دریار شاه طهماسب صفوی ساخته شده است (مورین، ۲۲۰، ۱۹۸۵).



۴۲. خسرو و شیرین نظامی، ایران، قرن هفدهم و هجدهم، MS 1398. folio 15r، عکس از سورزان کافمن.
کتاب خانه حوزه‌ی علمیه‌ی یهودیان. قدرت طلبی خسرو و عشق شیرین، شیرویه پسر خسرو از همسر
دیگرش، وی را در خواب می‌کشد.

فصل هشتم

ادبیات فارسی - یهودی

دیوید اوروشلمن

تحقیقات کامل و مناسب است. برخی بخش‌های این میراث یهودی - ایرانی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند، که از این میان، ادبیات فارسی - یهودی از اقبال بیشتری پرخوردار است.

ادبیات فارسی - یهودی به آن دسته از تولیدات نظم و نثر گفته می‌شود که اولاً بحث‌های دینی و غیر دینی را شامل شود و در عین حال زبان اصلی آن فارسی باشد. در این میان متون خاصی که انحصاراً در اواسط قرن هفتم دوره‌ی اسلامی تاریخ ایران نوشته شده‌اند به بحث‌های مهم فرهنگ و عرفان یهودیان ایرانی اختصاص دارند.

دلیل یا تحوه‌ی اتخاذ این سبک ادبی کاملاً مشخص نیست. با این حال در این مرحله‌ی تحقیق، شواهد کافی برای تعیین آغاز و مراحل اولیه‌ی این سنت ادبی در دست نداریم. بیش از بررسی رشد و شاخه‌های اصلی آن به بررسی جزئیات زبانی تاریخی و اجتماعی - فرهنگی آثار فارسی - یهودی می‌پردازیم. همانند سازی یهودیان ایران اولین و مهم‌ترین عامل مناسب برای فعالیت ادبی یهودی ایران، ذکر شده است. گویا پس از پیروزی مسلمانان در اواسط قرن هفتم، به دلایل نامعلومی، یهودیان زبان عبری و آرامی، که اولین گویش آن‌ها محسوب می‌شد را رها کردند^۱ و به زبان جنوبی، مرکزی و شمالی ایران روی آورden^۲. کاربرد زبان و گویش ایرانیان و سایر عوامل

۱. ابراهیمیان ۱۹۳۶ صص ۴-۱؛ یارشاطر ۱۹۷۴ صص ۵۵۳-۵۵۵ Lazard 1968, 77-79: ۴۵۳-۴۵۵

۲. معلوم است که ترک کردن زبان عبری و آرامی و روی آوری به زبان‌های محلی و منطقه‌ای یک شکر آتوسی برای مخفی شدن در میان دیگران و کم کردن امکان شناسایی بوده است، چنان که مؤلف خود اشاره می‌کند از پس این شکر نفوذ آنان در فرهنگ و اقتصاد جوامع اسلامی بیشتر شده است. (متترجم)

سال هاست که کلمه‌ی فارسی - یهودی در میان تحقیقات پژوهشگران ایرانی و یهودی، کاربرد و نشانه‌های فروزان دارد. در حالی که متخصصان و خوانندگان عامی، این کلمه را برای دو وجه فرهنگی و ادبی زندگی یهودیان ایران به کار می‌برند، این کلمه زمینه‌ی قانونمند تحقیقی است که تمام جوانب زندگی یهودیان ایران، شامل تمام مرزهای فرهنگی ایران را در بر می‌کیرد. به علاوه تحقیقاتی با عنوان فارسی - یهودی می‌کوشد تمام مواد ادبی کتبی و موضوعات و دست نویس‌های باستان شناسانه، هنری و غیره را جمع آوری و مطالعه کند تا میراث تاریخی و فرهنگی یهودیان ایران را روشن تر کند. مجتمع و گروه‌های یهودی ایرانی که جزء اولین گروه یهودیان آواره از زمان تخریب معبد اول (۵۸۶ ق.م) و تبعید از بابل بودند، همواره طی شرایط سیاسی و فرهنگی مختلف ایران، حضور داشتند. با این حال ابعاد بسیاری از حدود سه هزاره همزیستی یهودی - ایرانی و سپس یهودی - اسلامی هنوز مبهم است. این بهایم نتیجه‌ی کمبود اطلاعات و مدارک و عدم ۱. Irano - Judaica.

كلمات و مقاهيم عربي - اسلامي صورت گرفتند. با اين که در اين مرحله نمى توانيم مشخص کنيم فعالیت های پژوهشی و ادبی تا چه اندازه زمینه ساز ظهور شاعران، نویسندها و متفکران فارسي - يهودی بعدی شده اند، اما مبرهن است که آثار منظوم قرن چهاردهم در سبک و موضوع و غنا از برترین آثار يهوديان ايران است.

كثرت نگارشات فارسي - يهودی که به صورت دست نويس باقی مانده و بعضی ویرايش و منتشر شده اند گواه فعالیت مستمر ادبی يهوديان ايراني دوران «پيش مدرن»¹ ايران است. لیست كامل موضوعات و انواع دست نويس های فارسي - يهودی که توسط يك دانشمند و كتاب دوست اروپائي در قرن نوزدهم از جوامع يهودي ايران و آسياي مرکزي خريداري شد، نشانه يى موضوعات مورد علاقه يى جوامع يهودي است. علاوه بر متون فارسي - يهودي، فهرست زير نشانه يى تنوع ذاته و ديدگاه های فرهنگي يهوديان ايراني قرن بیست است. اين فهرست در ۱۸۹۸ تهيه و منتشر شد².

«نجوم، ادبیات، متون تورات، ترجمه تورات، تفسیر و لغت نامه های تورات، تقویم، دست نوشته های ترجمه شده کابالا (عرفان يهودي) آیین و مراسم «معاسیوس»³، داستان ها و افسانه های عربی، این میمون، طب، میدراش: اندرزهایی که شامل حکایات افسانه ای هستند، مجموعه های متتنوع تلمود».

میان متون فارسي - يهودی مجموعه های شخصی و عمومی مردم اسراييل، اروپا و

2. Adler 1919-20, 598.

3. Maasioth.

۱. اواخر قرن نوزدهم.

دينی و اجتماعی و فرهنگی مثل موقعیت های تثبیت شده يهوديان دوران مختلف تاريخ ايران موجب شد يهوديان در فرهنگ ايراني و اسلامي موثر باشند. برخی منابع مكتوب موجود مانند دست نوشته ها، اسناد حقوقی و یادداشت های شخصی قرن هجده و نوزده، به يك يا چند زبان ايراني دیگر نوشته شده و يا شامل كلمات ايراني است که با حروف عبری تصویر شده اند.⁴

پس از پیروزی مسلمانان تا اواخر قرن نوزدهم يهوديان ايراني شهرها و روستاهای مختلف از زبان میانه ای که نماد دوگانگی حيات فرهنگی آن ها بود براي نوشتن استفاده می کردند. با ايجاد اين ترکيب واحد، منابع شفامي و نگارش ايراني اسلامي در يك سو و سنت ها و منابع عبری يهودی از طرف دیگر، حفظ و تقویت می شدند. پس منابع و متون مقدس و سنت های يهودی نگهداري شدند و نيز استفاده از زبان فارسي و صورت های متتنوع ادبی آن را يچ شد. در بهي دوگانگی منابع فرهنگی و معنوی، نمونه های ادبی يهودی - ايراني، ترجمه های فارسي - يهودی و متونی مقتبس یا مستقیم از تورات است.⁵

بررسی متون و ترجمه های اولیه ای که يهوديان مناطق مختلف ايران تهيه کرده اند حاکي از آن است که گويا يهوديان ايراني بيش از حمله مغول در قرن سیزدهم، در فعالیت های زبان شناسی، تفسیری و ادبی موضوعات مقدس خود شرکت می کردند. بدین ترتیب، تحقیقات و تفاسیر تورات و منابع توراتی به سبک های ننو فارسي⁶ و با حروف عربی و

1. Asmussen 1965, 49-60. Netzer 1985 12 - 13.

2. كلمات فارسي را به حروف عربی می نوشند.

3. Shaked 1982. 304-322.

4. زبان فارسي نشأت گرفته از اصل پيشين بهلوي.



۴۳. موسی‌نامه‌ی شاهین «نسخه‌ی خطی فارسی - یهودی»، جوهر بر کاغذ ۱۵/۶ × ۱۲ سانتی‌متر، اصفهان، ۱۶۸۶م،
موزه‌ی اسراییل در اورشلیم. مادر موسی از بیم سریازان فرعون، وی را در اجاق روشن می‌کنارد. میریام، خواهر موسی در
سمت چپ تصویر، موبیه می‌کند. این داستان در جلد دوم «کنخاف»، ۱۹۰۰-۱ از مختری، صفحه ۳۷۲ هم آمده است. منبع
استناد وی آیه‌ی سوم سوره‌ی بیست و هشتم قرآن است. آتش بر موسی هم مانند ابراهیم و سه پار دانیال، سرد شد. در این
تصویر صورت موسی پوشانده نشده است.



۴۳- متن طبی قدیمی، خوانسار، واخر قرن نوزدهم، این کتاب متعلق است به حکیم ابراهیم. حاشیه‌ها با خط فارسی- یهودی، زبان فارسی با استفاده از حروف عبری، نوشته و تزیین شده است. شیرزاد ابراهیمیان.

به خصوص دانش جویانی که به تحقیق در متون ادبی یهودیان ایرانی پرداخته اند، متون شعری، هسته‌ی اصلی کمی و کیفی میراث ادبی فارسی- یهودی است. با توجه به عوامل تاریخی و فرهنگی، یهودیان ایران قدرت خلاقیت شعری و نگارشی بر جسته‌ای داشته‌اند. آثار ادبی یهودیان قرن چهاردهم میلادی متأثر از زیان ادبی فارسی بوده است. در ضمن یهودیان ایرانی، مجدوب آداب و رسوم جاری ایرانیان، هنر، ادبیات، موسیقی و فلسفه بوده اند. خلاقیت در شعر و شاعری، مانند سیک‌های مختلف قرن دهم، شکل و

آمریکا^۱ کتاب‌های متنوعی که در سبک و موضوع و درجات ادبی متفاوت‌اند و مجموعه شعرهای دینی ملتو از استعاره‌های عرفان اسلامی و یهودی و تعبیر خواب و غیره به چشم می‌خورند، که همگی در زمرة ی نمونه‌های ادبی ایرانی قدر دارند.

در میان تنوع و ناهمانگی این مجموعه‌ها،
متون شعری از همه بیش تر است. به عقیده‌ی
پژوهشگران اروپایی نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم

1. Spiechandler 1968, 114-136 Netzer 1985, 71-176 · Seligson 1903, 87-103, 244-259 · Bacher 1904, 313-323.

באב כראם ראי ר' תעיריה עקל ונכח ר' וכבת ראי

۴۵. دست خط فارسی - یهودی از «شاهزاده و صوفی»،
شیراز، اواسط قرن نوزدهم، منتصور و شیرین قیام.

آثار فارسی کلاسیک به کار می رفت.
دوم، تا آن جا که تکنیک ها و سنت های ادبی را بررسی کرده ایم، آثار منظوم فارسی - یهودی اعم از اشعار کوتاه (با تمام شرایط وزن و قافیه، ساختار درونی و موضوع) و آثار بلند منظوم حماسی، تعلیمی، عاطفی، عرفانی و تاریخی پس از آثار منتشر ادبی کلاسیک فارسی به وجود آمده اند. برخی آثار فارسی - یهودی و به خصوص اشعار حماسی بلند قهرمانی و عاطفی مشتمل بر صدها بیت، که معمولاً در سبک فارسی مثنوی سروده شده، از برترین آثار یهودیان فارسی زبان محسوب می شدند.
سوم، موضوعات و منابع آثار منظوم فارسی - یهودی به خصوص اشعار بلندتر، از ادبیات یهودی و تاریخ یهود الهم گرفته است. بعد از

١. كتاب مقدس، ميدراش Aggadah و ملحقات كتاب مقدس.

محتوای فعالیت ادبی یهودیان ایرانی را تحت تأثیر قرار داد.^۱ آثار منظوم یهودیان ایرانی در دوران طلایی ادبیات فارسی - یهودی از قرن چهاردهم تا اوایل قرن بیست کاملاً متأثر از ادبیات کلاسیک فارسی بود. پیش از بررسی ادبیات فارسی - یهودی و ارائهٔ نمونه‌های آن، به بیان ویژگی‌های ذاتی و خاص این سنت ادبی می‌پردازم.

اولین ویژگی ادبیات فارسی - یهودی به طور عام و شعر فارسی - یهودی به طور خاص این است که زیان آثار هر دوره بیانگر ادبیات فارسی رایج در همان دوران است. بنابراین فارسی سده های میانی اسلامی، که تحت تأثیر گروه های فرهنگی و قومی مختلف، به خصوص در جوامع عرب، ترک، مغول و تاتار، دستخوش تغییر و تکامل بوده برجسته ترین فعالیت رایج یهودیان ایرانی محسوب می شود. زبان فارسی در کنار زبان عبری، زبان تورات، دعا و قانون یهودیان آموزش داده می شد. آثاری هم به زبان فارسی به وجود آمد و زبان فارسی مورد استفاده شخصی و عمومی افراد قرار گرفت. این زبان فارسی سده های میانه ای اسلامی که به حروف عبری نوشته می شد، شامل کلمات عبری و کاهی آرامی و عبارات آثار کهن و منابع یهودی از جمله تورات، قانون و ادبیات بود. زبان فارسی متون ادبی چه در نظم و چه در نثر نشان تأثیر پذیری از فارسی رایج داشت و اکثراً به زبان دو رکه ای فارسی - یهودی انجام می شد. زبان دو رکه ای مذکور مخصوصاً زبان محاوره ای آن که تابع قوانین زبان شناسی و سیک رسمی آن دوره بود، در

۱- براون ۱۹۲۸، جلد دوم صص ۸۱-۱۲؛ شفق
صفص ۶۱-۴۲؛ بار شاطر ۱۹۸۸، صص ۱۲-۱۱

والایی در جوامع یهودی ایران، آسیای مرکزی، سمرقند و بخارا و افغانستان برخوردار شده‌اند.

شاهین، اولین و بهترین شاعر یهودی ایرانی که تنها با نام مستعار «شاهین» شناخته می‌شود، در نیمه دوم قرن سیزدهم در شیراز متولد شده^۱ و آثار به دست آمده از وی شامل موضوعات زیر است:

۱. متن منظوم چهار کتاب از اسفار پنج کانه^۲، با نام موسی نامه، که در ۱۲۲۷ م تکمیل شده‌اند.

۲. اردشیرنامه و عززانامه در سال ۱۲۲۲ م که درباره داستان‌ها و تفاسیر کتاب‌های استر و عذرا هستند.

۳. برشیت نامه، شامل صورت منظوم داستان‌ها و مباحث کتاب پیدایش است که در سال ۱۲۵۹ م کامل شده است.

حدود یک قرن پس از وی، شاعری با نام مستعار عمرانی ظهر کرد. وی در اصفهان متولد شد و در اواسط‌یا اواخر بیست‌سالگی به کاشان عزیمت کرد. (۱۴۵۴- ۱۵۳۹ م) آثار کوتاه، متوسط و بلندی به سبک فارسی کلاسیک، حماسی، تاریخی و شعر لیریک، از او بر جای مانده است^۳. به گفته خود وی «شاکرد و مرید شاهین» بوده است و به نظر محققان و صاحب نظران دومنین شاعر بزرگ شعر فارسی - یهودی است. تعدد کمی آثار عمرانی در جوامع یهودی نشانه‌ی احترام فراوان خوانندگان یهودی و شاعران پس از وی نسبت به او است^۴. شاعران برجسته‌ی بعدی

1. Bacher 1904, 321 : Asmussen 1973, 9-11 : Netzer 1973, 37-40.

2. خروج. لاویان، اعداد، سفر ثبتیه.

3. Netzer 1985, 31-32; Yeroushalmi 1995, 11-15.

4. Asmussem 1973, 11, Netzer 1973, 40-45.

شاعران فارسی - یهودی به موضوعات و متابع یهودی، ایرانی و اسلامی هم توجه کردند. یهودیان طی قرن‌ها فرهنگ پذیری در فضای ادبی و فرهنگی ایران، متابع مختلفی را به عنوان مبنای اصلی آثار خود پذیرفتند و در نتیجه سلیقه و ذاته‌ی ادبی ایرانی کسب کردند. صحنه‌های حمامی، اسامی شاهان و قهرمانان، حوادث، افسانه‌ها و آرمان‌هایی که به دنیای طبیعی و فوق طبیعی مربوط‌اند و در اشعار برجسته‌ی فارسی - یهودی به آن‌ها اشاره شده برگرفته از آثار کلاسیک ایرانی است. از آن‌جا که یهودیان ایرانی از اعضای مجتمع ادبیات و فرهنگ قدیم بوده‌اند، آثار استاد فارسی کهن مثل نظامی (۱۲۰۹- ۱۱۴۱ م) عطار (مرگ ۱۲۲۰ م) رومی (۱۲۰۷- ۱۲۷۷ م) سعدی (متولد ۱۱۸۴ م) حافظ (۱۲۹۰- ۱۲۲۷ م) و غیره به زبان فارسی و به خط عبری نوشته شده‌اند.

در پایان باید گفت کرجه آثار ادبی فارسی - یهودی به حد استانداردهای فارسی کلاسیک نمی‌رسند، اما تنها آثار ادبی و معنوی اقلیت باستانی یهودی ایران‌اند و با این‌که این آثار به دلیل خط خارجی عبری شان جزء آثار ادبی فارسی محسوب نمی‌شوند، شاخه‌ای فرعی و بازمانده‌ای از ذهنیات ادبی اقلیت یهودی به شمار می‌آیند. آثار مذکور، شامل مجالات معنوی و نقاط مشترک و تقاویت‌های موجود در دو مقوله متفاوت دین و ادبیات‌اند.

عوامل زبان شناسانه‌ی فرهنگی و ادبی فوق، مکتب منحصر به فرد سبکی و بیانی ادبیات فارسی - یهودی را به وجود آورده‌اند. افزون بر شش قرن (قرن چهاردهم تا بیستم) نویسنده‌گان، شاعران، مترجمان و مفسرانی ظهور کردند که برخی از آن‌ها از جایگاه



۴۶. خسرو و شیرین نظامی، ایران، قرن هفده و هجده، عکس از سورزان کاغذن، کتاب خانهٔ حوزه علمیهٔ یهودی، مینیاتور فوق، داستان زمانی است که اسب شیرین در سفر روی به بیستون به چاله افتاد. فرهاد، اسب را یلند کرد و برپشت خود، آن را به کاخ شیرین رساند.



۴۷. موسی نامه‌ی شاهین، جوهر و کاغذ، فارسی- یهودی، ۳/۱۷×۵/۹ سانتی متر، اصفهان، ۱۶۸۶. موزه‌ی اسراییل در اورشلیم، 107 MS 180/54 folio 226 و 227. نمادهای زندگی و گوسلالی زرین (گیتزرگ، نسل‌ها، جلد سوم، ۱۲۲-۱۲۳، و جلد ۶، صفحه ۲۲۷ و ۲۲۶). موسی گوسلالی ای زرین را که زنده به نظر می‌رسد سورازان که گفته می‌شود نمادهای زندگی هم در آن بیده می‌شوند. (آتش به طور عجیبی گستردۀ می‌نماید و اطراف صورت موسی را فراگرفته است. دود آتش از حاشیه‌ی بالایی متن، بیرون زده است. (سفر خروج باب، آیه‌ی ۲۲، گیتزرگ، افسانه‌ها، ۱۹۱۲، جلد سوم، صص ۱۲۰-۱۲۹) منبع: Moreen 1985: 45.

می خورد. خواجه بخارایی در کتاب منظوم فارسی - یهودی به نام دانیال نامه، به سبک حماسی هنرمنایی کرده است. بنا بر این کتاب، کوروش کبیر (سلطنت، ۵۲۰-۵۵۰ ق.م) که مورد ستایش منابع ادبی و دینی فارسی - یهودی قرار دارد، با داریوش «پادشاه عراق» (سلطنت ۴۸۶-۵۲۲ ق.م) معاصر بوده است. این دو پادشاه علیه بل شصر^۱، سلطان بابل که مردم اسراییل را در اسارت داشت، متعدد شدند. ارتش متعدد کوروش و داریوش فاتحانه به دروازه بابلی، که بل شصر در آن سنگر گرفته بود رسیدند.^۲

خواجه بخارایی نهایت قدرت تخیل و فن شاعری خود را برای بازتاب میان گستردگی این نبرد که به خاطر آزادی مردم اسراییل به دست کوروش صورت گرفت به کار برده است. وی با توجه به تخیل و استعارات حماسی فارسی و لیریک درباره کوروش و داریوش چنین می گوید:

نجم بخت ایشان گشت روشن

سما پهر مدد پوشید جوشن

زحل چون در پی زیستگری شد

خریدار آن دو شه را مشتری شد

به قصد خصم شان مربیخ خون ریز

همان دم بر میان زد خنجر تیز

ز مشرق شمس چون طاووس سرمست

بر آمد نیزه ها بکرفت در دست

زیخت و طالع خویش گشت ناجار

قمر بر حال ایشان را سپهدار

به ایشان زهره هم‌آهنگ گردید

به دشمن در مقام چنگ گردید

به قانون سوی - او گردند رو را

که با نیزینگ در چنگ آرد او را

۱. آخرین پادشاه بابل.

۲. این اشارات از نظر تاریخی نادرست است. همراه کردن کوروش و داریوش در حمله به بابل در زمرة شوخی های طب انجیز این کتاب است. (متترجم)

است اما سوخته نمی شود.^۳

در نگاه آزاد و شاعرانه شاهین، روایت فوق این گونه بیان می شود:

«موسی نامه»

شبی موسی قضایا بود در دشت
به گرد گوسمیندان گرد می گشت
گرفته روی عالم در سیاهی
زهیت می شدش دل را تباہی
سیه دیوی ز هر سو ایستاده
کمین بر خطه دوران گشاده
جهان چون راغ در ماتم نشسته
خرسون صبح را گردن شکسته
شده در خواب یک سر مرغ و ماهی
سیه دل بد شیخی اندر سیاهی
جهان گریان بُد و افلک خندان
نموده بر فلک سیاره دندان
بنی اندر میان دشت گردان
همی گردید گردش گوسمیندان
زنگاه گوسمینی چستش از پیش
روان شد از گله بر دشت پی خویش
جهان در دشت به تاریکی دوان شد
شتایان در پی اش بر دل روان شد
به دنبال اش چو لختی ره بپیمود
کلیم نامور خورشید موجود
بدیدش آتشی بر شد زنگاه
فراز تک درختی همچو خرگاه
و آن جا یک درختی چند دیگر
روان می رفتش آتش از برابر
کلیم حق چو دیدش آتش از دور
ندانستش حقیقت کان بود نور^۴

اغراق های عرفانی و فوق طبیعی در وصف
قهرمانان، مناظر و سرزمین های آرمانی
اشعار حماسی ایران در اشعار اکثر شاعران
تورات، تاریخ و اسطوره سرا نیز به چشم

۱. ترجمه ایین بخش، از کتاب عهد عتیق و عهد جدید،
جای انجمن کتاب مقدس ایران نقل شده است (متترجم).
2. Moreen 2000, 55-56.

موسی نامه

بُجُرْدَلُو سپندان گرد می کشت
زمینت می شدش ل اتابای
کمین رخاط دوران گشت ده
خرس ضبح راگزدن شدسته
سیدل بد شبی اند رسیای
نوده رنگت س تیاره و ندان
همی گردید گردش گو سپندان
روان شارک گردیدشت پی خوش
شتاباد پی اش پدل و ان شد
کلیم نامور خوشید موجو
فرار گشت رختی هرچو خراگاه
روان می فرش آتش از براز
نداشت حقیقت کان بود نور

شبی موسی قصار ابود در داشت
گرفته روی عالم در رسیای
سید دیوی زبره سوایستاده
جهان چون راغ درام نشسته
نشده در نواب یسر مرغ دهانی
جهان گریان بده و افلک خدا
نمی آند رسیای اشت گردان
زنگل گو سپندی حست اپشن
چنان داشت تاریخی و ایان شد
بدنالش چونچی ره پرسیمود
پدیدش آتشی بر شد زنگاه
وز آن جاید رختی چند گر
فیلم حق چو دیدش آتش از دو

شاهین

مضمونی در آیات «پیرک آوت» را در کارهای عمرانی می خوانیم. در فصل اول آیه چهارم «پیرک آوت» آمده است:

بوسه، پسر پوذر گفت:
بگذار خانه ات ما اوی داشمندان باشد، فرو
دست ایشان بنشین کلمات شان را با جان دل
بنیوش.

و همین مضمون را عمرانی در شعر خود چنین
آمده است:

ای عاقل و کامل و خردمند
 بشنو که ضرورت است این بند
 زین بند که جان از او شود شاد
 بشنو که شوی ز بند آزاد
 خواهی که شوی به فضل تعیم
 می باش مصاحب حاخامیم
 با اهل کمال همنشین باش
 در خانه خود میار مهمان
 جز اهل خرد، مکیر فرمان
 با مردم بی ادب میامیز
 از صحبت بی خرد پیرهیز
 چون در حرم حریم عاقل
 همراه شوی میباش کامل
 زتهار که خاک پای او باش
 خود رای مشو به رای او باش
 هر نکته که بشنوی ز عاقل
 بنویس و را تمام بر دل
 چون نشنه زمین در بهاران
 محتاج بشو به آب باران
 بشنو همه قول و پند ایشان
 تا جان بزی ز بند ایشان'

شاعران فارسی - یهودی تحت تأثیر ادبیات کلاسیک فارسی به خصوص شعر غنایی، اشعار متعدد لیریک خلق کرده‌اند و نیز در قالب اشعار حماسی، رمانتیک و اسطوره‌ای به حدیث نفس پرداخته‌اند. این شاعران در

1. Yeroushalmi 1995, 140-141.

عطارد نیز با ایشان قرین گشت
 به شکل سعد در یک خانه بنشست.

بیش تر آثار فارسی - یهودی مخصوصاً
 بلندترین شعرهای مجموعه‌های یهودی -
 فارسی شامل سبک‌ها و تفکرات ادبی مختلف
 است حتی در سبک‌های رساله‌های حماسی
 لیریک یا رمان‌های تاریخی از سبک‌ها و
 عناصری که به دسته‌ی دیگر شعر تعلق دارند
 استفاده شده است. ترکیب متناور عناصر
 ادبی در آثار فارسی - یهودی فراتر از ترکیب
 ساده آداب و رسوم و سنت‌هایی است که با
 سبک‌های شعری مختلف بیان شده‌اند. از آن
 جا که شاعران فارسی - یهودی شخصیت
 ترکیبی هنرمند، شاعر، اندیشمند و متفکر
 داشتند. انگیزه‌های تخیلی و هنری شاعرانه
 در گرایشات فلسفی و اخلاقی آن‌ها بروز
 می‌کرد و تمام اشعار از تعمقات فلسفی و
 اخلاقی بهره داشت. نویسندهان و شاعران
 فارسی - یهودی پیوسته در قالب آثار خود
 پیام‌های فلسفی و اخلاقی ارائه داده‌اند.
 بسیاری از آثار فارسی - یهودی در زمرةی
 ادبیات تعلیمی - که هدف اش روشنگری و
 هدایت خواننده به آموزه‌های دینی اخلاقی و
 فلسفی است - محسوب می‌شوند. عمرانی
 در سه اثر بزرگ اش جهت ارتقاء تفکر یهودی
 و بحث‌های اخلاقی و فلسفی می‌کوشد. بزرگ
 ترین اثر وی در زمینه‌ی ادبیات تعلیمی و
 عقلانی «کنج نامه» است که بر اساس نظرات
 فرزانگان از جمله فصل‌های «میشنائیک» و
 «کفته‌های بدران» شکل گرفته است:

در زیر نمونه‌ای از انتقال پیجیدگی‌های
 1. Netzer 1969, 63-64. 2. Moreen 2000,
 176-183, Yeroushalmi 1995, 43-89.
 3. Mishnaic. 4. Prike Avot.

غلطیم به هم دو روز و یک شب
من باشم و تو، تو باشی و من
تو راز مرا به کس نگویی
دنبال کس دگر نهیوی
بی رخصت من تو گل نبوی
من باشم و تو، تو باشی و من^۱

در پایان، با این که آثار ادبی یهودیان ایرانی، عمیقاً تحت تأثیر ادبیات کلاسیک ایرانی است، تعدادی آثار فارسی- یهودی به زبان عبری، اکثرآ در قالب شعرهای دینی و کلیساپی، وجود دارد که با حداقل تأثیر پذیری از درون مایه‌های فارسی منحصر به درون مایه‌های یهودی اختصاص دارد.^۲ آثار غیر شعری و غیر داستانی یهودیان ایرانی شامل متون تاریخی، وقایع نامه‌های تاریخ یهودیان ایرانی، و متون فلسفه، عرفان، توبه و مجادله‌اند.^۳

مفاهیم و صور مختلف شعری، بخش اصلی خلاقیت ادبی یهودیان ایرانی را تشکیل می‌دهد. با این که ادبیات فارسی- یهودی با مدرنیزاپیون فرهنگی و آموزشی قرن بیست ایران از بین رفت، جایگاه مرکزی و اصیل شعر نزد یهودیان ایران باقی ماند. هنوز شعر و حکایت‌های مسجع و غیره بخش اصلی زبان و ادبیات یهودیان ایران را تشکیل می‌دهد. یهودیان ایران جایگاه والا میراث خود را، که مبین ناب‌ترین احساسات شاعران خود می‌داند، فراموش نکرده‌اند.

1. Moreen 2000, 294-295.

2. Netzer 1985, 27 : Bacher 1901, 321.

3. Netzer 1973, 289 : 25 - 26, 47 - 44 : Moreen 223 - 26.

موضوع، نحوه بیان و استعارات شعرها و نثرهای خود، از زبان و بیان لیریک شعرهای کلاسیک قرن چهاردهم پیروی می‌کردند.^۴ سعدی و حافظ شاعران لیریک سرای ایرانی و آثار پرجسته شان از جایگاه والا بی در میان شاعران لیریک سرای فارسی پرخوردار بوده است. از میان سبک‌های شعری ایرانی، غزل که حدود هفت تا دوازده بیت است، همپایه‌ی شعر عاشقانه و بزمی غربی است و به موضوعات زمینی مثل عشق انسانی، زیبایی طبیعی و مذهبی عقل به عنوان سمبول‌های صوفیانه و عارفانه اشاره دارد، به شدت جلب توجه می‌کند. «آمینا»، شاعر قرن هفدهم و هجدهم شعرهای کوتاه فارسی و عبری زیادی دارد که ضمن آن‌ها به مسایل کلیساپی می‌پردازد، اما در سایر اشعار به خصوص اشعار لیریک عاطفی و عاشقانه‌اش به افراد، موضوعات غیر دینی و شخصی را مورد توجه قرار می‌دهد.^۵

غزل زیر از او، به نام «خواهم بروم به سیر کلشن» متأثر از لیریک‌های کهن فارسی است.

خواهم بروم به سیر کلشن
من باشم و تو، تو باشی، و من
بر روی رقبب و رغم دشمن
من باشم و تو، تو باشی، و من
در سایه ارغوان نشینیم
رخساره یکدیگر ببینیم
با کام و مراد کل بجینیم
من باشم و تو، تو باشی، و من
یک بوسه زتم به زیر غیبب
دیگر دو بوسه و سه بر لب

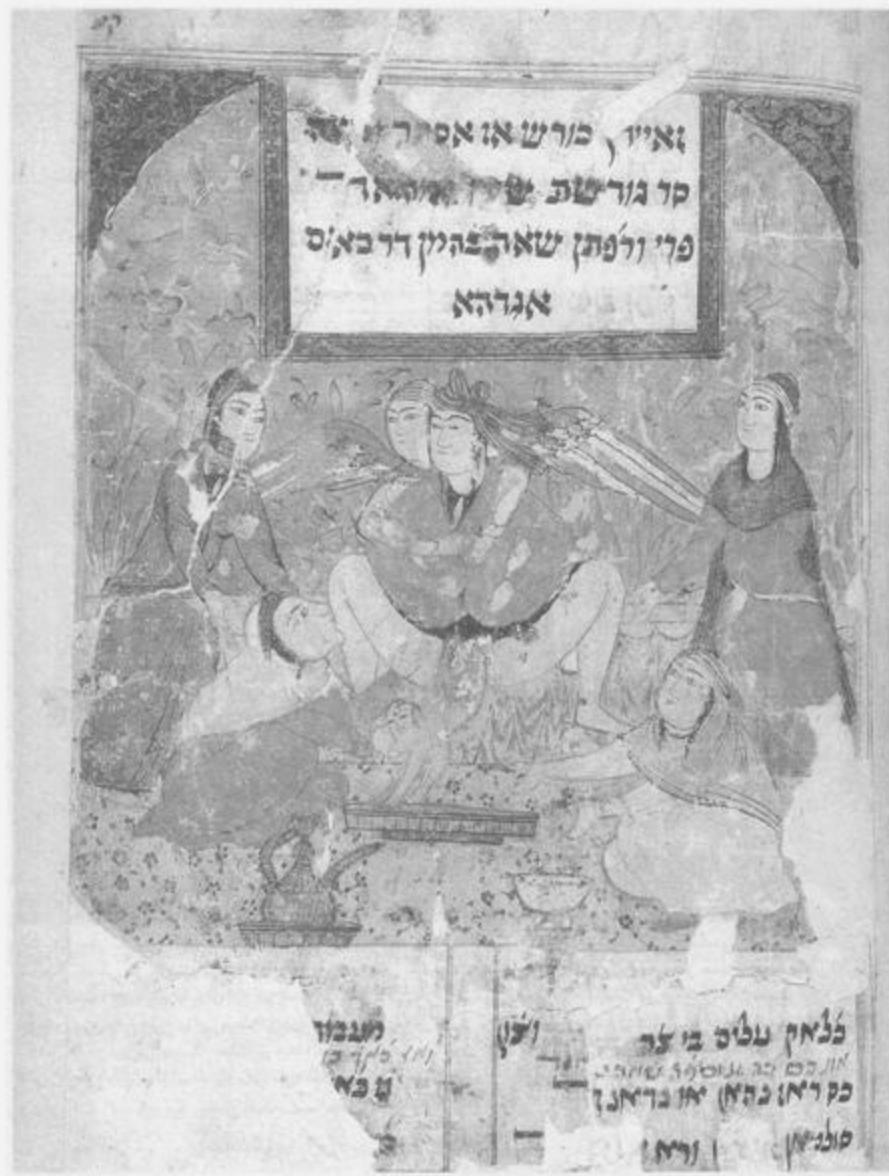
Moreen 2000, 293-300; Yeroushalmi 1995, 40-. ۱
41: در باب گسترش شعر لیریک فارسی مovid
۱۶۰ - ۱۴۴ صص ۱۹۸۸

2. Amina.

3. Netzer 1985, 37 : Moreen 2000, 220.



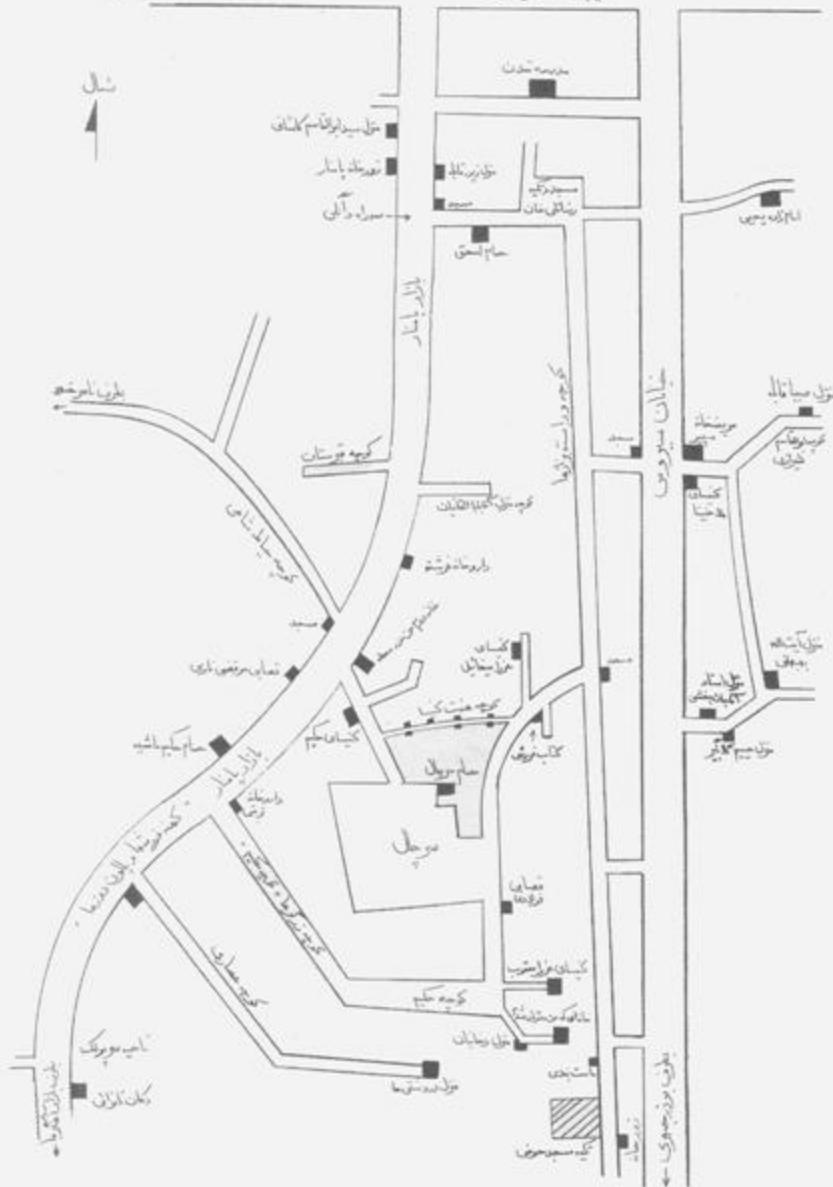
۴۹. اردشیرنامه‌ی شاهین، ایران، قرن هفدهم. عکس از سوزان کافمن، کتاب خانه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی یهودی، حرم شاه اردشیر، رقصان و همسران اش.

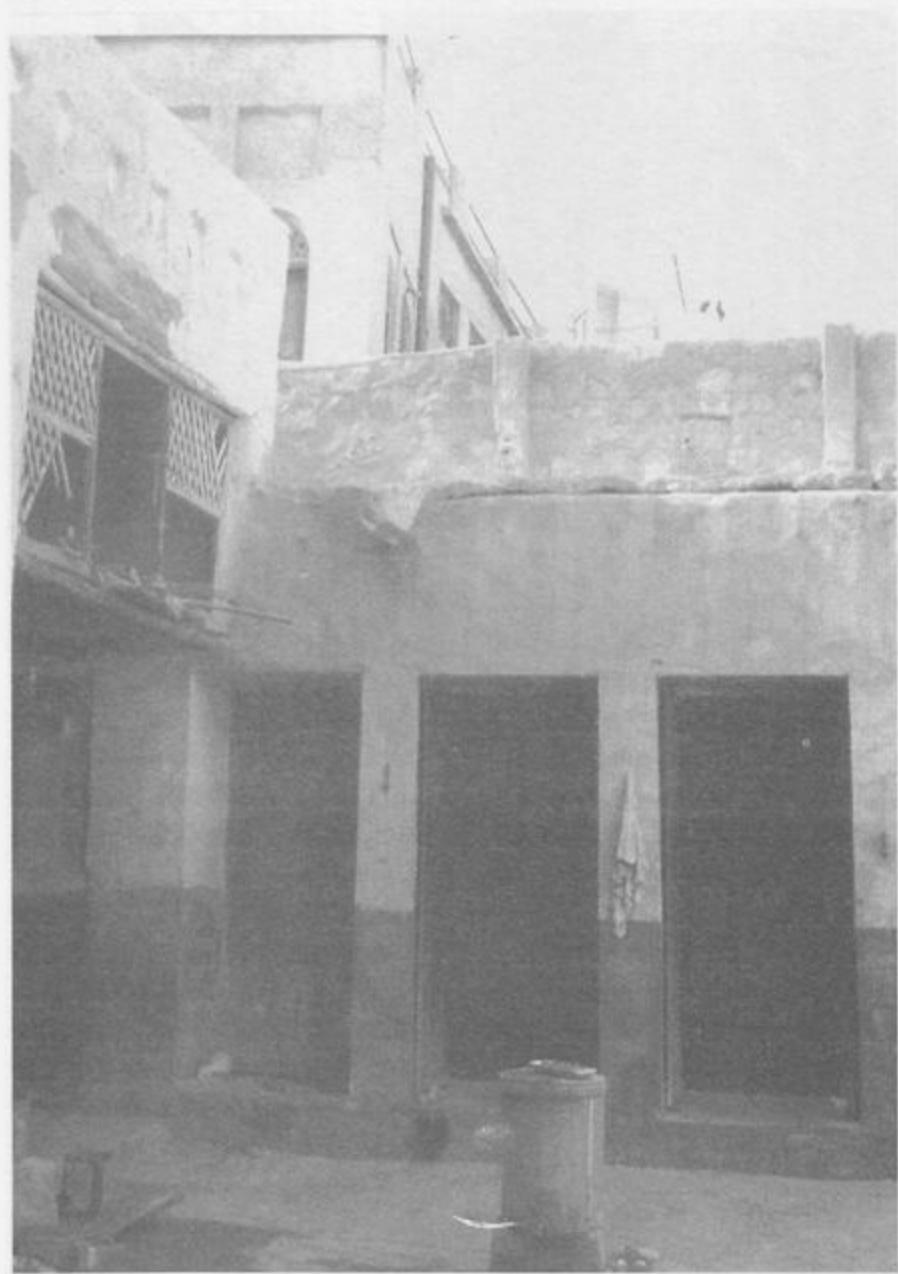


۵. اردشیرنامه‌ی شاهین، ایران، قرن هفدهم، عکس از سوژان کالفن، کتاب خانه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی یهودی، Ms8270, folio 154r، استر کورش کبیر فرزند شاه اردشیر را می‌ذاید (!!!). بنابر تورات استر و اردشیر نقش مهمی در نجات یهودیان ایرانی از قتل عام هامان ایفا کرده‌اند. شاهین کوشیده اهمیت استر را (البته به طور ساختگی) با بیان این که وی به همسری شاهان ایرانی درآمد و مادر کوروش فاتح بابل و کسی که معبد دوم را بیازسازی کرد، گوشزد می‌کند (!!!). (Taylor 1995, 43).

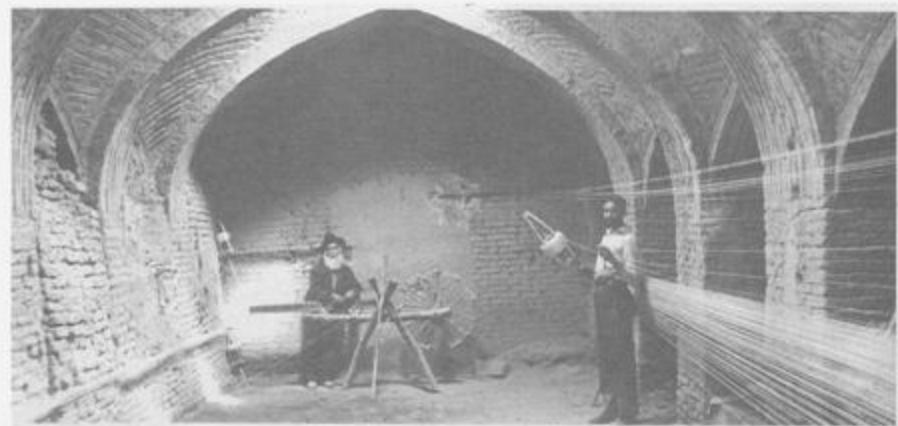
حملہ چراغ برق

مطابع دار





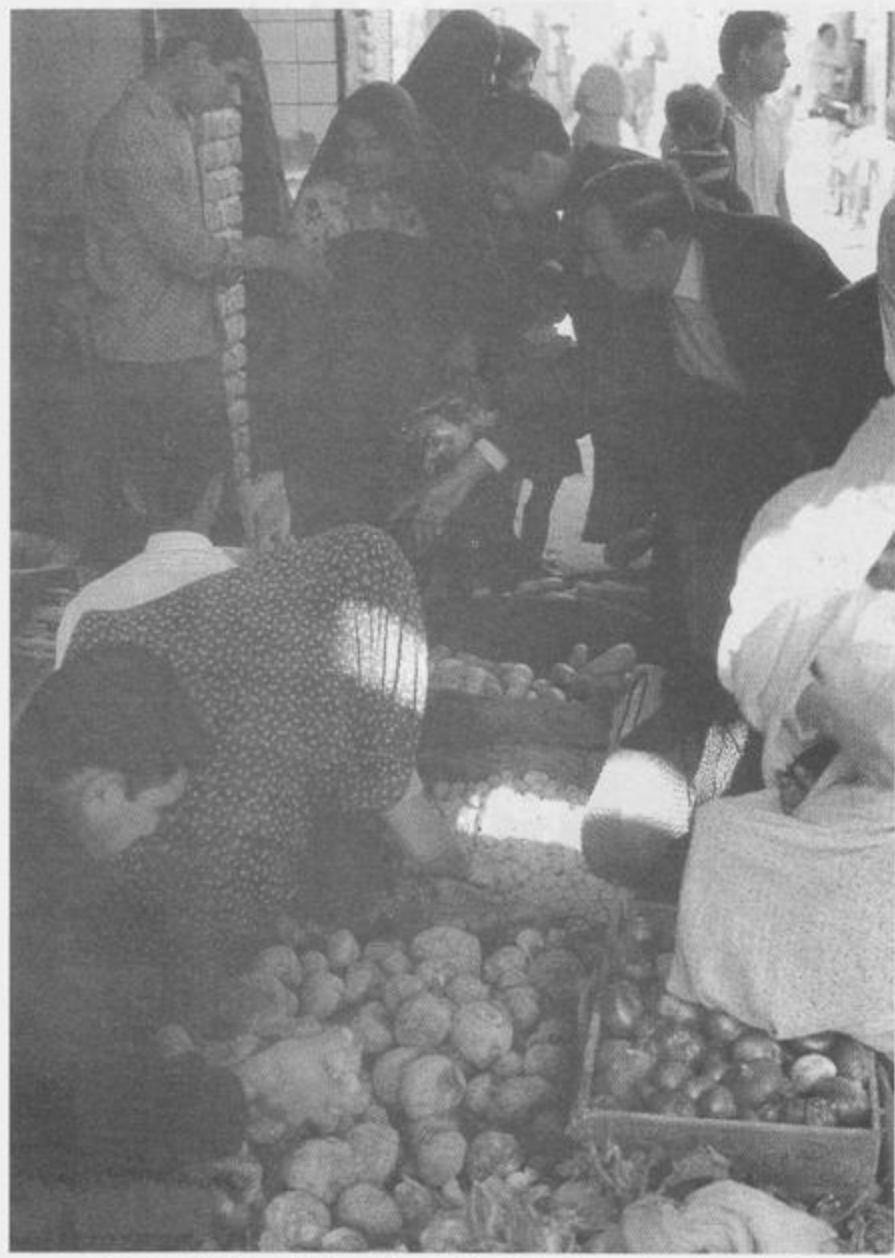
۶۲. خانه‌ی یک یهودی در بوشهر، سال ۱۹۶۸



۶۴. کارگاه نخ ریسی ملا شیمون در جویباره.



۶۵. کاری های ایستاده در محله ی جویباره ای اصفهان.



۷۶. سبزی فروشی محله‌ی یهودیان، شیراز، و زستان یهودی که به سان زنان مسلمان چادر به سر دارند.



۷۹. حاج غلامحسین حکیم و دوستان، مشهد، سال ۱۹۰۰ م.

فصل پازدهم آنوسی‌های مشهد

زاله بیرنظر

باز گردند ولی یهودیان مشهد از این حق محروم شدند و تغییر دین اجباری آنان، هیچ کاه رسماً ملغی نشد. الله داد، در تاریخ ایران، آخرین نمونه از تغییر کسترده و اجباری دین در میان یهودیان ایران بود، زیرا از آن پس با مداخله‌ی یهودیان غربی در اوآخر قرن نوزدهم و با بی‌کیری نهضت‌های آلیانس اسرائیل در ایران (۱۸۹۸م) وضعیت یهودیان بهبود یافت و تاسال‌ها پس از انقلاب مشروطه (۱۹۰۶-۱۹۱۱م) هیچ تغییر دین اجباری وسیعی مانند «الله داد» در ایران روی نداد. جمعیت تازه مسلمان مشهد تنها جمعیت رسمی یهودی در خراسان است و اینک خلاصه‌ای از «الله داد» و جامعه‌ی تازه مسلمان مشهد.

موقعیت یهودیان مشهد در سال‌های ۱۷۴۷-۱۷۶۰م

با این که موقعیت اصلی یهودیان در مشهد کاملاً معلوم نیست، شواهد شفاهی و محلی حاکی از آن است که اولین گروه یهودیان در قرن هجدهم توسط نادرشاه افشار (۱۷۴۷-۱۷۲۶م) از قزوین به مشهد منتقل شده‌اند. نادرشاه پس از غلبه بر افغان‌ها و تسخیر دهلی، ابتدا پایتخت ایران را از اصفهان به مشهد منتقل کرد و سپس هزاران نفر از عوامل و سربازان خود را از سراسر کشور به خراسان ایران آورد. بدین ترتیب مرزهای شرقی کشور علیه حمله‌ی مهاجمین آماده و تقویت شد. در میان نیروهای نادرشاه حدود چهل خانواده یهودی قزوینی وجود داشتند که در اصل از شمال کشور (کیلان) به قزوین برده شده بودند. علاوه بر سیاست تغییر مکان، بنا بر شواهد محلی نادرشاه به دلایل

سرگذشت جامعه‌ی یهودی مشهد، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ اخیر ایران دارد. این حکایت از آن جا آغاز می‌شود که در بیست و ششم مارس ۱۸۳۹م، که به روز الله داد، مشهور شده، جمعیت یهودی مشهد اجباراً به دین اسلام درآمدند، هر چند که تا قرن بعد هم، علی‌رغم تغییر ظاهری دین خود، در خفا به یهودیت وفادار ماندند. ایشان در مساجد و انتظار عمومی به انجام فرایض اسلامی تظاهر می‌کردند و در کنیسه‌های زیرزمینی و مخفی خود، مشتاقانه به عبادت و ستایش یهود می‌پرداختند. البته تغییر دین اجباری یهودیان مشهد به خودی خود پدیده‌ی مهمی در تاریخ ایران محسوب نمی‌شود. پیش از «الله داد» نیز برخی از یهودیان نقاط مختلف ایران به اجبار تغییر دین داده بوده‌اند. گزارش‌های مفصلی از اعمال فشارهای دینی دوره‌ی صفویه در وقایع نامه‌های بابای بن لطف و نوه‌اش بابای بن فرهاد به خط فارسی - یهودی به چشم می‌خورد، اما وجه تمايز واقعه‌ی مشهد، تغییر سیاست دینی و حکومتی درباره‌ی یهودیان تازه مسلمان بود. پیش‌تر تازه مسلمانان حق داشتند بار دیگر به دین یهود



۸. نقشه شمال ایران، مرزهای ترکمنستان و افغانستان با ایران.

دینی بودند، پیش گرفتند و در محله‌ی عیدگاه سکنی کریزیدند. این محل از زردهشتی هایی که قصد داشتند از بی مهری های مردم دور باشند خردباری شده بود، که به سرعت نام محله یهودی ها به خود گرفت و علی رغم نامهربانی جمعیت شیعه‌ی شهر رونق گرفت. یهودیان مشهد سازمان های عمومی، مدارس دینی، کنیسه‌ها، حمام های عمومی، مغازه و قبرستان ساختند.

با شکوفایی سیاسی و اقتصادی مشهد، ساکنان یهودی آن از موقعیت های استثنایی سود برداشتند و در تولید و تجارت ابریشم شرکت کردند که پیش از سفر به قزوین در گیلان با آن آشنا شده بودند و سپس به تجارت الیاف

نامعلومی به این یهودیان اعتماد کرد و آن ها را به کلات، حدود ۵۰ مایلی شمال مشهد، بزد تا از اموال و سنجک های قیمتی که طی فتح هند (۱۷۴۰م) به ایران آورده بود، محافظت کنند. مذهب سنتی شاه، بی اعتمادی او به جمیعت شیعه‌ی مشهد و تمایل اش به استفاده از نیروهای مختلف دینی، محرك او به اتخاذ چنین تصمیمی بود. نادرشاه در ۱۷۴۷م، پیش از آن که تمام خانواده های یهودی به مشهد برسند، کشته شد.

بعد های یهودیان به مشهد و کلات رسیدند. مردم کلات آن ها را نهیز گرفتند و مورد بی مهری قرار دادند. لاجرم برخی از آن ها راه هرات افغانستان را، که جمیعت سنتی آن پذیرایی اقلیت های



۸۱. مقبره‌ی قدیمی تادرشاه افشار، مشهد.

مشهد گروه‌هایی را علیه یهودیان، زردشتی‌ها و صوفی‌ها تحریک کردند و خواستار اسلام آوردن آن‌ها شدند. یهودیان مشهد علی‌رغم مصیبیت‌های بسیار، حادثه‌را از سر گذراندند و با تقویت روابط گروهی، به مراکز تجاری شهرهای اطراف راه یافتند و بر شرایط نامناسب زندگی، که هنوز نسبت به شرایط زندگی در شهرهای دیگر ایران بهتر بود، فایق آمدند و براساس شعر عرفانی خاخام ملا سیمان توف ملامد، جمعیت یهودی مشهد به زندگی فرهنگی و تحصیلی مناسبی رسیدند. کتاب «حیات الروح» ملا ملامد که در بخارا به چاپ رسیده، یک متن دینی-فلسفی است که به تعلیم سیزده مقاله‌ی ایمان ابن میمون می‌پردازد. این کتاب، شور عرفانی ملامد را آشکار می‌کند. دومین کتاب وی «بخدش

پنه، منسوجات و دیگر اقلام پرداختند. با کسترش فعالیت تجار انگلیسی و واردات کالا به مشهد و افزایش فعالیت‌های آن‌ها در منطقه و با التفات خاص انگلیسی‌ها به هندیان، دروازه‌های تجاری و اقتصادی برای یهودیان مشهد، که اینکسر تجارت خارج از مشهد نیز فعال شده بودند، گشوده شد.

تاسال ۱۷۷۰ م پس از قحطی یزد، خانواده‌های یهودی بیشتری به مشهد مهاجرت کردند. بعد ازاهمی کاشان و لار هم به آن‌ها پیوستند. در نتیجه با آغاز قرن نوزدهم زندگی جداگانه‌ی جمعیت یهودی در میان اکثریت شیعه‌ی متعصب مشهد آغاز شد و تعصب و دشمنی شیعیان مشهد علیه غیر مسلمان‌ها ابعاد کوناکونی گرفت. طی اوآخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، رهبران دینی مسلمانان



۸۲. خانواده‌ی ملا‌آقا لطف‌الله، روسیه، ۱۹۲۰. پس از ماجراهای الله داد، برخی از خانواده‌های یهودی مشهد برای حفاظت خوبیش از آزارها به روسیه گریختند.



۸۲. گروهی از مشهدی‌ها در شیراز، سال ۱۹۳۰.

روز عاشورا، سال روز شهادت امام حسین (ع) و هنگام سوگوارای شیعیان است. دهم ذی الحجه، روز عید قربان و سال گرد قربانی شدن اسماعیل توسط ابراهیم (ع) از دیگر اعیاد و روزهای مقدس مسلمانان است. برخی منابع «الله داد» را مصادف با عاشورا و برخی دیگر آن را مصادف با عید قربان می‌دانند.^۱ ماجرا به این صورت نقل شده است که گویا در این روز، زنی یهودی که دست اش از زخم جذام فاسد شده بود، نزد طبیب مسلمانی رفته است. طبیب از وی خواسته برای شفای دردش سکی را بکشد و دست اش را در خون گرم و تازه‌ی شکم سگ شست و شو دهد. یهودیان و مسلمانان ایران این روش را مرهم

Reza Qoli Hedayat, Netzer 1982, ALeyv 1999, ۱ Patai, Wolfe 1843, Lord Dilmanian ۱۹۸۲-۱۹۸۲ Curzon

Hashishi^۲، شامل ۳۷۰ قطعه شعر فارسی و عبری بعدهادر ۱۸۹۶ م در اورشلیم به چاب رسید^۳. بنابر مدارک فارسی و عبری، یهودیان منطقه با محافل صوفی شد ارتباط داشته و علاقه‌ی وافری به اشعار عرفانی حافظ، رومی و سایر متفکران اسلامی اظهار داشتند.

الله داد^۴

مشهد، نمودار و سمبل مکان‌های مقدس و ارزشمند شیعیان ایران است. راثران مسلمان به قصد زیارت حرم امام هشتم، امام رضا (ع) روانه این شهر مقدس می‌شوند. دهم محرم،

1. Behkodesh Hashishi. 2. Dilmanian 1997, 17-18. ۳. در این بخش، توضیحاتی درباره‌ی عاشورا و محرم آمده بود و از آن جا که تکرار کامل آن برای خواننده ایرانی ضرور نبود، به طور خلاصه ترجمه شد. (ترجم)

خود با تقسیر کلمه‌ی «داد» به «عدالت» آن روز را روز کیفر کناهان جامعه‌ی یهودی تلقی کردند.

مطالعات در زمینه‌ی پیشینه‌ی اجتماعی و اقتصادی این ماجرا، حاکی از آن است که این حمله از نشانه‌های تعصّب دینی غالب قرن نوزدهم علیه یهودیان بوده است. در ۱۸۳۹ م، سپاه محمدشاه قاجار ضعیف شد و از عهده فتح هرات و بخش‌هایی از افغانستان برنيامد. پس شاه از محاصره‌ی سه ساله‌ی هرات دست کشید و به مرزهای ایرانی خراسان بازگشت. نقشه‌ی اصلی حمله از طرف روسیه‌ی تزاری در قرن نوزدهم و به قصد نفوذ در آسیای مرکزی طرح شده بود. بریتانیای کبیر، قدرت دیگر منطقه، مخالف نفوذ قوای ایرانی در مرزهای افغانستان بود و از آن جاکه حضور روسیه در مرزهای هند را، تهدیدی جدی برای منافع خود در هندوستان محسوب می‌کرد، برای برگرداندن نیروهای نظامی به جنوب ایران حمله کرد.

اواسط مارس ۱۸۳۹ م، شاه شکست خورده ایران عقب نشینی کرد و موقتاً در مشهد اردو زد و ۲۱ مارس، نوروز ایرانی را، به جای جشن همیشگی، روز عزای ملی اعلام کرد. سربازان عقب نشسته‌ی ایرانی که ماه‌ها و حتی سال‌ها حقوقی دریافت نکرده بودند، خسته و سرگردان به قصد پیدا کردن غذا، به روستاهای اطراف حمله می‌کردند. حضور این سربازان در گسترش بلواهی «الله داد» بسیار مؤثر بود. سرانجام محله در بیست و شش مارس مورد حمله قرار گرفت^۱. و از آن پس جمعیت ۲۴۰۰ نفره‌ی یهودی مشهد که در ۴۰۰ خانواده جمع بودند، تا سال‌های پس

1. A. Levy 1998, 6, 60-107.

بسیاری رخمهای وحیم از جمله رخم جذام می‌دانسته‌اند. زن یهودی که ساکن محله‌ی یهودیان مشهد بود، اطاعت می‌کند. مسلمانان از شنیدن این خبر خشمگین شدند زیرا گمان کردند که ذبح سگ در آن روز مقدس به معنای تمسخر قریانی و فرهنگ ذبح در اسلام است و از آن جاکه سگ در اسلام مظہر نجاست و ناپاکی است، شیعیان این عمل را توهینی مسلم به دین اسلام می‌شمارند و شدیداً به خشم می‌آیند.

طی سه روز بعد، این شایعه موجب سرریز عصبیت عمومی غیرقابل کنترلی شد. روز شنبه، جمعیت خشمگین به ساکنان « محله » حمله کردند. کنیسه را آتش زدند و تورات و سایر اشیاء مقدس را نابود کردند. سپس به خانه‌ها و صاحبان شان حمله کرده اثاثیه را به یغما برداشتند و دختران جوان را ربودند^۲ و به نقل از عزاریا لیوی، دو تن از شش دختری که به خانه‌ی امام جمعه برده شدند، به عقد وی درآمدند^۳ و در این ماجرا سی تا چهل یهودی کشته شدند.

رهبران دینی یهودی برای مصون ماندن دیگران از آزار و مرگ، به ایشان دستور دادند مسلمان شوند. ایشان پذیرفتند، برای قرانت شهادتین به خانه‌ی امام جمعه برده شدند و اسامی عبری آن‌ها به اسامی اسلامی بدل شد و نزد مجتهد، که مراسم تغییر دین را اجرا می‌کرد، رسماً به دین اسلام درآمدند. مجتهدین مشهد آن روز را «الله داد» نامیدند، زیرا تصور می‌شد آن روز برای یهودیانی که به اسلام ایمان آورده و مسلمانانی که آن‌ها را به اسلام ترغیب کرده بودند روز میمون و از ایام التفات خداوند بوده است. یهودیان هم به نوبه

2. Dilmanian 24-25.

2. A. Levy 1998, 40.



۸۴. سه جوان مشهدی، مشهد.



۸۶. ملامحمد تقی لبی و خانواده، مشهد، سال ۱۹۰۵.



۸۵. خانواده‌ی لبیان، مشهد.

۸۷. موسی نصراللهیان و خانواده، مشهد، سال ۱۹۳۰.





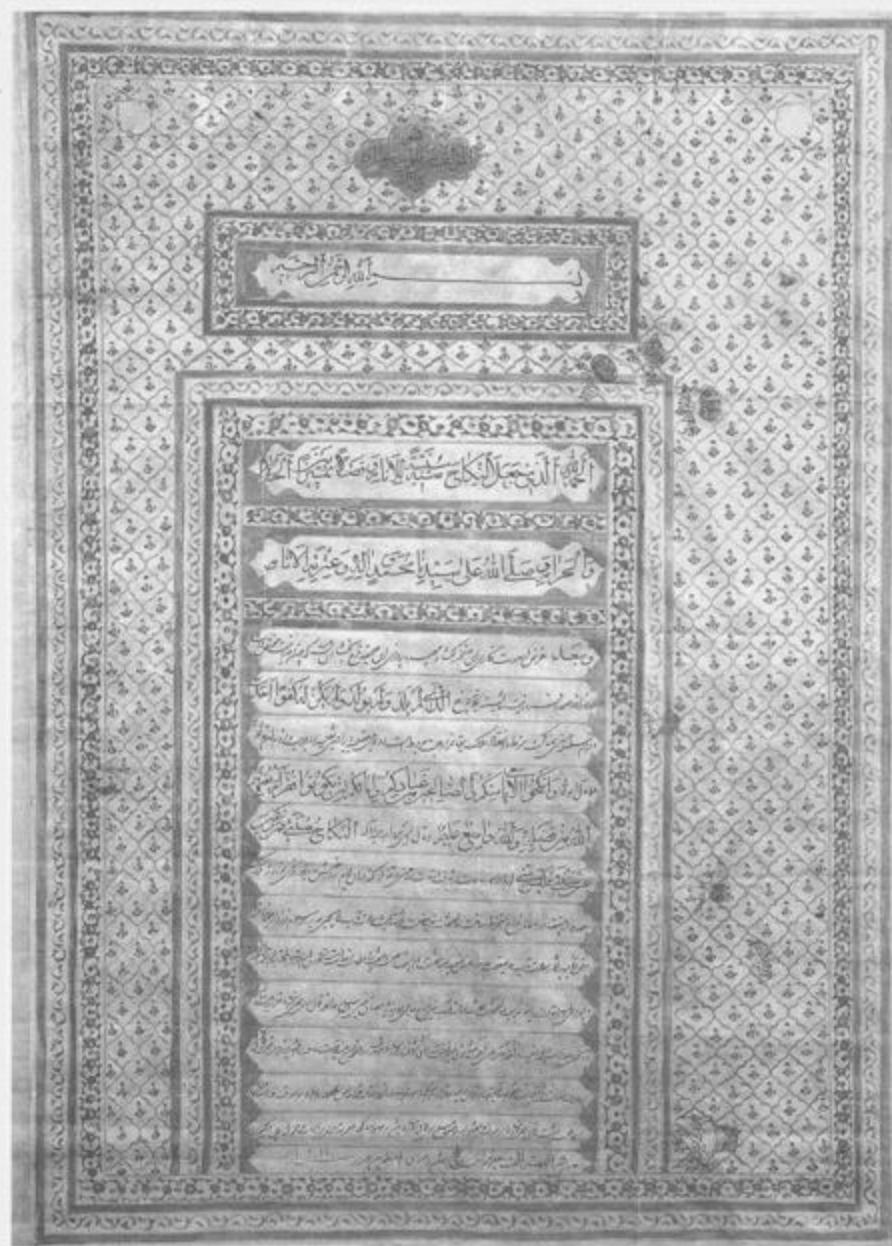
کردن بندی که امام جمعه‌ی مشهد در روز الله داد به یک دختر جوان به نام حنا داد. مشهد، ۱۸۳۹ م. حتاًز دختران زیبایی بود که در ماجرای الله داد به خانه امام جمعه مشهد برده شد. این کردن بند راهبه کرفت و اینکه آن ارشیه به یکی از نوادگان حنا رسیده است.

جنبه‌های زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داد. برخی از آنان برای حداقل‌تر ظاهر سازی، به زیارت کعبه هم رفتند و پس از حاجی شدن، در راه بازگشت از مکه، از اسکندریه به یافا و سپس به اورشلیم رفته، در کنار دیوار غربی هم نماز می‌گزارند و بار دیگر از آن‌جا به قبة‌الاخضر^۱ رفته و به نماز گزاران مسلمان می‌پیوستند.^۲

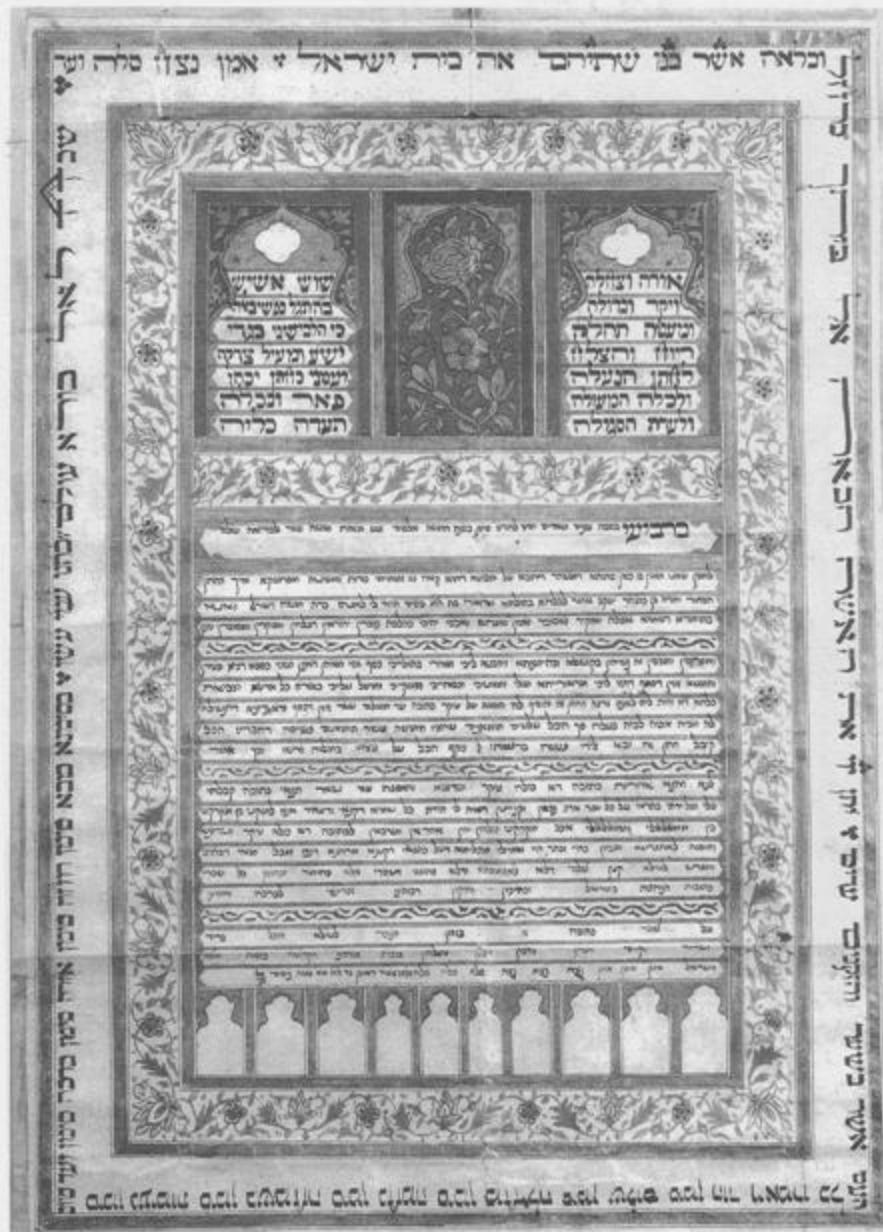
این دوروبی، برای یهودیان آنوسی مشهد اهمیت حیاتی داشت، زیرا ارتداد در اسلام مجازات مرگ دریی داشت. پس اعمال ظاهیری جدید اسلام‌ها نوعی پیش‌گیری دربرابر همسایگان فضول، متعصب و شکاک و استقطاق امام جمعه و دیگر رهبران مذهبی بود. یهودیان مجبور بودند بر اثر فشارهای متعدد برای بیان دل بریدگی از دین یهود، در انتظار عمومی غذاهایی را بخورند که در دین یهود منوع شده است. در ضمن همیشه از سوی خاخام‌ها تحت نظر بودند تا معلوم شود

از تغییر دین، وجود رسمی نداشتند. برخی خانواده‌ها از مشهد گریختند و به هرات در افغانستان رفتند و در آن جا میراث یهودی و فرهنگ و رسوم ایرانی و لهجه‌ی گلکی خود را حفظ کردند. برخی راه هند در پیش گرفتند و بقیه به تاجران موفق مرو و بخارا بدل شدند. اما برخی از آن‌ها هم به شهرهای دیگر ایران از جمله کرمانشاه و شیراز کوچ کردند و در آن‌جا به جوامع یهودی دیگر پیوستند. آن‌ها که در مشهد باقی ماندند به نام «جدید الاسلام» معروف شدند. اسلام آوردن برخی از این کروه واقعی بود و کم کم در جامعه‌ی مسلمان مشهد مستحیل شدند و نام‌های جدیدی از جمله دین محمد، دوست محمد، فیض محمد، مرتضی و غیره انتخاب کردند. امروزه نوادگان این خانواده‌های یهودی در مشهد زندگی می‌کنند.

پیش‌تر جدیدی‌ها به نام‌های لطف الله و عبدالله، یهودی مخفی، مسلمان ماراتوس یا آنوسی خوانده می‌شدند، که این آخری یک کلمه‌ی عبری برای یهودیانی است که به زور و علی‌الظاهر تغییر دین داده‌اند. زندگی آنوسی وار مشکلات فراوانی داشت چرا که آنوسی‌ها به رعایت تمایز میان ماهیت ظاهری مسلمانان و شخصیت مخفی یهودی خود ناگزیر بودند. آنوسی‌های مشهد در انظار عمومی به انجام فرایض اسلامی می‌پرداختند و در خلوت و کنج خانه‌های خود به سنت‌های عادی یهودی پای بند بودند. جمیع‌ها به مسجد می‌رفتند، موعظه‌های مسلمانان را فرا می‌گرفتند و دعاهای عربی را قرائت می‌کردند، اما همزمان به مراسم کنشتی و سبتي خود می‌پرداختند. این جامعه که ظاهری مسلمان داشت، در



۸۹. قیاله ازدواج، مشهد، ۱۸۵۲م (۱۲۸۰هجری)، کاغذ واتر مارک، قاب بندی شده، ۳۷×۲۵، عکس از علی سردار.
مجموعه‌ی یعقوب مردخاری، داماد آقا یحیی پسر ملا یعقوب، عروس، مروارید دختر حاج علی.



۹۰. کتبیه، مشهد، ۱۸۳۵ (ابرار ۵۱۳ تقویم یهودی)، کاغذ واتر مارک، با جوهر، کادر یمنی شده، ۲۱×۲۹، عکس از علی سردار، مجموعه‌ی یعقوب مردختای، داماد، یهودا پسر یعقوب و عروس، مروارید دفتر نسیم.

کار این بود که در روزهای تعطیل یهودی یا سبت، آنوسی‌ها مغازه‌های خود را باز می‌کردند ولی چنان قیمت‌های سرسام آوری به مشتری می‌دادند تا از خرید منصرف شود. اگر اجباراً خرید و فروشی انجام می‌گرفت پول حاصل از آن را به کنیسه یا جامعه‌ی یهودیان، که همیشه نیازمند کمک‌های مالی بود اهدا می‌کردند.¹ دختران یهودی در سنین پایین به سایر جدیدالاسلام‌ها شوهر داده می‌شدند تا خواستگاران مسلمان به طلب ایشان نیایند². حتی دختران یهودی از بدو تولد برای ازدواج با پسران یهودی نشان می‌شدند. از آن جا که چنین رسمی میان مسلمانان هم رایج بود، شک آن‌ها برینمی نگیخت. در هنگام ازدواج هم، دو مراسم مختلف برگزار می‌کردند: یکی بر اساس قوانین اسلامی و دیگری به طور مخفی و به سنت یهودیان اجرامی شد.³ بنا بر این دو سند ازدواج تنظیم می‌شد، یکی سند یهودی «کتبه»⁴ به زبان و تقویم عبری و شامل اسامی عبری عروس و داماد و دیگری قبایل‌ی اسلامی، با آیات عربی قرآن و بر اساس سال هجری و با اسامی اسلامی عروس و داماد. جالب این که در قبایل‌ی اسلامی، صراحتاً از تغییر دین و هویت قومی عروس و داماد سخن گفته می‌شد. جالب این بود که آیه‌های قرآن به عربی، جزئیات شناسنامه‌ای مزدوجین به فارسی از آن جا که بیشتر آنوسی‌ها فقط به زبان عبری آشنا بودند، امضای شاهدان در زیر این استناد به عربی بود.

مراسم تدفین آنوسی‌های مشهد نیز تحت تأثیر این هویت دوگانه قرار داشت. جسد یهودی‌ها،

1. Patai 1983, 200.

2. Patai 1983, 200. عکس ۱۲۴۹، ۲۲۱.

3. Patai 1983, 200.

4. Ketubbah.

آیا روزه‌ی یوم کیپور را به جای می‌آورند یا خبر و چنین بود که مرکز اجرای قوانین دینی، از کنیسه به خانه‌های آنوسی‌ها منتقل شده بود. گوشتی که از قصابی‌های مسلمانان می‌گرفتند، باز هم برای ظاهرسازی بیشتر به فقیران می‌دادند، ولی شب‌ها در خانه‌های شان، گوسفند را ذبح یهودی می‌کردند و گوشت آن را شبانه به خانه‌های دیگر یهودیان آنوسی می‌فرستادند.

زنان جدیدالاسلام‌ها در پاسداری از ایمان اجدادی خود نقش تعیین کننده‌ای داشتند و عوامل متعددی در این ایقای نقش به آن‌ها کمک می‌کرد. نخست آن که زنان ایران از ظاهر شدن در جامعه منع شده بودند، پس زنان یهودی تا حدودی از تعقیبات انتظار عمومی پنهان می‌ماندند، تا دور از مشغله‌های عمومی در فضای پرتعصب شیعی، به انجام فرایض دینی و آشنا سازی نسل جوان با میراث یهودی اجدادشان مشغول شوند. معماری خانه‌های سنتی ایرانی، زنان را از فضای خارج جدا می‌کرد. زیرا خانه‌ها به صورت واحدهای بسته با حیاط داخلی که از خارج دید نداشت ساخته می‌شد⁵ و به زنان یهودی اجازه می‌داد که سال‌ها پس از الله‌داد، در کنج خانه‌های خود، آزادانه به اجرای مراسم یهودی خود ادامه دهند.

غذا و دعا تنها دوگانگی برقرار در زندگی آنوسی‌های مشهد نیود آن‌ها در دعوهای محلی هم، ابتداء مطابق فتواهای سنت و قوانین اسلامی اختلافات را حل و فصل می‌کردند، اما حکم نهایی درباره‌ی دعواها را دادگاه‌های مخفی یهودی صادر می‌کرد.

از دیگر شکردهای آنان در عرصه‌ی کسب و

1. Patai 1997, 78.



۹۸. جشن تولد، خانواده‌ی رمضانف، مشهد، ۱۹۳۱.

می‌کوشیدند ماهیت یهودی خود را مخفی کنند، کسب دانش غربی و مدرن از ضروریات زندگی آن‌ها محسوب می‌شد. در اوایل قرن نوزدهم آلیانس اسرائیل پیشنهاد کرد مدرسه‌ای یهودی در مشهد تأسیس شود. اما سران جامعه از ترس فاش شدن ماهیت یهودی شاگردان و خانواده‌ها این پیشنهاد را رد کردند. بنابراین یهودیان مشهد و چند نسل پس از آن‌ها از بیم شناسایی و آزار، تا نیمه اول قرن بیستم، نسبت به سایر یهودیان سراسر کشور در رده‌های پایین تر آمورزشی قرار داشتند. ترس از شناسایی، تمام ابعاد زندگی و وجود آنوسی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داد. علی‌رغم تهدیدها و شرایط نامطلوبی که همسایکان متعصب ایجاد می‌کردند یا غوغاهای کاه و بی‌کاه و جاسوسی خبر

با مراقبت کامل، که شاهد مسلمانی ناظر نباشد، در خانه به روش یهودی شسته و با کفن‌های یهودی دفن می‌شد. روزها که مسلمانان هم برای بازدید از خانواده‌ی متوفی به خانه‌ها می‌آمدند، دعاهای اسلامی و قرآن تلاوت می‌شد و شب‌ها که غریب‌های‌ها می‌رفتند مراسم و اذکار یهودی قدیش¹ قراثت و اجراء می‌شد. تا دو دهه پس از الله داد، آموزش یهودی صورت نمی‌گرفت. از آن پس پسر بچه‌های یهودی پس از تحصیل قرآن در مدارس مسلمانان، به مدارس مخفیانه‌ی یهودی می‌رفتند و تورات می‌آموختند. دختران به طور کلی و پسران زیر یازده سال که به راز داری آنان اطمینان نبود، از تحصیل محروم می‌شدند. علی‌رغم این که یهودیان



۹۹. محمد ابراهیم رحمانی و خانواده، مشهد، ۱۹۲۵.

نخواهند کرد. طی سال‌های پس از جنگ، یهودیان آتوسی از مشهد به تهران یا اورشلیم رفتند. به طوری که در ۱۹۵۰ م کمتر از دوازده خانواده در مشهد باقی ماند. روند زندگی صد ساله‌ی دو کانه و رنج آور در مشهد، زندگی روزمره‌ی یهودیان باقی مانده را متأثر کرده بود و روابط خانوادگی، مراسم ازدواج، دفن و سوکواری، مشاغل، تجارت و دیگر ضروریات زندگی، همگی تحت تأثیر بودند. درین میان معماری خاص خانه‌ها، که مثلاً در آن‌ها پنجره‌ها به حیاط باز می‌شوند و شمع‌های روشن سبیت از بیرون دیده نمی‌شد، در شکل دهی طبیعت چندگانه‌ی روحی یهودیان و احساس فردی و جمعی آن‌ها مؤثر بود. الفتنی که میان یهودیان مشهد وجود داشت در هیچ جای ایران تجربه نشد. امروزه این همبستگی و مهر عمومی میان فرزندان یهودیان مشهدی خارج از ایران نیز وجود دارد.^{۱۳۲} در پی انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ م در ایران،

چنان، بدنه‌ی اصلی آتوسی‌های مشهد حفظ شد. عده‌ی زیادی به شکوفایی اقتصادی رسیدند زیرا محدودیت‌های تجاری اقلیت‌های غیرمسلمان، بر فعالیت‌های اقتصادی آنان اثر نمی‌گذارد. زندگی دوگانه تحملی بر جمعیت یهودی سال‌های متتمدی تا قرن بیستم ادامه داشت، اما تحت حکومت رژیم پهلوی (۱۹۷۹ - ۱۹۲۵ م) سیاست سکولاریسم و روا داری دینی، موقعیت اقلیت‌ها از جمله جدیدی‌های مشهد را به تر و سرانجام اجرای مراسم دینی را برای آن‌ها آزاد کرد.

تأسیس مجدد دولت یهود

سفر یهودیان به اورشلیم، سفر راحتی نبود. تعصب‌های دینی که با تبلیغات ضد یهودی نازی‌ها در جنگ جهانی دوم توانم شده بود، موجب بروز آزارهایی علیه یهودیان مشهد می‌شد. یهودیان حمله‌ی ۱۹۴۶ م را فراموش



۱۰۰. مدرسه ادب، مشهد، ۱۹۲۲.

های اجتماعی و سیاسی ندارند، اما در حقیقت با خروج از ایران، سرگردانی در سرگردانی جدیداند. ایشان با شرکت در مجالس خود و کنشت‌های مشهدی در نیویورک^۱ می‌کوشند نیازهای جامعه‌ی خود را مرتفع کنند. آن تعلیمات و فرهنگ و سنت یهودی - ایرانی را در میان خود حفظ و ازدواج با پیروان ادیان دیگر و یهودیان غیر مشهدی را تحریم کرده‌اند.

جامعه یهودیان مشهدی در نیویورک، مطبوعات انگلیسی و ایرانی از جمله «یلوپیج»‌های مخصوص چاپ می‌کنند و می‌کوشند درآمدی به دست آورند تا بدان وسیله برای هر یهودی مشهدی حداقل خانه و حریمی بنا کنند. همبستگی و عطوفت جدید اسلام‌های مشهدی درگذشته و آینده، تمام افراد این جامعه را در هرگوش و کناره‌نیا در بر می‌کنند.

1. Ungar 1995, 312. 2. Great Neck, Kings Point.
3. Yellow Page.

يهودیان ایرانی به سایر کشورها از جمله آمریکا و اسرائیل مهاجرت کردند و عده‌ی کمی در ایتالیا و سایر کشورهای اروپایی ساکن شدند، اما جمعیت اصلی و مستقل مهاجران یهودی در ایالات متحده‌ی آمریکا شکل گرفت.

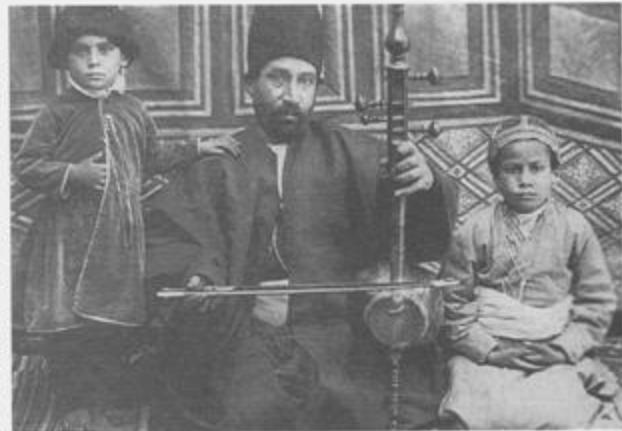
سرگردانی در سرگردانی

يهودیان مشهد تنها گروه یهودیانی نبودند که بدختی و فلاکت‌های عظیم را پشت سر گذارند. امروزه برعی از گروه‌های یهودی آزاده خاطر به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. ایشان با مقاومت در برابر اضمحلال از سایر یهودیان ایرانی و کلاً ایرانی‌ها و یهودیان آمریکا متمایزند. ایشان در سازمان‌ها و سیاست‌های بزرگ جامعه شرکت نمی‌کنند. یهودیانی که از ایران خارج شده‌اند، آرامش و امنیت بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کنند و درگیری



۱۰. طبیب سال خوریه. عکس از آنتونیون سوروگین، چاپ ژلاتین نقره‌ای با فتونگابایتو شیشه‌ای، تهران، ۱۸۸۰ م. کالری هنری فریر و آرشیو گالری آرتور. م. ساکلار. آرشیو انتستیتو اسمیت سوئین، لکسیون مایرون پمنت اسمیت حکیم نورمحمد، افراد خانواده‌اش، بیماران، شاگردان و خدمه‌اش در خانه‌ی اوی. همسر مقفعه بوش وی از زنجره‌ی اندررونس (اتاق‌های زنان که مردان غربیه حق ورود به آن‌ها را ندارند) سرک می‌کشد. حکیم هارون کاشانی در دوره‌ی محمد شاه (۱۸۴۸-۱۸۴۳ م) و ناصرالدین شاه قاجار (۱۸۴۸-۱۸۹۶ م) طبیات می‌کرد. گلته می‌شود هفتاد و پنج سال از عمر نواد و پنج ساله‌اش را با طبیات در کاشان گذرانده است. بیش تر اهالی کاشان وی را می‌شناختند و حتی امروز هم عده‌ای میراث وی را می‌شناسند. او به مردم کاشان کمک کرد و مخزن آب بزرگی خرید که از طریق آن، بیش از یک سال به تمام پخش‌های شهر آب می‌رساند. آن مخزن آب همچنان باقی مانده است. حکیم هارون در ۱۹۲۶ م در کاشان درگذشت. حکیم هارون، ریسی خانواده‌ی بزرگی بود که پس از فرزندان، نوه‌ها و نتیجه‌های اش راه وی را پیش گرفتند و پیشکش شدند. خانواده‌های نهواری، شفای، بقراطی، ارجمند، میثاقیه، منتبخ، تایت خاوری، خوش لسان و بوجیس خود را عاقاب حکیم هارون می‌دانند. حکیم هارون پنج پسر و سه دختر داشت. سران اش، حکیم نورمحمد، حکیم بیب الله، حکیم مختار، حکیم بعقوب و حکیم الیاس، دختران اش: خورشید، بی بی و جهان بوند. آن این میان، حکیم نور محمد، فرزند ارشد خانواده، که در این عکس هم دیده می‌شود، از همه مشهورتر بود. وی طبیات را از بذریش و سایر طبیان کاشان آموخت. شصتم و پنج سال طبیات کرد و در هشتاد و پنج سالگی درگذشت. نور محمد در جوانی به تهران رفت و سرانجام در محله‌ی پامنار خانه خرید و همانجا بیماران اش را معاینه می‌کرد. خانه‌اش مهم‌ترین مرکز آموزش طبیات بود که دانش جویان پیشکشی را از سراسر ایران به خود جلب می‌کرد. داستان‌های فراوانی درباره‌ی مهارت فوق العاده‌ی اوی در تشخیص بیماری و مداوای معجزه‌آسای بیماران نقل شده است تا آن‌جا که می‌گویند نسخه‌های اش همچون طلس و جادو دست به دست می‌شد. گلته اند که نور محمد، خطاط ماهری هم بود و در زمینه‌ی شکسته و تستعلیق استعداد فراوان داشت. وی مردی برجسته و موضوع تعدادی از عکس‌های سوروگین است.

۱۰۹. خانواده‌ی خان راذه، کاشان،
کمانچه‌ی منواره و پسرهای اش
اسحاق (جهه) و خلیل (راست) در
کنار او هستند. موسی خان قریب
هجهده سال نوازندۀ‌ی دربار ظل
السلطان (مسعود میرزا - ۱۹۲۹-
۱۸۵۰ م)، برادر ناصرالدین شاه
قاجار و حاکم اصفهان بود. سهس در
خدمت جلال‌الدوله قاجار، حاکم یزد
قرار گرفت و چون شنبه‌ی بود در یزد
یهودیان مجبورند جامه‌ی «یهودان»
پوشند، پس رابطه‌ی دوستانه‌ای با
حاکم برقرار کرد و به طور شخصی
از جلال‌الدوله خواست قانون یهودان
پوشی را لغو کند و حاکم نیز پذیرفت.



۱۱۱. موسی خان (ایستاده) و بالاخان، بدر مرتضی خان
تی داود. بنابر نوشته‌ی موسی خان در پشت عکس، این
عکس در «عکاس خانه‌ی سلطنتی» در اول ماه اول سال
۱۹۴۷ عربی پس از آن که رسماً به دربار تهران دعوت
شد، تهیه شده است. از این عکس در کمی موجود است که
یکی نزد نوه‌ی موسی خان و دیگری در شاه چراغ شیراز
است. در زمان این عکس، بالاخان، ضرب گیر دربار ناصر
الدین شاه بوده است.



۱۱۰. موسی خان کاشی، پسرش اسحاق خان راذه و
نوه‌های اش ثريا و يعقوب، کاشان، ۱۹۳۴ م.





۱۱۲. مرتضی خان نی داود و خانواده، تهران، ۱۹۲۵ م.

۱۱۳. مرتضی خان نی داود، استاد تار، دخترش بروین و خواهرش سلطان (سمت راست)، تهران، ۱۹۲۱ م. مرتضی خان، پسر بالاخان در ۱۹۰۰ م در تهران متولد شد اولین بارقی استعداد وی زمانی که بسیار جوان بود (هفت ساله) و با تاری که از چوب و سیم ساخته بود، بروز کرد، بالاخان، استعداد فوق العاده بیش را کشف کرد و برای او یک تار واقعی خرد و شاهد این بود که مرتضی در همان کوکی آهنگ می‌سازد. پس وی را نزد آقا مرزا حسین قلی بزرگ ترین نوازنده کلاسیک فرستاد.

پس از مرگ حسین قلی، مرتضی خان نزد درویش خان هنرآموخت و در مدرسه‌ی وی «ردیف» خواند و به زودی مدرسه‌ی موسیقی خود را به نام «درویش خان» در کوچه‌ی بختیاری نزدیک خیابان علاء‌الدوله (قدرویسی فعلی) افتتاح کرد. پیش از مجلس پنجم (۱۹۲۵ م)، که همه می‌بایست شناسنامه تهیی می‌کردند، پس از آن که در دستگاه همایون، گوش ای نواخت، فامیلی «نی داود» را برگزید، وی غلامه بر نواختن تار، مربی دو خواننده بزرگ قرقن بیستم بود؛ غلامحسین بنان و قمرالملوک وزیری که اولین خواننده ای زن ایرانی بود که بی حجاب روی صحنه رفت. آن کنسرت توسط مرتضی خان نی داود برگزار شده بود. در ۱۹۴۰ م، مرتضی خان و گروهی از نوازندگان بزرگ دعوت شدند تا در رادیوی ملی ایران موسیقی زنده اجرا کنند، پس از مدتی نی داود رادیو را ترک کرد و مدت سی سال فقط به تدریس و کاهن به اجرای برنامه‌ی عمومی پرداخت. او ایل سال ۱۹۷۰ م به رادیو بازگشت و در یک دوره‌ی هجده ماهه، اولین و تنها مجموعه‌ی سیصد تایی موسیقی کلاسیک ایرانی در سیستم «ردیف» را اجرا کرد که از هر کدام یک کهنه در رژارت فرهنگ در تهران و کهنه دیگر در کتاب خانه‌ی دانشکده‌ی موسیقی او رشیم نگهداری می‌شود. مرتضی خان در ۱۹۹۰ م در سان فرانسیسکو کالیفرنیا درگذشت.





۱۱۶. حکیم عزیز لوری، پدر دکتر دانیال صادق ارشادی،
بادکوبه (باکو پایتخت آذربایجان)، ۱۸۸۰ م.

۶. قوانینی هم درباره‌ی نحوه‌ی سخن گفتن
یهودیان وجود داشت:

یهودیان نباید با صدای بلند با مسلمانان صحبت کنند. اگر مسلمانی به فرد یهودی ناسرا بگوید، یهودی باید ساکت بماند. مراسم عروسی یهودیان باید شخصی برگزار شود و یهودیان نباید با صدای بلند آواز یا دعا بخوانند.

۷. و بالاخره درباره‌ی خوراک یهودیان
قوانینی به این شرح وضع شد:

«لاش‌ی گوشت ذبح یهودی باید از دید مسلمانان دور باشد. اگر یهودی مستقیم به خیابان برود، فوراً کشته خواهد شد».

قوانین فوق در ۱۹۲۰- ۱۹۳۰ م در زمان رضاشاه پهلوی (۱۹۲۵- ۱۹۴۱ م) ملغی

1. Kosher. کasher. اصطلاحی برای ذبح حلال یهودیان.



۱۱۷. حکیم الیاس طبیب‌زاده بقراطی، کاشان، ۱۹۰۵ م.

يهودیان بود. از آن جا که نشانه‌های متمایزی بین رنگ پوست و موی یهودیان ایرانی و هموطنان مسلمان‌شان وجود نداشت، قوانینی برای ایجاد نشانه‌های مشخص کننده‌ی ظاهری برای ایشان وضع شد که برخی از آن‌ها دستوراتی برای پوشش و ظاهر کلی یهودیان بود:

- یهودیان می‌باید در محله‌ی مخصوص می‌زیستند و سقف خانه‌های شان را باید کوتاه، بادر کوچک و دیوارهایی غیر سفید می‌گرفتند.

- نمی‌توانستند کنیسه‌های جدید بسازند یا خانه‌ای شان را با نمای جذاب و اشرافی بنا کنند.

۵. برخی دیگر از این قوانین به رفت و آمد یهودیان مربوط می‌شد:

- یهودیان نباید پس از غروب خورشید از خانه خارج شوند و به استثنای طبیبان و قابل‌ها، نباید بر اسب و الاغ سفید سوار شوند.



۱۲۵. شهر وندان یهودی در محوطه‌ی مدرسه‌ی آلبانس، برای بازیس کیری اموال شان در غارت محله جمع شده‌اند. کرمانشاه، اوریل ۱۹۰۹م. ائتلاف جهانی آلبانس. پر اساس گزارش بولتن آلبانس، روز ۳۱ مارس ۱۹۰۹م، کارمند مسلمانی که در خدمت یکی از جدید‌الاسلام‌ها بود، در اثر حمله‌ی قلبی مرد. جمیعت ضدیهود شهر مدعاً شدند آن جدیدی، کارمند مسلمان اش را کشته تا از خون وی برای فطیر عید پسح استفاده کنند. این شایعه در سراسر کرمانشاه پخش شد. مردم خشمگین به محله‌ی کرمانشاه و منازل یهودیان حمله کردند، حدود ۱۲۰۰ یهودی می‌خانه شدند و پانصد هزار تومان خسارت وارد شد. برخی مسلمانان شهر به پاری یهودیان آمدند و به آن‌ها لباس و غذا دادند. سران آلبانس پس از شنیدن این خبر، شش هزار فرانک برای بازسازی فوری زندگی یهودیان کرمانشاه اختصاص دادند (Levy 1997, 484-485).



۱۲۸. درویش‌های یهودی، آقاجان درویش و برادرش، بزرگان قامیل درویش، تهران، ۱۹۲۲م. لغت نامه‌ی ایرانیکا در توضیح درویش می‌نویسد: درویشی به خاطر اشتراک با صوفیسم، عرقان اسلامی، و ظهور بعد از اسلام اش، شامل مراقبه‌های خاص مسلمانان هم هست. این درویش‌های یهودی مانند ورزش کاران سنتی زورخانه‌ها، ورزشی مخلوط از مراسم یهودی و اسلامی دارند. هر کدام از درویش‌های این عکس وسائل زیر را به همراه دارند: ۱. ردا، ۲. کشکول، ۳. گارد، پوسته تارکیلی یا چوبی که با زنجیر به گمر بسته می‌شود، ۴. تدریزین، که در دست راست می‌گیرند تا زدن و درنگان را برانند، ۵. چنته، برای حمل وسائل ضروری، ۶. تخت پوست، زیراندازی از پوست حیوانات که به عنوان پسترهای زنده داری های معابد صوفی به کار می‌برند، ۷. تسبیح.



۱۳۲ و ۱۳۳. خانواده های بخشش و خرمیان، تهران ۱۹۲۱ م. موسیقی در مکتب شیعه ای ایرانی، جایگاهی دو و چهی دارد: در سنت صوفی ها، شعر و موسیقی وجهه ای متعالی، الهام بخش و عاطفی دارد، اما به نظر شیعیان امامی، موسیقی الزاماً با بی قیدی اخلاقی و می کسارتی عجین است و به همین دلیل با ابعاد تاثیرگذار، خوش بینانه و شادی بخش موسیقی، آن طور که ملای روم مبلغ آن است، مخالفت می کردند. روحانیون شیعه در سلسله ای صفوی، قدرت و نفوذ خاصی بر دربار و سیاست های آن داشتند. از شانه های این نفوذ حرام اعلام شدن موسیقی غیر عبادی بود. با این حال، موسیقی جایگاه خود را از دست ندارد. وقتی روحانیون توanstند موسیقی را از صحنه ای اجتماع حذف کنند، تأثیرات منفی آن بر وضعیت نوازندگان و موسیقی دانان حرفة ای آشکار شد که گویی از حرفة ای نجس تان می خوردند و با راقسان و می گسaran دم خور بودند. به همین دلیل در يك دوره‌ي سيمصد ساله، موسیقی ایرانی توسيط اهل ذمه: ارمنی ها، رزدشتیان و بیش از همه یهودیان، حفظ و اجرا می شد. روی آوري یهودیان به موسیقی طبیعی بود، زیرا آن ها اقلیت پرجمعیت ولی پراکنده ای بودند و در اثر محدودیت های ارتباطی و قوانین تضییعی کننده ای اقتصادی و شغلی، ناگزیر بودند که با آهنگ سازی و نوازندگی، زمینه ای کسب درآمد خانواده را فراهم کنند و بدین ترتیب، نوازندگان یهودی، حافظان موسیقی سنتی ایران نیز محسوب می شوند.





آقا سید جمال الدین واعظ اصفهانی

۱۲۵. سید جمال الدین واعظ، تهران، ۱۹۰۰ م. واعظ سخنور باگرایشات از لی - بایی که جسارت وی در حمایت از نظرات سکولار باعث شد از اصفهان تبعید شود. وی در زمرة پنجاه و هفت عضو کمیته انقلابی بود که خارج از تهران در مه ۱۹۰۴ م در طرح نقشه‌ی «براندازی استبداد» و استقرار «حکومت قانون و عدالت» شرکت کرد. وی به عنوان سخن‌گوی سند شاه، نقش مهمی در شرکت یهودیان در انقلاب مشروطه داشت و در کنیسه «هاداشر» در حمایت از چنین مشروطه، سخنرانی کرد. در این مجلس، از آزادی‌ها و مزایایی که عاید یهودیان می‌شد، سخن گفت. اما پس از کودتای محمدعلی شاه فاجار و انتقال مجلس در ۱۹۰۷ م، توپخانه شاه به همدان تبعید و در همانجا کشته شد. چند سال بعد، پرسش سید محمد علی جمال زاده از برجهسته ترین شخصیت‌های ادبی متأمیل به چپ قرن بیستم ایران به شهرت رسید. Levy. Abrahamian 1982, 70, 90, 97; (1997, 469)

بریتانیا، می‌نویسد:

«یهودیان، به دلیل حمایت عوامل مشروطه خواه، تورات خود را به انجمن رشت آوردند».

نیروهای سوسیال دموکرات انقلابی مجاهدین که از اعضای انجمن رشت بودند، طی بیانیه‌ای خواستار برابری حقوق مسلمانان و غیر مسلمانان شدند. ایشان هشدار دادند که:

«هیچ کس نباید مورد ستم قرار گیرد زیرا استم کاری

ملی ظاهر می‌شدند. «عزیزالله سیمانی» نماینده یهودیان بود ولی بعد از انتخاب وی مورد بحث و مخالفت علمای مشروطه خواهان شد. برخی مشروطه خواهان از جمله اعضای انجمن مخفی از اقلیت‌ها خواستند حق انتخاب نماینده را به آن‌ها بسپارند و از سید عبدالله ببهانی و سید محمد طباطبائی از عضای شرکت کننده در این نهضت خواسته شد نمایندگی اقلیت‌ها را به عهده بگیرند. یهودی‌ها و ارمنی‌ها از حق خود صرف نظر کردند ولی زرده‌شیان که از طرف حکومت بریتانیا و تاجران پارسی هند حمایت می‌شدند، با اصرار خود تاجر ثروتمندی به نام ارباب چمشید را به مجلس فرستادند. بنا براین یهودیان و ارمنی‌ها در مجلس اول (۱۹۰۶-۱۹۰۸) شرکت مستقیم نداشتند. تشکیل انجمن‌های عمومی در کشور از اولین دست آوردهای انقلاب مشروطه محسوب می‌شود. در اینجا هم مشارکت اقلیت‌های دیگر مهم ترین عاملی بود که انجمن‌های پیش رو را از انجمن‌های کنسرواتیو متمایز می‌کرد. تجار بازار اصفهان، که در انجمن ایالتی عضویت داشتند به بهانه شرف و عزت زنان مسلمان از قدرت جدید خود برای حذف باز رکانان یهودی استفاده کردند. انجمن اصفهان دویست دوره گرد یهودی را از فعالیت در اصفهان محروم کرد.

در انجمن‌های شمالی، که سوسیال دموکرات‌ها متصدی قدرت بودند، درب مجلس، به دلیل حمایت عوامل مشروطه خواه به روی یهودیان و ارمنیان و زرده‌شیان باز بود. رایینه نماینده 1. Kermani 1983, 584.

2. رجوع شود به مدارک وزارت خارجه بریتانیا، ۲۷، فوریه ۱۹۰۷

3. Netzer 1998, 252.



۱۵۱. بزرگداشت کشف حجاب، خرم‌شهر، ۱۹۲۶ م.

۱۵۲. خانواده‌ی رشتی‌زاده، کاشان، ۱۹۲۵ م، چند روز پس از کشف حجاب دولتی.



از ناسیونالیسم ارائه دادند. اساس قوانین و اساس نامه حزب دموکرات، مستله‌ی جدایی دین از دولت بود. ارگان حزب «ایران نو» علیه تبعیض دینی و قومی غیرمسلمانان ایران سخن گفت و نقش حیاتی غیرمسلمان‌ها در تشکیل مجدد مشروطه را خاطر نشان کرد. ایران نو با تکوهش اعمال ضد یهودی در ایران و روسیه اعلام کرد که طی انقلاب روسیه در ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶ م حکومت روسیه این انقلاب را توطئه یهودیان علیه مردم روسیه قلمداد می‌کرد. بنابراین مردم خشمگین، خانه‌های یهودیان روسی بی‌گناه را آتش می‌زدند. اینک مخالفان مشروطیت در ایران، حقه مشابهی علیه اقلیت‌های دینی به کار می‌برند و مردم را علیه قانون دموکراتیک جدید تحریک می‌کنند. هشدارهای ایران نو، به زودی جامه‌ی عمل پوشید. در ۱۹۱۰ م مردم از مشروطه خواهان



۱۵۴. راحیل و داود امین آف بزرگان خاندان امین آف. تاشکند، ۱۸۷۰ م.

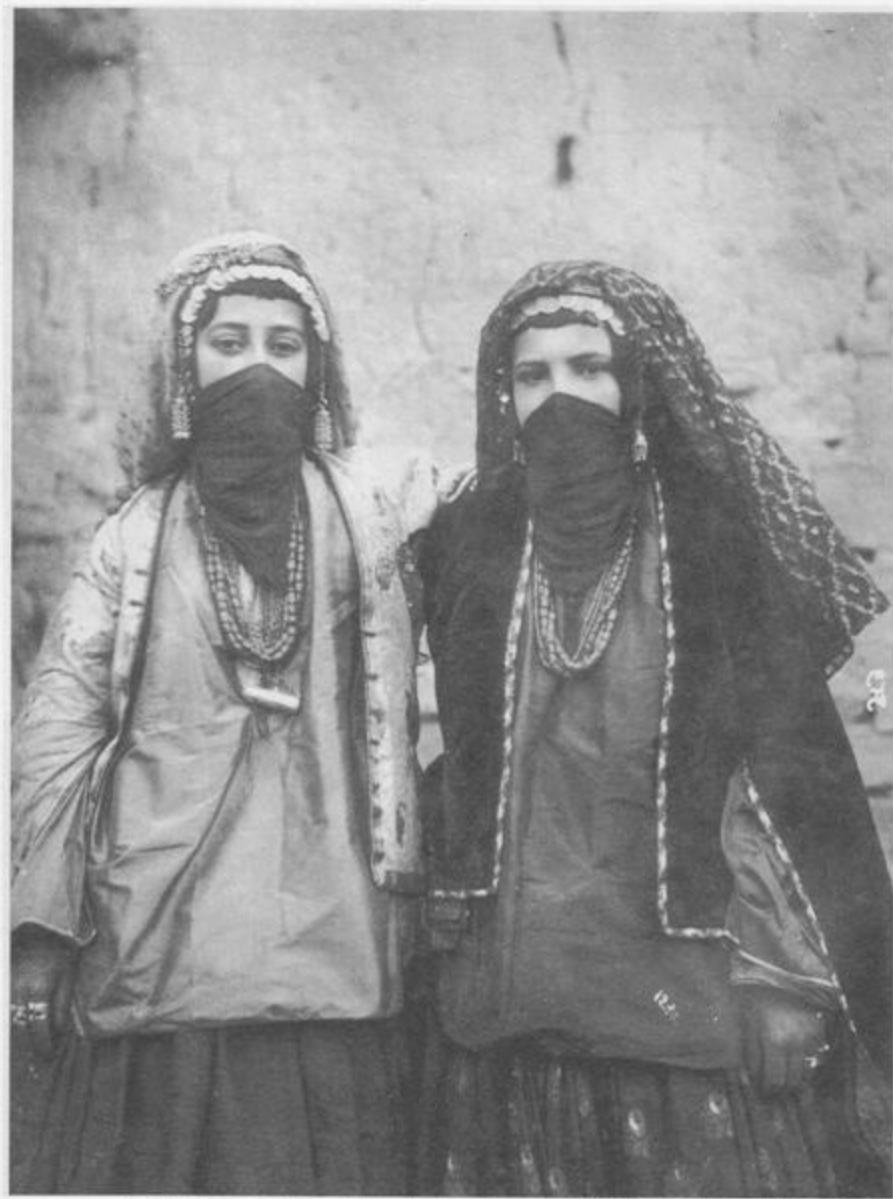
۱۵۶. بروین عطارزاده در پوشش کردی، دماوند، ۱۹۶۱ م.

۱۵۵. میرزا آقا هیرمند در جامه‌ی کردی، همدان، ۱۹۳۰ م.



۱۷۲





۱۵۷. یهودیان کرد. عکس از آنون سوروگین. چاپ نقره ژلاتین مدرن. ایران، ۱۹۰۰-۱۸۸۰ م. کالری هنری فریر و آرشیو کالری آرتور. م. ساکلر. انسستیتو اسمیت سوئین، مجموعه‌ی میرون بمنت اسمیت



۱۶۷. نفر اول سمت راست، حاجی ملا یهودا و خانواده، همدان، ۱۸۷۵م. وی از حاجی‌های سرشناس کتبسیه‌ی ملا را بی همدان بود. به جز موسی رشتی (چپ) تمام مردان عکس در لباس اواخر قرن نوزدهم هستند. ملا روی قبا و شال‌اش، عمامه و عبا دارد. حکیم موسی (ایستاده) و دو سر برجه، هر سه عبای پراق دورزی شده دارند. پسرها عرق چین ترمه دورزی به سر دارند. حکیم موسی کلاه نظامی و ملا یهودا به سنت یهودیان دینی، عمامه‌هایی مثل عمامه‌ی مسلمانان دارند. اندازه‌ی عمامه، گویای شان صاحب‌اش است.



۱۷۴. زنان بیمار یهودی چادرپوش در مطب دکتر دانیال صادق ارشادی، همدان یا تهران، سال ۱۹۲۰م، پرخی زنان، چادر مشکی و روینده‌ی سفید نارنده و پرخی تمام‌سیاه پوش هستند. زنان با رویند سفید مسلمان و سیاه پوش‌ها یهودی‌اند و احتمالاً زنان بدون رویند سیمی‌یا از زدشتی‌اند.

وصله اجباری بود ولی سران مدرسه آلبانس اسراییل با روحانیون و حاکمان ایرانی مشورت و پیشنهاد کردند یهودیان از مدارهای فلزی، که نشان مدرسه برآن بود، استفاده کنند و بدین ترتیب وصله از بین رفت. شاگردان مدارس آلبانس، یونیورسیتات اروپایی می‌پوشیدند یهودیان ایرانی متأثر از تبلیغات اروپایی و فرانسوی، اولین گروهی بودند که از مدل‌های غربی، که در آن زمان رایج نبود، استفاده کردند.

در ۱۹۲۸م اندکی پس از تاج‌گذاری رضا شاه پهلوی (۱۹۴۱ - ۱۹۲۵م)، لباس‌ها و کلاه‌های اروپایی، شبیه کهی فرانسوی، که در ایران به کلاه پهلوی معروف بود، اجباری شد. فرمان کشف حجاب زنان در ۱۹۳۶م از سوی زنان و حتی زنان یهودی مورد مخالفت قرار گرفت. با این حال کشف حجاب صورت گرفت و بدین ترتیب تبعیض لباس به طور کلی از بین رفت.

۱۷۵. خانواده‌های باباؤ و حکاکیان، تهران، ۱۹۳۶م. این عکس در مراسم بعد از کشف حجاب گرفته شده است.





۱۷۹. مروارید خانم (ننه مروارید) و خانواده، همدان، ۱۹۱۰ م، اسامی و شرح انواع البسه و جواهرات به کار رفته در عکس:
۱. کلاه نظامی. ۲. ژاکت سبک اروپا. ۳. کلیچه یا سرداری. ۴. سریند یا موبند. ۵. گردنبند اشرافی. ۶. آرایش مو
به وسیلهٔ کتیرا. ۸. چارقد کارس. ۹. چارقد زری. ۱۰. عقدرو، پارچه‌ای که با قطعات سکهٔ اشرفی، پولک‌های طلا و زینت
می‌شد. ۱۱. طوق طلا، گردنبندی که در آن سنج‌های قیمتی می‌نشانند. ۱۲. هل طلا، دست بندی که در آن بادانه‌های طلا
برجسته کاری می‌شد. ۱۳. آرایه‌های انگشتی که با استفاده از حنا نقش اندازی می‌کردند. ۱۴. شلیته. ۱۵. شلوار.

فصل چهاردهم

آلیانس

فریار نیک بخت

اخلاقی یهودیان جهان.

۲. تعیین راه کارهایی برای خنثی کردن
اقدامات یهود سنتیزان.

۳. دعوت همکانی برای مبارزه با یهود آزاری.
طبق سنت ملی گرایی مدرن فرانسوی، نظریه «آلیانس» بر رشد و ارتقاء آمورشی و فرهنگی جوامع یهودی جهان متکی بود. این جوامع باید احترام و وفاداری خود به مردم دیگر کشورها و هموطنان غیر یهودی شان را حفظ می کردند تا به عنوان شهر و ندان مولد، به رسمیت شناخته شوند. سازمان «آلیانس» علاوه بر آموزش رسمی یهودیان خواستار اجرای قوانین اجتماعی مدرن اروپایی، رعایت اصول بهداشت، مناسبات آزاد دموکراتی متمکی بر دست آوردهای غیر دینی انقلاب فرانسه بودند.

واخرقرن نوزدهم، در سراسر اروپای غربی، در بالکان و در امپراطوری عثمانی، ترکیه، عراق، سوریه، فلسطین، مصر و آفریقای شمالی، مدارس مدرن تأسیس شد. به علاوه این سازمان در آثارهای دوره‌ای ضد یهودی، میانجیگری می کرد. مثلاً برای مهاجرت یهودیان روسیه به آرژانتین کمک و در دهه ۱۸۶۰ م نسبت به قتل عام یهودیان بار فروش^۱ و همدان اعتراض کرد و به تدریج با افزایش تجربیات و شم سیاسی خود به فعالیت‌های کستردۀ تری دست زد.

بعدها یهودیان برجسته اروپا و خاورمیانه به این سازمان پیوستند و با اموال و نفوذ خود از این جامعه‌ی یهودی حمایت کردند. مدارس انتلاقی در خاور میانه و آفریقای شمالی، و در تهران، مدرسه‌ی اتحاد به هزینه‌ی خانواده‌های خصوصی و شاهمنون ساکن بغداد، تأسیس شد.

۱. بابل کنونی در شمال ایران..

در بی‌تلاش بین‌المللی برای نجات یهودیان سوریه از یک افتراق جنایی، نهضت تازه‌ای خصوصاً میان یهودیان فرانسه به وجود آمد، تا یهودیان سراسر جهان را از اتهامات و سرنوشت شوم مشابه برهانند. بنا بر قول شفاهی معروف، هفت یهودی در دمشق به جرم قتل یک کشیش کاتولیک ایتالیایی و دوست مسلمان اش و استفاده از خون آن‌ها برای تهیهٔ نان عید پسح دستگیر شدند و تمام شواهد علیه آن‌ها بود. دو نفر از آن‌ها در زندان کشته شدند و یک نفر اجباراً به کیش اسلام درآمد، اما در اثر مسامعی بین‌المللی، به رهبری یهودیان فرانسه و بریتانیا، بقیه را بدون عذرخواهی رسمی آزاد کردند.

پس از بیست سال تلاش بی‌وقفه‌ی یهودیان آزاد فرانسه، بریتانیای کبیر و سایر ملت‌های اروپا، یکی از اعضای یهودی پارلمان فرانسه، به نام «آدولف کرمیوکس» و یک مدافع یهودیان سوریه، در سال ۱۸۶۰ م، ائتلاف اسرائیلیان جهان (AIU)^۱ را در پاریس با اهداف زیر پایه‌گذاری کردند.

۱. تلاش سراسری برای رهایی و ارتقاء ۱. Alliance Israelite Universelle.



۱۸۳. خانواده حاجی لاله زار، همدان. ۰۵. م، حاجی لاله زار (الازار) فرزند بنیامین پسر آقا باخاج، در ۱۸۰۰ م متولد شد. وی پدر چدحدود دویست یهودی، مسیحی و بهایی در همدان است. دیوار کوب بشقایقی که پشت تصویر است، به خط عبری و لاتینی و نشانه‌ی سیمیجانی است که تازه یهودی شده‌اند. اختلافاً موسیو یم (مسیحی تازه یهودی شده) از پسران حاجی لاله زار، عکاس این عکس بوده است. چه به راست، از ردیف بالا به پایین.

۱. یهودا پسر حکیم موشه (موسی خان) مسیحی. ۲. دکتر هارون پسر حکیم موشه، یهودی. ۳. پسر ابراهیم، پسر حاجی لاله زار (گوهری) یهودی. ۴. موشه، پسر حاجی لاله زار (گرانفر) بهایی. ۵. حاجی میرزا یوحنا، پسر حافظ، بهایی. ۶. آقا یعقوب (لاله زاری) یهودی. ۷. حاجی یهودا یا حاجی شکرالله (جاوید) یهودی که بهایی شد. ۸. ناشناس. ۹. حاجی میرزا اسحاق یهودی. ۱۰. دکتر یوسف (سراج) بهایی. ۱۱. حاجی میرزا طاهر (باهر) پدر دکتر باهر، بهایی. ۱۲. حاجی سلیمان پسر حاج لاله زار، مسیحی. ۱۳. ناشناس. ۱۴. عزرا، پسر بزرگ حاجی لاله زار، یهودی. ۱۵. میر، یهودی. پدر بزرگ خانواده‌های رسمی و کیمیابخش. ۱۶. حکیم موشه پدر دکتر داوود، یهودی. کویا وی به چهار دین اعتقاد داشت. ۱۷. روین، پسر آقا عزرا پدر نجات رایین سون، یهودی. ۱۸. ناشناس. ۱۹. حاجی الازار شوشانی، یهودی. ۲۰. حاجی یهودا شوشانی، یهودی.

۲۱. الیو، پسر آقا حکیم، نوه حاجی لاله زار، مسیحی. ۲۲. ناشناس. ۲۳. دکتر داود، پسر حکیم موشه، یهودی که مسیحی شد. ۲۴. ناشناس. ۲۵. ناشناس. ۲۶. ناشناس. ۲۷. ناشناس. ۲۸. میرزا آرون (هارون) لاله زاری، یهودی. ۲۹. ناشناس. ۳۰. دکتر نصرت الله باهر، بهایی. ۳۱. عطاء الله خان حافظی، پسر حاجی میرزا یوحنا، یهودی. ۳۲. نور الله احتشامی، پسر دکتر داود مسیحی.





۱۸۴. حاجی نحیمیا مروتی، دماوند، ۱۹۱۰ م. در این زمان ۲۲ ساله و یکی از شش بنیان‌گذار مدرسه آلبانس در دماوند بود.
بنج بنیان‌گذار دیگر؛ حاجی اسماعیل اخوان (شیمون)، اسحاق یوحنا (اسحاق یونسی)، عزیزالله مروتی و داود و
بنیامین یهودا بودند.



۲۱۵. مهد کودک آلبانس، همدان، سال ۱۹۲۹ م.

۲۱۶. یهودیان همدان، ۱۸۹۸ م. اولین روزی که یهودیان مجوز ساخت مدرسه‌ی آلبانس را در همدان گرفتند.

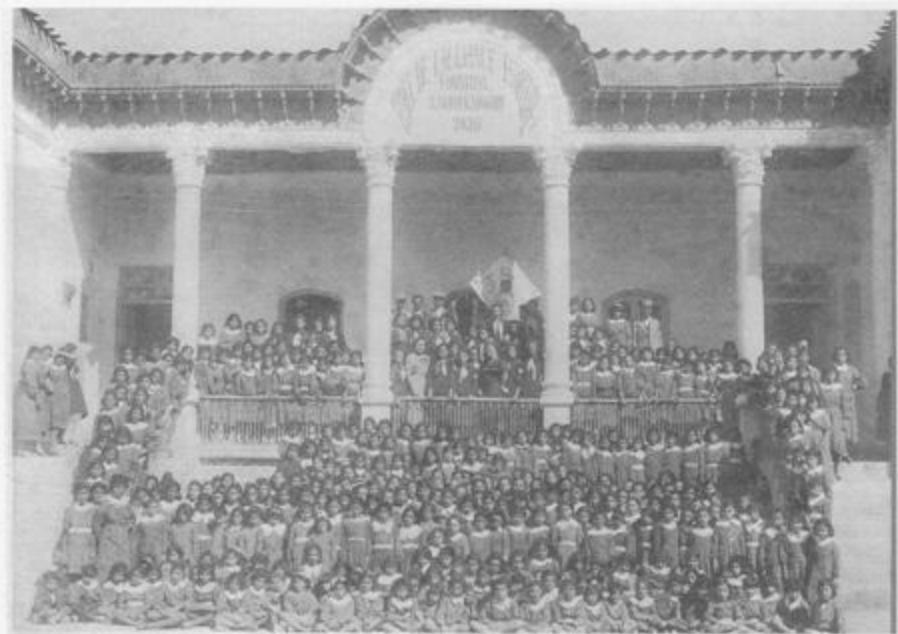




۲۲۶. مدرسه‌ی الیانس، غذاخوری دختران بزرگ سال، بیزد، ۱۹۶۸ م، آرشیو شخصی لوش.

۲۲۷. دیدار رسمی از دانشگاه. خانم و آقای کیونکا، در طرف راست و چپ نشسته‌اند، بیزد، ۱۹۳۲ م.





. ۲۲۲. بنیان لورا کادوری، مدرسه‌ی الیانس، تهران، ۱۹۲۸ م.



. ۲۲۳. مدرسه‌ی دختران، تهران، ۱۹۲۹ م.



۲۴. مدرسه‌ی آلبانس، کرمانشاه.



۲۴۱. کادر مدرسه‌ی آلیانس، کرمانشاه.

۲۴۲. مدرسه‌ی دخترانه‌ی اتحاد، کرمانشاه، آوریل، ۱۹۵۰م.





۲۴۳. مدرسه‌ی پسران، ستنچ، ۱۹۵۲ م.

۲۴۴. نمایندگان جامعه‌ی یهودی ستنچ و مدیران مدرسه، خاتم و آقای شمس، جولای ۱۹۴۸ م.





۲۵۸. فضلای یهودی، همدان، ۱۹۱۸ م.

۲۵۹. اولین اعضای هبرا، کرمانشاه، ۱۹۲۰ م.





۲۷۱. جشن استقلال اسرائیل، تهران، ۵۷۱۷ می‌عمری (۱۹۵۷ م).

۲۷۲. پیش دیستان اوتزارها - توراه، اصفهان، ۱۹۴۲ م.





۲۷۴. سخنرانی موسی کرمانیان در اولین کنگره‌ی فرهنگ و سلامت جامعه‌ی یهودیان ایران، تهران، ۱۹۵۷ م، وی پایه‌گذار، بنیاد فرهنگی کوروش کبیر بود. سومین مرد از چه، جمشید کاشفی نماینده‌ی یهودیان ایران در مجلس بود.

همه در این مهاجرت که با نام «عملیات کوروش»^۱ انجام می‌شد، تعداد مهاجرین در ۱۹۵۲ به ۴۸۵۶ نفر و در ۱۹۵۳ به ۱۱۰۹ کاهش یافت. تعداد کل مهاجرین در فاصله‌ی دهه‌ی ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۸ بیش از ۴۰۰۰ نفر در ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۸ به ۹۰۰۰ نفر رسید.^۲ این تعداد در دهه‌های پیش از ۱۹۴۸ فقط ۵۰۰۰ نفر بوده است.^۳ دلیل اصلی سومین مهاجرت پس از ۱۹۴۸ م یهودیان ایرانی به اسرائیل، نامشخص است. برخی از پژوهشگران این مهاجرت را تنها اجابت فرمان صهیونیسم نمی‌دانند، بل شرایط اقتصادی را نیز از مهم‌ترین عامل این جابه

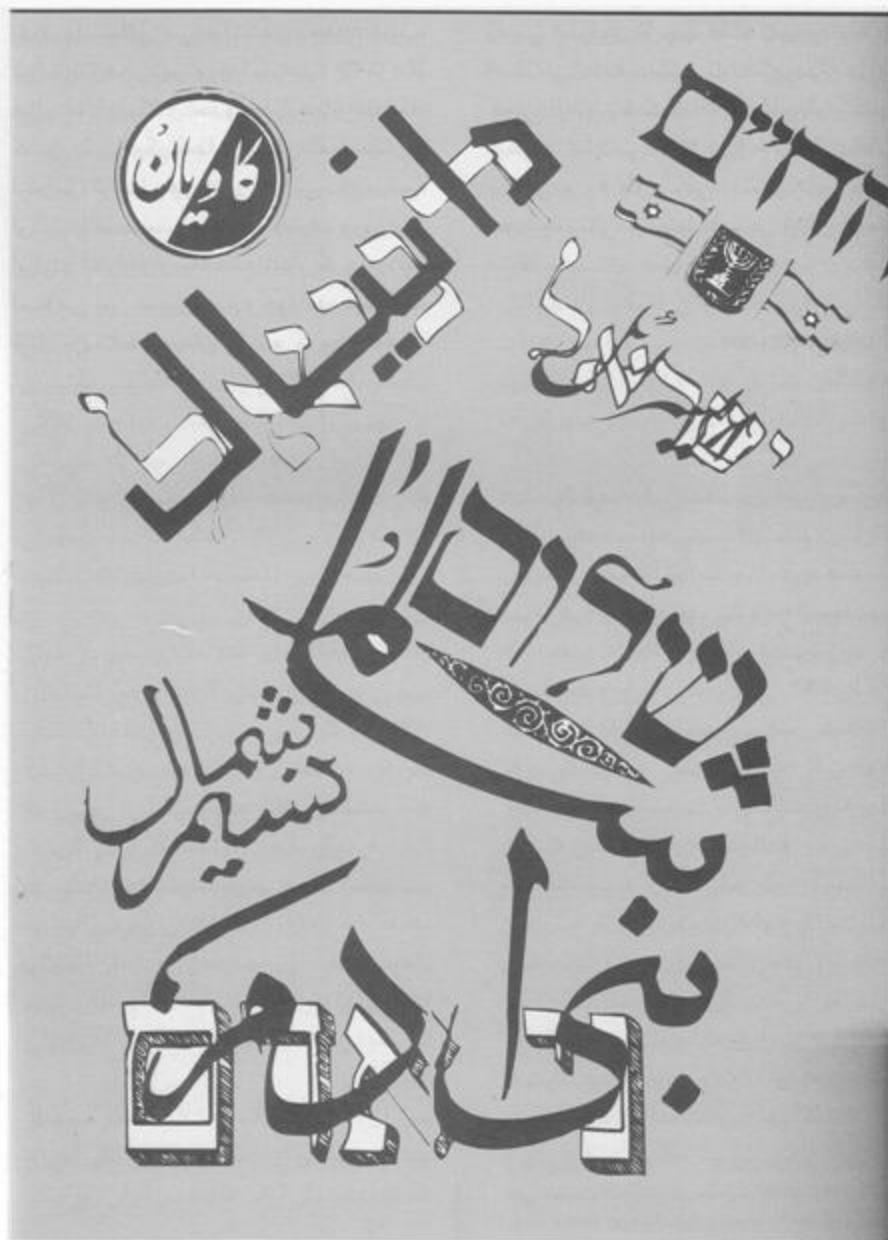
ایده‌ثولوژی «آکودات اسرائیل»^۱ نزدیک بود. در نتیجه آموزش‌های رادیکال دینی و حتی ضد‌صهیونیستی به وجود آمد و با آموزش مدرن مدارس آلیانس همسو شد. موضع ضد‌صهیونیستی این مدارس، پس از تأسیس دولت یهود در ۱۹۴۸ م به اوج خود رسید.^۲

دولت ایران، که علیه تأسیس دولت یهود، در نشست سال ۱۹۴۸ م سازمان ملل، رأی منفی داده بود، در سال ۱۹۵۰ م این دولت را به صورت «دو فاکتو» به رسمیت شناخت. در نتیجه یهودیان ایرانی برای مهاجرت به اسرائیل تشویق شدند. میزان مهاجرت‌ها از ۱۸۲۱ نفر در سال ۱۹۴۸ م به ۱۱۹۵۲ نفر در سال ۱۹۵۵ م و پس از آشتفتگی‌های کردستان، به ۱۱۰۴۸ نفر در سال ۱۹۵۱ م رسید. با این

1. Mivtsa Kuresh (Cyrus Operation).

2. Kashani 1980, 73.

3. Cohen 1973, 51.



۲۷۶. کلاظ اسامی روزنامه های یهودیان ایرانی، طراح: مهرداد انوری



۲۸۰. انجمن یهودیان تهران، زمانی که شموئیل حیم (نشسته، چهارمین از چپ) عضو آن بود. تاریخ دقیق این عکس معلوم نیست و شاید در این زمان، حیم ریس انجمن بوده باشد. هاداران حیم، ملا شالمون (با چا و ریش سفید) را عامل اعدام وی می دانند. حیم پس از دستگیری، شش سال در زندان بود و به جرمی اختلاف نظر. رضا شاه به خاطر ناکافی بودن مدارک علیه وی، برخی رهبران یهودی از جمله ملا شالمون را مأمور کرد تا مدارک کافی برای اثبات جرم وی جمع آوری کنند. شاه از ملا شالمون، که رهبر دینی بود، خواست برای حیم که به شاه خیانت کرده بود، مجازات تعیین کند. ملا شالمون گفت: «مرگ»، شاه بر اساس قوانوای ملا شالمون، حیم را اعدام کرد.

۲۸۱. موسیو شموئیل حیم (نشسته، دومین از چپ) و دوستان، کرمانشاه، تابستان ۱۹۱۴ م.





۲۸۲. پلاک طلای ۲۴ عیار، بهشکشن انجمن یهودیان تهران به رضاخان سردار سپه، رئیس وزراء.

۲۸۳. آزادی مبارزان یهودی اصفهان، حمایت از موسیو شموئل حیم در انتخابات مجلس اصفهان.



صحنه سیاسی ایران ایفا کرد و تا کودتایی که با حملات «سیا» منجر به براندازی نخست وزیری دکتر محمد مصدق در سال ۱۹۵۲ م شد، به نقش آفرینی ادامه داد. فعالیت جناح چپ طی دو سال پیش از کودتا به اوج رسید. در این مدت گروه‌های مختلف نشست‌های عمومی، نمایشات اعتراضی وتظاهرات ترتیب می‌دادند. زنان یهودی هم در نشست‌های زیرزمینی و تظاهرات عمومی شرکت می‌کردند که گاه به درگیری با پلیس منجر می‌شد. در تظاهرات سی تیر سال ۱۳۲۱ شمسی (۱۹ جولای ۱۹۵۲ م) تعدادی از تظاهر کنندگان یهودی و مسلمان دستگیر و مدت زیادی در زندان مورد آزار قرار گرفتند که ابتلای به آن در میان اعضای گروه‌های مخالف، از امورات عادی بود.

۲۹۳ ایرج فرهود (چپ) عضو حزب توده. سرعن ۱۹۵۱ م. وی در ۱۹۲۹ م متولد شد و از جوانی در فعالیت‌های سیاسی اجتماعی شرکت کرده به سازمان هاخالوتز پیوست. وی به عضویت حزب توده نیز درآمد و در فعالیت‌های متنوع حزب شرکت کرد. با اندیشان ازسوی قوای دولتش، وی به عنوان سایر اعضای حزب، زندانی شد. این عکس پس از آزادی او از زندان گرفته شده است.



۲۹۴
پس از سقوط رضاشاه در ۱۹۴۱ م، جناح چپ به رهبری حزب توده، نقش مهمی در



۲۹۲ سلیمان حیم، تهران، ۱۹۳۸ م. وی در ۱۸۸۷ میلادی در تهران متولد و در ۱۹۰۶ م وارد دانشکده آمریکایی شده از ۱۹۱۵ م به تدریس زبان انگلیسی و سپس به تهیه لغت‌نامه‌های دو زبانه پرداخت و لقب آقای لغت گرفت. اولین سری لغت‌نامه را با مکم اسحاق و یهودا برخوبیم چاپ کرد که هنوز از برگسته ترین فرهنگ‌ها محسوب می‌شود. پیش از ملی کردن کلماتی روی به عنوان متجمد در آن شرکت کار می‌کرد و پس از ملی سازی، مدیر فرانزیس تولید شد. با همکاری خاخام حیم موره، کتابی با عنوان «راه زندگی» در باب مسائل زندگی روزمره‌ی یهودیان نوشته، سه سری لغت‌نامه‌ی دو زبانه فارسی - انگلیسی، فرانسیس - فارسی، فارسی - فرانسیس و عربی - فارسی، فارسی - عربی و نیز کردی اوری اصطلاحات فارسی و مترادف انگلیسی آن‌ها، مجموعه‌ی شعر و سه نمایش نامه‌ی استر و مردخای، روت و نامی و یوسف و ریخا از آثار وی هستند. او علاوه بر تهیه متن و موسیقی نمایش نامه‌ها، در آن‌ها بازی هم کرد. سلیمان حیم در ۱۹۶۹ م در هشتاد و دو سالگی درگذشت.

۲۹۳ در ضمن در آن زمان اقلیت یهودی ایران در زمرة‌ی طبقه‌ی پایین و متوسط محسوب می‌شدند. رای و هدف چنین چه، با موقعیت پست اجتماعی اقتصادی آن‌ها منطبق و به همین جهت خواستار تغییر بنیادین در ساختار اجتماعی و سیستم‌های جامعه‌ی ایران بودند.

۲۹۴ پس از سقوط رضاشاه در ۱۹۴۱ م، جناح

۳۰۰. مشق همدانی، روزنامه نگار، نویسنده و مترجم، همدان، ۱۹۳۲م. در ۱۹۱۲م متولد شد و کار ژورنالیستی خود را با نویسنده‌گی در مجله‌های ایران، هر و مهرگان آغاز کرد. با حمله‌ای متفقین به ایران در جنگ جهانی دوم، با مکاری مصطفی مصباح زاده و عبدالرحمن فرامرزی روزنامه‌ای کهیان را تأسیس کرد و سردبیر آن شد. در ۱۹۴۹م مجله‌ی سیاسی- سکولار و ملی کاری کاویان را باهی کذاری کرد و در ملی کردن صنعت نفت، هوادار سریخت مصدق بود.

پس از کودتای سیا علیه مصدق در سال ۱۹۵۲ م، که منجر به سقوط دولت دکتر مصدق شد، دفتر مجله‌ی کاروان را غارت کرده و به آتش کشیدند، همدانی، زندانی، محکمه و به تعیین از ایران محکوم شد. وی در زمینه زبان ایتالیایی آموخت و پس از بازگشت به ترجمه‌ی آثار ایتالیایی به زبان فارسی پرداخت.

طب پنجه سال زندگی سیاسی، علاوه بر صدها مقاله،
داستان‌های کوتاه و سرمهقاله‌های سیاسی، پنجه نوان
کتاب را در ایران و خارج از ایران، ترجمه و چاپ کرد.
کتاب‌های «عشق و عشق» و «لله‌های چوانی» و
«تحصیل کرده‌ها»، از بهترین آثار وی اند. ترجمه‌ی
کتاب‌های «آنکارایتیا»، «ابله»، «بازاران کارامازوف»،
«شاکارهای شیلار»، «آموزه‌های شوپنهاور»، «زنده‌کن
نامه‌ی استالین»، «زنده‌نامه‌ی ناپلئون» و غنایمن متعدد
دیگری در زمینه‌ی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه
از وعده‌ترین آثار ترجمه‌ی شده‌ی وی است.



۲۹۹. جلد مجله‌ی کاویان، شماره ۲۴-۴، ۱۹۵۳م. تهران
په سردبیری مشقق همدانی.

سقوط مصدق و تضعیف جناح چپ

در ۱۹ آگوست ۱۹۵۳م، (۲۸ مرداد ۱۳۴۲) جنبش ناسیونالیستی ۱۹۵۳-۱۹۴۱م با کودتایی که منجر به سرنگونی مصدق شد، ناکام ماند. حکومت نظامی ژنرال ها فضای آزاد ده بیشین، که فعالیت های سیاسی متعدد در ایران را مجاز می شمرد، به فضای خفغان بدل گرد.

قدرت یابی مطلق محمد رضا شاه، در پس کودتا، حزب توده و سایر حزب‌های زیرزمینی و هرگونه فعالیت سیاسی ضد سلطنت را متوقف و منع کرد. بسیاری از اعضای یهودی گروه‌های چپ، که اعدام نشدند و یا زیر شکنجه حان شان را از دست ندادند، به



تعصی هنددهم يهودیان عراق در ایران

آرلن دلال فر

جنگ جهانی اول فرار کرده و به ایران مهاجرت می کردند، به شهرهای مرزی خانقین و کرمانشاه پناه می بردند و به تجارت می پرداختند. بین سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸م، بسیاری از یهودیان عراق از بصره به شهرهای جنوبی ایران مثل اهواز، آبادان و خرمشهر آمدند، همانند کالاهای شان در شهرهای دیگر ایران پراکنده شدند و یک جامعه‌ی یهودی بغداد هم در همدان تشکیل شد. موج دیگر مهاجرت یهودیان عراق به ایران بین ۱۹۵۱-۱۹۴۰م و وقتی آغاز شد^۱ که به دستور رضاشاه خط‌آهن کشیدند و تهران به پایگاه اقتصادی و تجاری کشور بدل شد. در نتیجه یهودیان عراق، که در کرمانشاه، همدان، اهواز، آبادان و خرمشهر زندگی می کردند در دهه‌ی ۱۹۴۰م به تهران سرازیر شدند. این مردان کار آفرین، به ایجاد روابط تجاری با تجار اروپایی و شرکت‌های آمریکایی پرداختند.^۲ سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰م دوران شکوفایی اقتصاد جوامع یهودی عراق در ایران بود. اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰م تعداد یهودیان عراق در ایران به شش هزار نفر، که اکثر آن‌ها ساکن تهران بودند، رسید.^۳

نسل اول مهاجران عراقی به ایران حضور خود را موقتی می دانستند و پسран شان را برای تحصیل به بغداد یا مدارس آلیانس ایران می فرستادند. در واقع یهودیان عراقی ایران، اقلیتی در اقلیت بودند. گاهی یهودیان ایران آن‌ها را «عرب» می خوانند تا خط فاصلی بین خود کشیده باشند. پدران و پدربرزگان عرب در خانه به عربی سخن می گفتند و نسل دوم آنان که در ایران متولد شدند، زبان عربی را

تاریخ سه هزار ساله‌ی یهودیان عراق مانند یهودیان ایران، نقاط مشترکی با یهودیان بابلی در دوره‌های باستان ایرانی، عرب، اسلامی و عثمانی داشته است.

طی دوره قیمومیت بریتانیا بر عراق در فاصله ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۲م، بنابر سرشماری بریتانیا در ۱۹۲۰م، بیش ترین تعداد یهودیان^۴ در بغداد زندگی می کرده اند. بنابر همین سرشماری حدود ۳۷۰۰۰ یهودی دیگر نیز در شهرهای مختلف عراق بوده اند که تعداد کل یهودیان عراقی را به ۸۷۴۸۸ می رساند است.^۵ طی قرون نوزدهم و بیستم میان یهودیان ایران و عراق روابط تجاری و همکاری‌هایی در زمینه‌ی مطالعات دینی و تلمودی برقرار شد. گاهی جوانان یهودی ایران و عراق، که در مرزها و مجاورت هم، مخصوصاً در مرزهای عراق کنونی می زیستند، با یکدیگر ازدواج می کردند.^۶

جوانان یهودی عراق که از طرف ترک‌ها برای شرکت در جنگ دعوت شدند، از خدمت در

۱. حدود پنجاه هزار نفر.

1. Shohet 1982, 85-87 : Rejwan 1985, 94-103.
2. Rabbie 1993, 3. 3. Moshi Dellal, interview 2000.

3. Faryar Nikbakhsh, personal correspond ence 2000, 2.



۳۰۵. خانواده‌ی کاهن، محله‌ای در کلپاگان، ۱۹۴۱ م. رایی شمعیل کاهن (سومین از چه) بزرگ‌ترین خاکام کلپاگان، در عراق تحصیل کرده بود. عکس فوق در کتابخانه‌ی شخصی وی گرفته شده است. کتاب‌های کتابخانه وی که همکی عبری بود، با شتر از عراق به ایران آورده شدند. حالت دستان این مردان که به سبک کوهانیم‌ها هنگام دعا در کنیسه شبیه است. حاکی از مسلک کوهانیستی آن هاست. مردان جوان این عکس پسران، و پسر بچه، نوه‌ی او هستند.

تأسیس مدرسه‌ی اتفاق در تهران، که اغلب به مدرسه‌ی عراقي معروف بود، از مهم‌ترین و بارزترین اقدامات یهودیان عراق بود. این مدرسه توسط مایر عبدالله باسون^۱ تأسیس شد.

عبدالله، قطعه زمین بزرگی که برای بنای کنیسه‌ی عراقي، در مجاورت دانشگاه تهران واقع در خیابان شاه رضا (خ انقلاب فعلی) اختصاص داده شده بود خریداري کرد.

1. Basun.

فراگرفتند و خارج از خانه به هر دو زبان فارسي و عربي سخن می‌گفتند. يهوديان عراق، علاوه بر زبان، به سنت‌های خود پاي بند بودند، غذاهای عرب می‌پختند و به موسيقی های عربي گوش می‌دادند. فرزندان آن‌ها زيرکانه میان فرهنگ ايراني و عربي رابطه ايجاد کردند: کوبه و قرمه سبزی می‌پختند و به آوازهای ام كلثوم و دلکش گوش می‌دادند. بدین ترتيب با حفظ ميراث عربي اجاد داشان به اتخاذ ماهيت ايراني هم تظاهر می‌کردند.^۲

2. يادداشت‌های نیکخت ۲۰۰۰، ص ۲.

گویش‌ها

فصل هفدهم

گویش‌های یهودیان ایران و افغانستان^۱

مایده سهیم

اطلاعات اولیه‌ی ما درباره‌ی گویش‌های یهودیان ایران بسیار محدود است، زیرا تحقیقات اساسی روی آن‌ها از قرن بیست آغاز شد و داشت ما به گفته‌های شفاهی و آن چه محققان جدید بیان می‌کنند، محدود است. در ضمن فقط متن‌های کوتاه و اولیه‌ی یهودی به زبان فارسی - یهودی نوشته شده است.

لهجه‌های متفاوت زبان‌های مادری

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، زبان مادری یهودیانی که در ایران متولد می‌شدند با مردم اطراف شان متفاوت بود. با این که گفته می‌شود اکثر یهودیان فقط با زبان رایج در محله آشنا بودند و فارسی یا زبان هموطنان مسلمان‌شان را نمی‌دانستند، یهودیان ایران، به خصوص مردان آن‌ها به چند زبان صحبت می‌کردند و با این که در واقع از دیگران جدا بودند، ارتباطات محدود روزمره آن‌ها را تا حدودی به آشنایی با گویش‌های دهات، روستاها و شهرها نیازمند می‌کرد. در برخی شهرها مانند تبریز، که جمعیت ارمنی، آشوری، گرجی و روسی فراوان داشت، یا همدان، که عده‌ای ترک، لر، کرد، آشوری و ارمنی در آن زندگی می‌کردند، آشنایی با زبان دوم و سوم و حتی چهارم هم ضروری می‌شد. استقاده‌ی کلی از زبان فارسی، یعنی زبان عمدی ادبیات فارسی - یهودی و آوانویسی شاهکارهای ادبی فارسی به خط عبری، نشانه‌ی آشنایی و نه تسلط کامل یهودیان ایران با زبان فارسی است.

یهودیان اروپایی، به جز یهودیان سفارديک^۲،

بنابر مدارک تاریخی اولیه، یهودیان در ۷۲۱ ق.م. توسط سارکون دوم پادشاه آشور (۷۲۱-۷۰۵ ق.م.) به بخش غربی فلات ایران آورده شدند و ممکن است اولین ارتباط میان یهودیان و بومیان ایران، حتی پیش از آن دوره صورت گرفته باشد. از آن پس تبادلات فرهنگی مستمر یهودیان سامی زبان و ایرانیان هند و اروپایی زبان^۳، موجب تأثیرات فرهنگی و زبانی دو سویه شد.

پس از استقرار یهودیان در سرزمین مادها^۴، در بخش غربی و مرکزی فلات ایران، ناگزیر زبان مردم سرزمین جدید را فرا گرفتند و به لهجه‌های مختلف یا ثانویه آن سخن گفتند. وقتی زبان فارسی جای گزین گویش مادی در مراکز شهرها شد، یهودیان هنوز به زبان مادری یا محلی سخن می‌گفتند.

۱. در اصل کتاب در این جا درباره‌ی آواهای زبان فارسی توضیحاتی برای انگلیسی‌زبان آورده بود، که بازگویی آن‌ها برای خواننده‌ی ایرانی غیرضروری بود.

۲. عهد عتیق دوم پادشاهان ۱۷^۶، تاکنون درباره‌ی مادها، هم می‌بین نوع سند و یافته‌ی تاریخی و باستان شناختی به دست نیامده و ذکر نام مادها در تورات، ذکری نامعین است. احتمالاً غرض از مادها باید قوم «مدی» یا «مندی» باشد که حوالی سرزمین خزران می‌زیسته و متعدد کورش در حمله به بابل بوده‌اند. (مترجم)



۲۱۸. خانواده‌های رفاییلی، خلیلی، یوسف زاده و کهن، کرمانشاه.

زبان‌ها به طور کامل تسلیم نشده، مثلاً برای نگارش، ترجیحاً از الفبای عبری استفاده کرده‌اند و به آن دلیل که الفبای فارسی شبیه الفبای قرآن بود، یهودیان ایران از یادگیری آن منع می‌شدند. تمام نوشته‌های شخصی، اشعار و متون ادبی یهودیان انحصاراً به خط عبری و به زبان فارسی بوده است. بنا براین یهودیان ایران از ادبیات فارسی دور شدند و با خط عبری خود نوعی استقلال به دست آورده‌اند ولی از جهات دیگر کاملاً با همسایگانشان، همگون و همنگ بوده‌اند.

می‌نوشتند. متون زبان‌های یهودی به بخش‌های پراکنده‌ای با خط‌های مختلف محدودند. زبان یهودی - فارسی نسبت به زبان عبری زبان میانه‌ای است، اما شاخه‌ای از زبان فارسی محسوب نمی‌شود حجم عظیم متون یهودی - فارسی موجود و نیز تمایل به نسخه برداری از ادبیات فارسی، نشانگر اهمیت این زبان در میان یهودیان ایران است. با این همه و با وجود این که یهودیان مناطق اسلامی، زبان همسایگان، یعنی فارسی، عربی یا ترکی را آموخته‌اند، اما هرگز به این

فصل نوزدهم

قالی های یهودی - ایرانی

آنتون فلتون

صنعت اش بافتگی و صادرات عمدۀ اش، پشم بود.^۱

- سه هزار و پانصد سال پیش، بافت اولین فرش یهودی ضروری شد. بنابر کتاب خروج، آغاز مهاجرت یهودیان چندان با خوش یمنی همراه نبوده است^۲. زیرا زمانی که موسی و بنی اسراییل از مصر گریخته و به صحرا رسینا آمده بودند و ده فرمان بر موسی نازل شده بود، از آن جا که معلوم نبود در آن موقعیت سرگردانی در صحرا چه گونه باید از لوح‌ها محافظت کنند، بار دیگر دستورات فوری و کاملی از سوی قادر متعال صادر می‌شود. دستوراتی که بخش اعظم مطالب فصل‌های ۲۵، ۲۶ و ۲۷ کتاب خروج را در بر می‌گیرد و از جمله این که بنی اسراییل باید معبد متحرک بسازند و لوح‌ها را در آن قرار دهند. در واقع، این معبد متحرک چادر سیار بزرگی بود که از چهار قطعه قالی‌های کلیم مانند نصب شده بر روی یک چارچوب، تشکیل شده بود. گفته شده است که این قالی‌ها بسیار نفیس و دیدنی، به رنگ‌های نیلی، زرشکی، قرمز روشن و سفید بوده، یک سمت آن‌ها، طرح چند شیر و در سمت دیگر طرح چند عقاب داشت و به قالی‌هایی شبیه بود که تا همین اواخر توسط صحراء‌گردانی سینا بافت می‌شود. این مشخصات نخستین قالی‌های یهودی سه هزار و پانصد سال پیش است.

و اما فرش یهودی چیست؟ دوران، محل بافت، رنگ و تعداد کره‌ها ممکن است در این نوع فرش‌ها متفاوت باشد، اما در سمبول‌های

از دشواری‌های بیان تاریخ این است که نمی‌توان بدون در نظر گرفتن بیشینه‌ها، به موضوعی رسیدگی کرد. در این باره نیز به تر است چنین آغاز کنیم؛

- سی هزار سال پیش، صنعت ریسندگی و بافتگی نقشی مهم تراز اختراع چرخ داشت.^۳

- نه هزار سال پیش، حصیرهایی با بافت منظم تار و پود، در محلی که امروز صحرا جودان خوانده می‌شود، تهیه شدند^۴. این حصیرها در موزه‌ی اسراییل و در اورشلیم نگهداری می‌شوند.

- پنج هزار سال پیش، مصریان باستان حصیر را برای پوشاندن کف خانه‌ها و به عنوان سایه بان‌های اتاقک‌های چوبی می‌بافتند. نقاشی‌های دیواری، بافتگان را پشت دستگاه‌های بافتگی در مقبره‌های فراعنه نشان می‌دهد^۵.

- چهار هزار اش شهر اور را ترک کرد تا بنیان چهار پایان اش شهر را بگذارد^۶. او از جامعه‌ای رفت که

1. Ross 1977, 147.

2. کتاب خروج فصل ۲۶ آیات ۲۲-۲۳ و ۲۶-۲۷ و فصل‌های ۲۵ و ۲۶ و ۲۷.

1. Barber 1991, 43.

3. Harris 1993, 54.

2. همان، ص ۱۲۹.

4. Grunkel 1964, X.

در اواخر قرن هفتم میلادی، اسلام وارد خاور میانه شد و تمی دانیم بر اثر این ورود به بافتگان یهودی ایران صدمه‌ای وارد شد یا نه، ولی می‌دانیم یهودیان جنوب عربستان به اریابان جدید خود مالیات فریش می‌داده‌اند. این خود گواه است که بافت قالی‌ها، از نظر کمیت و کیفیت، مطلوب بوده‌اند. کویا اسلام، قدرت کشاورزی خود را از راه اخذ مالیات‌های سنگینی که از مزرعه داران غیرمسلمان می‌گرفت، تقویت می‌کرد. در نتیجه یهودیان و مسیحیان، زمین‌ها را رها کرده به شهرها رفتند و به مشاغلی چون رنگرزی و بافتگی روی آوردند.

«جینزه»^۱ اتفاقک نیمه مخفی زیر شیر وانی کنیسه‌ای در قاهره‌ی باستان، گنجینه‌ی بزرگی از استناد و مدارک جامعه یهودی را در خود جای داده که اطلاعات مربوط به قالی‌های یهودیان قرن دهم تا سیزدهم میلادی در آن فراوان است. یک بافتگان یهودی که مجبور بود در کارگاه قالی بافی دربار دمشق کار کند، به کلایه می‌کوید: «صنعتگران این حرفه همکی یهودی‌اند من تنها قرابی میان آن‌ها هستم».

كتوپای یک عروس یهودی فقیر که در لبنان ازدواج کرده حاکی از آن است که وی فقط یک فرش پر ز بلند داشته که از آن به جای رختخواب هم استفاده می‌کرده است. منابع دیگر از خانه‌های سراسر مفروش، با یک فرش بزرگ در وسط، دو کناره‌ی طویل در اطراف و یک پادری در ورودی خانه یاد می‌کند. شکایت‌های بسیاری هم علیه زنانی که فرش‌های همسرانشان را می‌رزیدند، به چشم می‌خورد. دادگاهی هم در سوم سپتامبر ۱. Genizah.



۲۲۱
۱۸۸۰ م. گالری هنر و آرشيو آرتور ساکلر، مؤسسه
اسمعیت سوینن، لکسیون مایر. ب. اسمیت.

غیر مجاز بدانند، پس به کلی ندیده گرفته‌اند. مطالعه‌ی تلمودی قرن سوم ما را به صنعت گران یهودی دوره‌ی ساسانی آشنا می‌کند. تمام صنعت‌ها اتحادیه‌ی خاص خودشان را داشتند و هر صنف، سروبد کار ویژه‌ای داشت. رافهونا از نقطه نظر دینی تلمودی می‌کوید: آوازهای قایقرانان و کشاورزان، مجاز و سرودهای بافتگان، ممنوع است. ممکن است آواز بافتگان به این صورت اجرا می‌شده که سرکارگر با صدای بلند به گره زن‌ها می‌کفت چه رنگی را به دنبال کدام رنگ ببافتند. این شیوه‌ی عالی حافظه سهاری، در دست بافته‌ای که ممکن بود حدود دویست و پنجاه هزار تا دو میلیون گره‌ی جداگانه داشته باشد، برای قالی‌های مخصوص به کاری رفت. از دلایل ممنوعیت این آوازها این بود که قایقرانان و برزگران دائم در حرکت بودند و آوازشان مزاحم مردم نبود، ولی آواز بافتگانه‌های ساکن برای همسایگان ایجاد دردسر می‌کرد. هشت‌تصد سال بعد، راشی، شیخ اعظم، که خود بافتگان ماهری بود، اعلام کرد که آواز بافتگانه‌ها، بی‌هوده و کفرآمیز است.



۲۲۲. سلیمان و ملکه صیا، کاشان، ۱۸۵۰م، ابریشم،
۱۹۷×۱۳۵ سانتی متر. آنتون فلتون، لکسیون شخصی.

جهان گرد بزرگ دیگر یهودی قرن دوازدهم به نام «رابی پتاکیای راتیسبونی»، از آکادمی یهودی بغداد و قالی های متعدد و نقیسی که در آن گستردۀ بودند، با شکفتی یاد کرده است. در دیدار از معبد «ایزکیل^۱» هم می گوید: «آن جا، قالی های نقیسی بر زمین گسترده بود». رابی پتاکیا می گوید:

«یهودیان، قالی ها را برای این که قبرها از هنک حرمت مصون باشند هم به کارمند زیرا زمانی که در باریه‌ی فرش گورهای خاخام های بزرگ یهودی قرون سوم تا پنجم پرسیده بودند، جواب می دادند که زیر هر یک از این قالی ها، ماری پنهان است تا به آن ها که جسارت کرده و به گورها بی احترامی کنند، حمله کند».^۲

Ezekiel^۳، نام این معبد یهودی در سطح پنجم کل نیشه کورش نیز آمده، تا پیوند کامل میان یهودیت و هخامنشیان ۵. Adler 1987, 78.

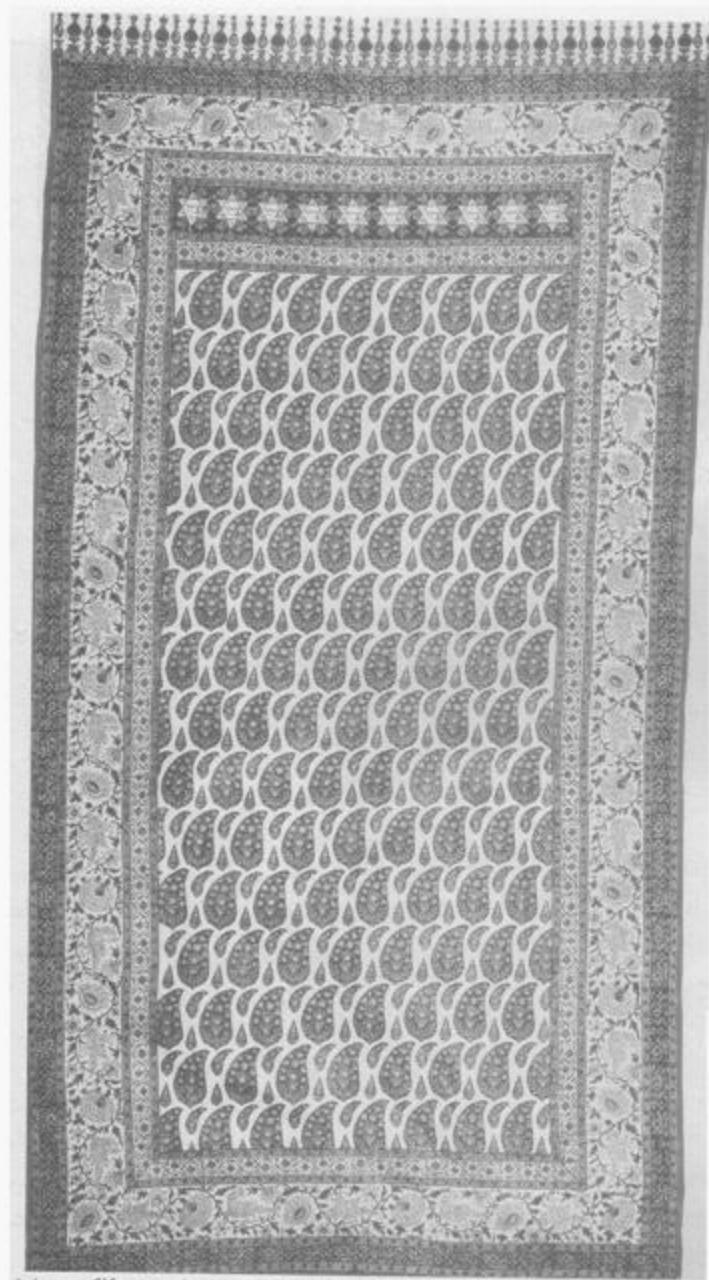
بر ملاتر شود. (متترجم)

۱۱۵۹ م برای رسیدگی به مسئله‌ی شراکت در یک کارخانه قالی بافی تشکیل شده و بسیاری طبیبان از جمله ابن میمون مشهور، قالی های بسیار بزرگی در آتاق های انتظار مطلب شان بهین می کردند. ابن میمون در ۱۱۷۷م در باره‌ی کنیسه هایی در اسپانیای مسلمان، آفریقای شمالی و فلسطین، که به داشتن قالی های نفیس معروف بوده اند، مطالعه نوشته است. گزارشی مربوط به قرن یازدهم در چنینه اهمیت قالی ها را در درگیری میان دو کنیسه‌ی قاهره‌ی باستان مشخص می کند. کنیسه‌ای که متعلق به یهودیان فلسطین بود، یهودیان بیزانس را پوشش می داد و دیگری به یهودیان عراق متعلق بود. هر دوی این کنیسه‌ها به طور همزمان، سخت می کوشیدند تا اعضای کنیسه‌ی مقابل را جذب کنند. کنیسه‌ی یهودیان عراق القاب و افتخار به افراد می بخشید ولی راه کار کنیسه‌ی بیزانس موفق تر به نظر می رسید، زیرا نه تنها مراسم کم تری برگزار و از نسخه‌های نفیس کتاب مقدس و طومارهای عالی تورات استفاده می کرد، بل برای حاضرین در کلیسا، فرش های زیبا و مرغوب هم می گسترانید.

بنابر اسناد کتبی دیگری که جهان گرد بزرگ قرون وسطی، بنیامین تودولایی، در اواخر قرن ۱۲م ارائه داده، جمعیت های یهودی در اکثر مراکز قالی بافی ایران مثل همدان، اصفهان و شیراز زندگی می کرده اند.^۴ گزارش دیگری می گوید مرکز خرید و فروش فرش، در توستار^۵ بود که حدود پانزده هزار یهودی در آن می زیستند.^۶ سرزینین بین اصفهان تا توستار، به یهودستان نیز معروف بوده است.

1. Adler 1987, 53.

2. Gilbert 1993, 11. Tustar, احتملاً شوشتار.



۲۲۵. یک قالیچه‌ی بزرگ یهودی، اصفهان، ۱۸۵۰ م، بته قلم کار، ۱۵۲×۷۵ سانتی متر، کلکسیون شخصی، کتابخانه‌ی برجمن آرت.

تخم مرغ های کوکو فرد و بسته به تعداد شرکت کنندگان، مقاومت است. هر بار که تخم مرغی شکسته می شود، نام مرده را تکرار می کنند. میوه و نخود میان مردم پخش می شود و مردم هنگام خوردن آن ها برای مرده دعا و فاتحه می خوانند. به جای چای روزمره، قهوه‌ی شیرین سرو می شود ولی نقل و شیرینی و هر چیزی که طعم شیرین داشته باشد در مراسم سوگواری پخش نمی شود. اما غذای تازه و گلاب برای معطر سازی و فاتحه خواتی همیشه وجود دارد و مردم دعای مخصوص رویش گیاه از خاک را قرائت می کنند.

یک ملا هر روز به خانه‌ی متوفی می رود و مرآمیر قرائت می کند. یک شمع هم به طور شبانه روزی تا هفت روز به یاد متوفی روشن می ماند. هر روز حدود چهل تا پنجاه نفر به خانواده‌ی متوفی سر می زنند و خانواده‌ی برای آن ها غذا تدارک می بیند. حداکثر ده مرد، در فارسی با عنوان «عشره»^۱ و در عبری «مينيون»^۲ برای نیایش و نماز می آیند. مردان صبح پیش از رفتن به محل کار قهوه‌ی شیرین، میوه و نخود و کشمش می خورند و برای مرده، دعا می کنند.

در پایان هفت روز، عزاداران به مزار مرده می روند، پیش از خروج از قبرستان دست و صورت شان را می شویند، دعا می کنند و به حمام می روند تا اندوه را از خود دور کنند. همسر، پسر، پدر و برادران متوفی تا سی روز، که «شلوشیم»^۳ می گویند، ریش خود را نمی تراشند. برخی یهودیان هم به شیوه‌ی مسلمین تا چهل روز عزیزی می کنند و ریش

نامزدی زنان خانواده‌ی داماد برای عروس طلا می برند و نقل پخش می کنند زنان و مردان در جشن حنا بندان پیش از عروسی شرکت می کنند و برای قربانی کردن یک حیوان، پول می دهند. طلاق در بین زوج های یهودی در ایران کم است. اگر خانواده‌ای با مشکلی روبه رو شد، بزرگ تران و یا ملاها با زوجین صحبت و مستله را رفع می کنند، زیرا شخصیت و آبروی خانواده برای افراد بسیار مهم است. مستله‌ی دیگر، واپستگی مالی زن به شوهر است. تاسال ۱۹۶۶ هیج زن ایرانی یهودی ارشیه نمی گرفت و از آن به بعد، هنوز پسرها دو برابر دخترها ازث می برند.

مرگ و سوگواری

اقوام و دوستان متوفی به تدریج در خانه‌ی مرده جمع و مراسم تشییع جنازه، روز پس از وفات انجام می شود. تمام مراسم پیش از تدفین را در ساختمانی در گورستان برگزار می کنند. جنازه را در اتاقی شسته و در کفن می گذارند و سایر عزاداران در اتاق دیگری می ونیایش می کنند. وقتی جنازه برای دفن آماده شد، درون جعبه‌ی سر باز یا روی تخته‌ی صافی قرار می گیرد و به طرف قبر برده می شود. بدنه را مستقیماً درون زمین قرار می دهند و مردان گور را بد می کنند. مردان «قادیش»^۴ و نماز میت می خوانند و با گلاب، قبر را معطر می کنند. کوزه‌های آب همه جا هست تا مردم دست و صورت شان را پیش از خروج از قبرستان بشوینند.

غذایی برای عزاداران فراهم می شود که شامل ماهی و کوکو است. در برخی جوامع تعداد

1. Asara.

2. Minyon.

3. Shloshim.

۲۲۴ 1. qaddish.



۳۵۶. گورستان یهودی، لنجان، سرچ بت آشن، در اطراف اصفهان، آرشیو شخصی لوپ.

۳۵۷. گورستان قدیمی، تهران (۱۳۴۴ هجری).



فاتحه می خوانند و یک ملا برای قرائت متون مقدس دعوت می شود. گفته می شود آن ها که مراسم سال گرد را برگزار می کنند، عمر طولانی تری دارند. دوستان و اقوام برای زنان لباس های رنگی یا پارچه می آورند و درحالی که روسربی و یا شال به سر می آذارند، بلوز یا پارچه ای را روی شانه های خود می کشند.

شانه ای مردان هم با لباس جدید یا روسربی پوشانده می شود. این کار به عزاداران کمک می کند زودتر غم خود را فراموش کنند و به زندگی عادی و اجتماعی خود بازگردند.

هر سال، اقوام نزدیک متوفی سال گرد می گیرند. برخی خانواده ها هم مقبره و اتاقک می سازند و در سال گرد پدر و مادر و پدریز رگان خود، غذا و زیر انداز می آورند و چند روزی بر سر قبر می مانند. وقتی به خانه باز می گردند فاتحه می خوانند و غذاهای سوکواری سرو می کنند، ملایی در گوشه ای

. ۲۵۹. سنگ قبر، اصفهان.



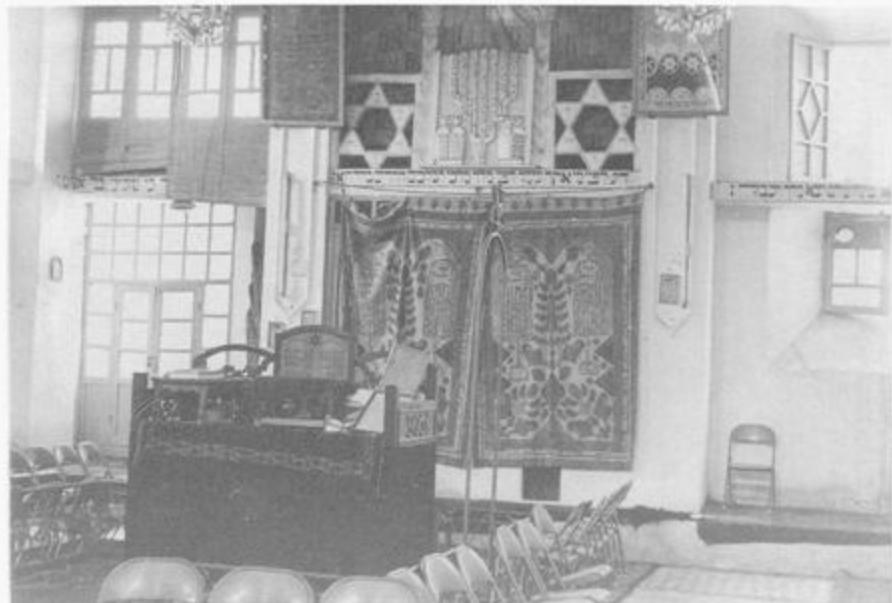
۲۶۰.
۲۶۱.



۲۵۸. سنگ قبر، لنجهان نزدیک اصفهان، ۱۹۹۳ م.

نمی زنند. در پایان سی روز، عزاداران دوباره به قبرستان می روند، غذا می خورند و به خانه باز می گردند. طی سال اول، ماهانه مراسم یادبودی با همان شیوه می راسمه شیعیج نثاره برگزار می شود و به مرور، زمانه از اندوه صاحب عزا می کاهد. اما هر ماه یک ملا بخش هایی از تورات انبیا، مزمایر و سایر متون مقدس را برای مرده قرائت می کند.

طی سال اول، زنان عزادار سیاه می پوشند و در هیچ مهمانی، مخصوصاً اگر با رقص و آواز توازن باشد، شرکت نمی کنند. آن ها که به زندگی پس از مرگ اعتقاد دارند به جای لباس سیاه، جامه ای تیره می پوشند اما زنان باردار لباس سیاه نمی پوشند زیرا معتقدند که و اندوه بر جنین آن ها تأثیر می گذارد. مجالس سالانه ای به نام «سال» یا «زاخارون» برگزار می شود. در اولین سال گرد فوت، سنگ صافی روی قبر می گذارند. درخانه دعا و



۲۷۳. کنیسه، بروجرد.

۲۷۵. کنیسه‌ی بزرگ، سنتنج.



۲۷۴. کنیسه، بروجرد.



۳۷۷. کنیسه‌ی بزرگ، سنتنچ.

۳۷۸. کنیسه، بوشهر.





۲۸۱. کنیسه‌ی کرمانشاه.

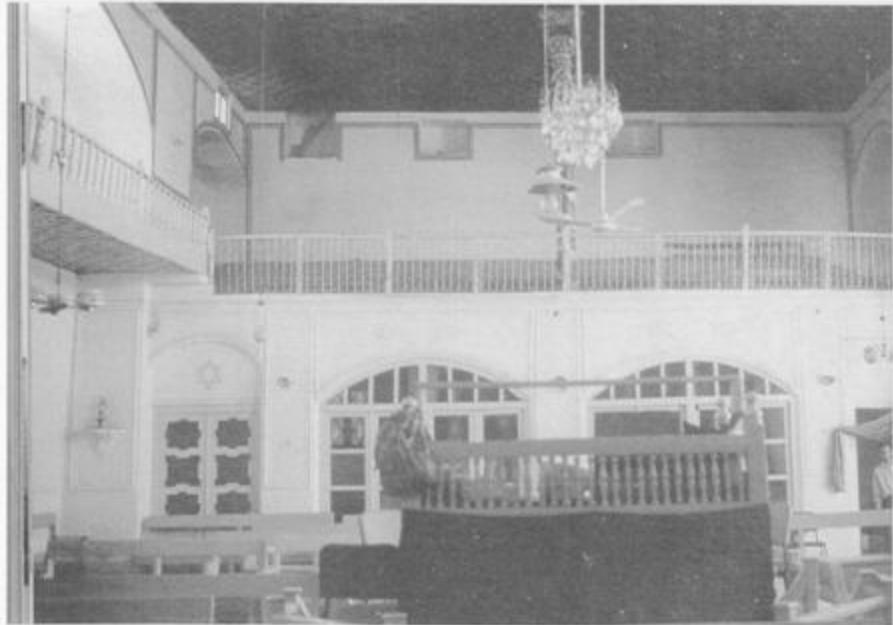
۲۸۳. کنیسه‌ی کرمانشاه.

۲۸۲. آقای بابایی یا تورات کوچک، کرمانشاه.



گلستان
۳۶۰





۲۸۸. کنیسه‌ی بزرگ، همدان.

۲۸۹. تورات خوانی، کنیسه‌ی ملامیشی، شیراز.





۴۰. نوازندگان یهودی، چه: یعقوب کاشی، نوازنده‌ی تار، تیرام تبرام (اریه) مرکز، ویلون در دست دارد، شیراز.

۴۱. پختن نان ماتسو: نان پهن و فطیر عید پسح.





٤٢٥. اسکناس دویست ریالی، زمان محمد رضا شاه پهلوی با نمای بزرگ از ستاره، لطف الله حسی

فصل بیست و چهارم

سلطنت پهلوی و انقلاب اسلامی

داؤد مناشری

دغدغه‌های اصلی فرهنگی و سیاسی شاه بود، جای خود را به اعتلای سنت‌های امام علی داد، همان اندازه که شاه به میراث پیش از اسلام ایران وفادار بود، انقلاب اسلامی خواستار احیای فرهنگ و ارزش‌های اصیل اسلامی شد و همان طور که شاه هوادار غربی سازی ایران بود، انقلاب اسلامی تأثیر و تهاجم غربی را تهدیدی جدی می‌دانست. همچنین خلاف ارتباط نزدیک شاه با ایالات متحده آمریکا، امام، آمریکا را «شیطان بزرگ» می‌دانست و علی رغم ملی گرایی شدید شاه، نظریه خمینی مرزهای جغرافیایی و سیاسی و قومی میان امت مسلمان را نمی‌پذیرفت و نادیده می‌گرفت. چنان که مواضع این دو شخصیت، درباره اقلیت‌های دینی با یکدیگر متفاوت بود. پس جامعه‌ی یهود ایران تحت تأثیر تغییرات انقلابی کشور قوارگفت و با این که تا سال ۱۹۷۹ م از آزادی مطلوبی برخوردار بود، تغییرات سیاسی انقلاب، پی‌آمد های مثبتی برای آن‌ها در برنداشت.

علامت اسکناس دویست ریالی

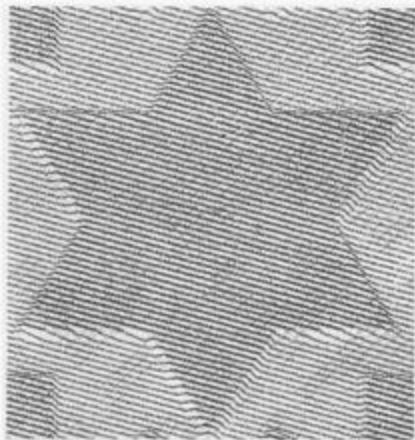
علامت ستاره شش پر، ستاره داود، در پشت اسکناس‌های دویست ریالی، که بانک مرکزی ایران در سال ۱۹۷۴ م منتشر کرد، از ابتدای استقبال مردم روبه رو نشد.

با این که ترکیب‌هایی شبیه ستاره شش پر در طرح‌های سنتی ایران، نظیر تصویر صفحه بعد، در بسیاری از نقوش کاشی کاری‌های ایران دیده می‌شود^۱، اما چاپ آن بر پشت اسکناس‌ها این شایعه را به وجود آورد که ۱. مؤلف در اینجا به طور واضح قصد خلط مبحث و باج‌کری فرهنگی را دارد. (متوجه)

طی دو قرن اخیر، تفکر سیاسی و روشن فکران ایران، درجست وجوهی راهی برای تعیین تکلیف با پدیده‌ی مدرنیزاسیون، سرگردان بوده است.

از دیدگاه تفکر اسلامی، که تا اواخر قرن هجدهم بر مردم ایران غالب بود، مدرنیزاسیون کشور را به سوی نوعی غربی سازی می‌برد که اوج آن در دهه‌های پایانی حکومت پهلوی و در زمینه‌های مختلف بروز کرد. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ م موجب بازگشت این روند غرب گرایی شد. انقلاب اسلامی نه تنها تغییر رژیم، بل نوعی نهضت با چهره‌ی اسلامی شرقی محسوب می‌شد که خواستار دگرگونی در تمام ابعاد زندگی پیشین بود. انقلاب اسلامی طی دو دهه قدرت خود، ایده‌های سیاسی داخلی و خارجی ایران را کاملاً تغییر داد و از جمله تأثیر فراوانی بر اقلیت‌های دینی و نژادی بر جای گذاشت.

دگرانساني سیاست‌های ایرانی در تفاوت تفکر محدث رضا شاه پهلوی و آیت الله روح الله خمینی کاملاً مشهود است. جهان بینی خمینی کاملاً نقطه‌ی مقابل دیدگاه پهلوی بود. گرایش به ایران باستان و میراث کوروش کبیر، که از



علامت ستاره‌ی ناود بر پشت اسکناس‌های دویست ریالی زمان محمدرضا شاه.

در اختیار آن دولت می‌گذارد.^۱ با وجود تهمت‌های بسیاری که به خاندان و سلطنت پهلوی زده می‌شد، این اسکناس در سال ۱۹۷۴م چاپ شد. در این زمان، که با تحریم نفت مصادف بود، شاه خلاف میل سایر کشورهای عرب، همچنان به اسراییل و آمریکا نفت می‌فروخت.^۲

بنا بر این مخالفت مسلمانان جهان با رژیم پهلوی و به خصوص شخص محمدرضا شاه شدت گرفت و در چنین جو سیاسی - اجتماعی بود که ارسال یک میلیون قطعه اسکناس دویست ریالی با نقش ستاره‌ی شش پر، به بانک‌های سراسر کشور به این عقیده‌ی نادرست دامن زد که در ایران توطئه‌ای یهود ساخته، یا کمک شاه، علیه

۱. در سال ۱۹۵۹م، شرکت نفت ملی ایران و تعدادی شرکت‌های اسراییلی، مشترکاً شرکتی به نام «ترانس آسیاتیک» تأسیس کردند و خط لوله‌ی نفتی از ایلات به حیقا در اسراییل کشیدند. در ۱۹۶۸، یک سال پس از جنگ‌های شش روزه‌ی اعراب و اسراییل، خط لوله‌ی دیگری از ایلات به عشکلون برای انتقال نفت خام کشیده شد.

[Chehabi 2000, 16, fn 56]

۲. از جمله نگاه کنید به : Chahabi, 2000 16-20.



نمونه‌ای از کاشی کاری با علامت ستاره‌های شش پر مکرر در مساجد یزد و اصفهان.

که اسکناس‌ها در اسراییل چاپ شده است. این شایعه در دوران تحریم اقتصادی نفت، برای دربار پهلوی پی‌آمد های ناخوش آیند شدیدی داشت.

مخالفان محمدرضا شاه پهلوی به شایعات یهودگرایی شاه دامن می‌زند و بدین وسیله وفاداری او به ایران را زیر سوال می‌بزند. مسئله‌ی یهودگرایی شاه ایران از سال ۱۹۵۰م آغاز می‌شود که دولت ایران حکومت اسراییل را به صورت دوفاکتو به رسمیت شناخت. سه سال بعد، در ۱۶ آگوست ۱۹۵۳م که شاه ایران بر اثر آشوب دوران مصدق، به رم گریخت، مشهور شد که یک تاجر ثروتمند یهودی ایرانی به نام «مراد اربی» به دیدار او رفت و با تقدیم چک سفید امضاء، سرمایه‌ی هنگفتی در اختیار شاه قرار داده است. خانواده‌ی سلطنتی از محل آن پول، تا زمان سرنگونی مصدق توسط «سیا»، بازگشت شاه به ایران، با آرامش در ایتالیا زندگی کردند. کفته می‌شود که پس از این اقدام، شاه نفت ایران را برای حمایت از اسراییل، با قیمت ارزان



۴۲۷. دیستان مختلط کوروش، تهران، ۱۹۴۱ م، مراسم فارغ‌التحصیلی. کوروش در آن زمان تنها مدرسه‌ی مختلط تهران بود.

۴۲۸. یعقوب سهیم (راست) و میرزا آقا هیرمند، همدان.
پسیان، ۱۹۲۹ م.

۴۲۹. کاپیتان سیون ازرسی (چپ) و کلتل حیدرقلی خان
پسیان، ۱۹۱۰ م.





۴۴۶. ملاقات محمدرضا شاه با سران جامعه‌ی یهودی ارومیه، ۱۹۵۸، م، موشے سینا (چپ) شالوم خاک شوری (وسط). آقای الیاس.

۴۴۸. لطف‌الله حسینی، نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۹۷۱ میلادی. وی در مجلس بیست و دوم و بیست و سوم مجلس مؤسسان حضور داشت و از بزرگترین مردان صنعت ایران در دوره‌ی پهلوی بود. با تأسیس کارخانه «شرکت کشمیران» یکی از سه تولید کننده‌ی بزرگ پشم در جهان بود. کمانتی دیگر وی «آفیا» از بزرگترین وارد کننده‌های دارو به ایران شناخته می‌شد.



۳۷۸



۴۴۷. ملاقات محمدرضا شاه از غرفه‌ی آدامس طوطی نشان در نمایشگاه جهانی. در عکس موسی کهن راده، صاحب کارخانه‌ی آدامس طوطی نشان از بزرگترین کارخانه‌های تولید آدامس در ایران حضور دارد.

اما برخی مؤسسات آموزشی^۱ و مؤسسات بین المللی یهودی در ایران فعال بودند. ارتباط با سازمان‌های اسراییلی: جنبش خالوتز، نماینده‌گی یهودیان و حکومت اسراییلی، قوی تر شد. اعلامیه‌های متعددی چاپ می‌شد و جماعت‌هایی از جمله کانون خیر خواه، سازمان بانوان یهودی و انجمن کلیمیان تشکیل شدند.

انقلاب سفید، دوره‌ی قدرت گیری دولت مرکزی و رشد فوری مدرنیزاسیون، فرصلت مناسب تازه‌ای فراهم کرد. درست پیش از سرنگونی شاه، دو سال را برای ادامه‌ی تحقیقات ام در تهران گذراندم و شاهد آزادی، آموزش و ثروت جامعه‌ی یهودی بودم. نقش آن‌ها در اقتصاد، علم و زندگی حرفه‌ای با سهم عددی و اجتماعی آن‌ها تناسبی نداشت. در میان جمعیت چهل میلیونی ایرانی، فقط

1. Otar - ha - torah, Ort.

۴۵. منوجهر بی‌بیان (راست) و سه همکار نوازنده‌ی ایرانی اش: راشل (بالا راست) کیتی (بالا چپ) داریوش (چپ)، تهران، ۱۹۷۰. م. منوجهر در ۱۹۲۲ در تهران متولد شد. در ۱۹۵۴م، شرکت آپولون موزیک را تأسیس کرد که پیشرفت‌های ترین استودیو تولید و ضبط موسیقی در آن زمان در کشور بود و موسیقی کشور را نگرگون کرد. از آن زمان تا انقلاب سال ۱۳۵۷، این شرکت، بزرگ‌ترین و مهم ترین استودیوی تولید موسیقی بود. بی‌بیان اکثر خواننده‌های معروف و آهنگ سازان بر جرسه و دستیاران زیده را به خدمت گرفت و حدود ۸۰ درصد آلبوم‌های موسیقی پاپ را در کشور تهیه کرد.



لذت
جذب
لذت
لذت

۷۶۴



۴۹. یوسف زادگان و جواهر لعل نور، تهران، ۱۹۵۹. م. یوسف زادگان صاحب بزرگ ترین سازنده و فروشنده‌ی پهبای کشاورزی و نفتی در خاور میانه بود. کارخانه‌ای که فارم وی کشاورزی را مکانیزه کرد و کشتیش داد، شرکت ایران مارگو، از صادرکنندگان تجهیزات صنعتی وی به هند بود.

بد و تیره روزی یهودیان بود.^۱ تبلیغات ضد یهودی در پی استقرار دولت اسراییل، اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰م و در زمان حکومت دکتر محمد مصدق آشکارا آغاز شد. مخالفت دیگر داخلی ضد یهودی در کشور، اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰م و به رهبری خمینی شکل گرفت.^۲

گزارشات شرایط زندگی یهودیان در دهه‌ی ۱۹۵۰م، متأثر کننده است. گرین والد در دیدار خود از ایران در ۱۹۵۸م نویسد:

«یهودیان ایران هنوز در گتوها و شاید هم بدتر از گتوها زندگی می‌کنند. پیش تر فکر می‌کردیم مردم مراکش و کازابلانکا بی‌چاره و لاعلاج اند اما در کثافت و یاس و خفت، بیماری و پلا با یهودیان تهران قابل مقایسه نیستند که واقعاً در جاهای کلی زندگی می‌کنند... در حالی که می‌گویند تهران هنوز محل مناسب تری برای زندگی است و یهودیان شهرها و روستاهای اطراف، حتی فرصلت دوره گردی و فعالیت‌های خلاقانه نیز ندارند و زندگی را صرفاً با کنایی می‌گذرانند».^۳

۱. به کتاب جدید آهارون کهن درباره بنایان کناران نهضت هاخالوتز در ایران رجوع نکنید. ناده‌های مشابهی در گزارش ارشیوهای خالوتز، یدبیتکن دیده‌می‌شود. (باکس ۱، فایل ۱).

2. Netzer 1986, 5-31; Zand 1986, 109-139; Pirmazir 1995, 483-502.

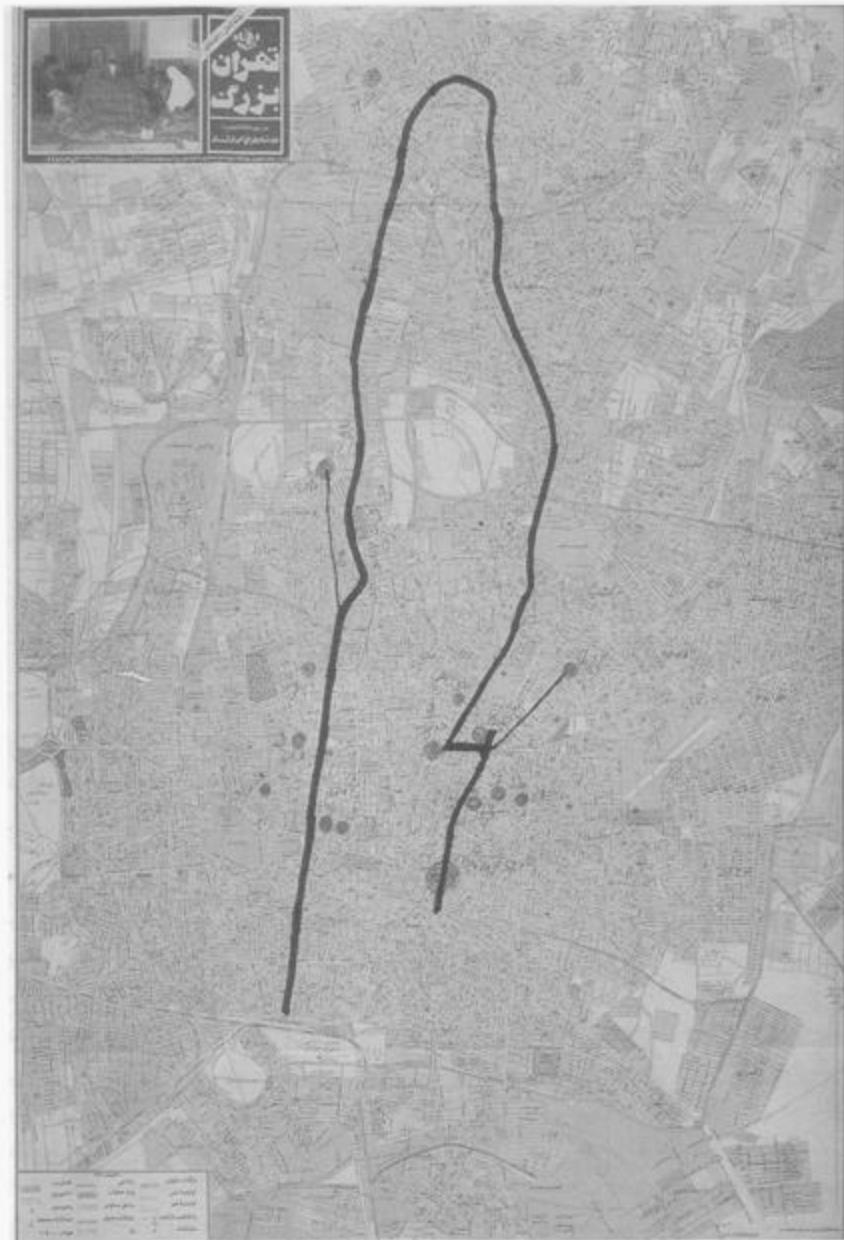
3. Central Zionist Archive [CZA], file K11/204, May 16, 1958; in Siegal 1994, 93.



۴۵۱. طاق نصرت، یادبود تاج گذاری شاه که از سوی جامعه‌ی یهود پر پا شده بود، خیابان زند، شیراز.

۴۵۲. نجات و هما سرشار در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، شیراز، ۱۵ اکتبر ۱۹۷۱ م. نجات سرشار ریس کمیسیون گسترش الکتریکی شهری و شرکت واتر-پاور و مدیر عملیات مهندسی و مستول برق رسانی به تخت جمشید برای برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بود. هما سرشار روزنامه نگار مجله زن روز و بعدها سردبیر، از بهترین روزنامه نگارها و برترانه سازان دوره‌ی خود شمرده می‌شد.





۴۵۴، نقشه‌ی مناطق یهودی نشین در تهران، پیش از انقلاب، خط سیاه نشانه‌ی محدوده‌ی شمالی یهودیان است. تهران، ۱۹۷۸ م، جهان‌گیر بنایان.



۴۵۵. جشن پیروزی انقلاب اسلامی در کنیسه‌ای در تهران، ۱۹۸۵ م. این عکس در زمان جنگ ایران و عراق گرفته شده که تهران و سایر شهرها هر شب از سوی عراق بمباران می‌شد.

یهودیان تغییر کرد و دارایی‌های قبلی شان مشمول پول شویی شد. جایگاه شاخص اجتماعی-اقتصادی، حمایت از شاه، ارتباط با اسراییل، صهیونیسم و امیریالیسم آمریکا را، به عنوان دلایلی علیه آن‌ها اقامه می‌کردند و نقطه نظرات شناخته شده‌ی خمینی هم بر تمام این‌ها افزوده می‌شد. یهودیان ایران زیر فشار قدرت داخلی قرار گرفتند. درست پیش از انقلاب اسلامی گروهی از روشنفکران

در شهرهای کوچک و بازارها یهودیان تهدید، توهین و اذیت می‌شدند. مقالات ضد یهودی و حتی بیانات صریح ضد یهودی منتشر می‌شد. جامعه‌ی یهود از موقعیت اقلیت بودن خود مطلع بود و در کنار همسایگان مسلمان، با احتیاط و محافظه کاری زندگی می‌کرد. با این حال توانستند از امنیت و پیشرفت بی‌سابقه‌ای برخوردار شوند.

در پی تغییرات انقلاب سال ۱۹۷۷ م، وضعیت

۴۵۷. ورودی کنیسه‌ی ابریشمی در دو معین سال گرد انقلاب اسلامی ایران، تهران، ۱۹۸۱ م.



۳۸۲
دیگر
پیش
از
آن





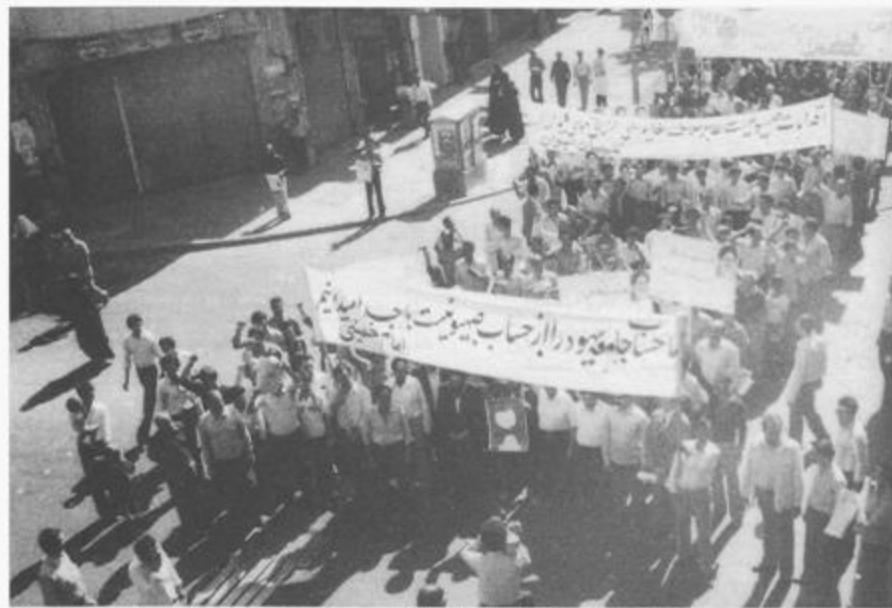
۴۵۸. عکس کوچک گوشه‌ی سمت چپ بالا: سعث راست خاخام اعظم یدیدیا شوقت و نفر وسط پسر او داوود شوقت، در صفوف تظاهر کنندگان انقلاب اسلامی ایران، تهران، ۱۹۷۹. م.

در صفوف این ارتش مبارزه می‌کنند و اعضای «ارتش سری یهودیان ایرانی» آند.^۱ سپس خاخام‌ها یک روز را برای روزه و نیایش به نیت سلامتی و به روزی کشور تعیین کردند ولی دریافتند برای حفظ موقعیت خود به اقدامات مؤثرتری نیازمندند. در عاشورای سال ۱۳۵۷ شمسی، که شاه هنوز حکومت می‌کرد، برخی گروه‌های یهودی به مجالس عزاداری مسلمین رفتند و از انقلاب حمایت کردند. ایشان با نمایندگان خمینی در پاریس مذاکره و امنیت جامعه‌ی یهودی ایران در هر شهر ایرانی را خواستار شدند. دوروز پس از پیروزی انقلاب، تعدادی از یهودیان در تظاهرات حمایت از رژیم جدید شرکت کردند. برخی هم بلاغاصله از کشور گریختند و بقیه راه اعتدال پیش گرفتند و نسبت به انقلاب اسلامی اعلام وفاداری کردند.

^۱. کیهان تهران، ۱۲ زوئن ۱۹۷۹ م.

جوان یهودی با گرایشات ضد سلطنتی و چپی به باز خواست و انتقاد از دولت قبلی که مدافعان سرمایه داری بود، برخاستند.

با شکست حزب‌های مخالف، یهودیان مورد تهدید مسلمانان قرار گرفتند. تهدید یهودیان هدف اصلی و سیاست خاص و خصلت انقلاب نبود، بل همواداران مستقل انقلاب، به میل خود، یهود آزاری می‌کردند که در مسیر تاریخ یهودیان ایران، تجربه‌ی تازه‌ای محسوب نمی‌شد. این مهاجمان نیز موجد همان خطراتی بودند که در تمامی دوره‌های بحرانی برای یهودیان به وجود می‌آمد. پس از جمعه‌ی سیاه، ۸ سپتامبر ۱۹۷۸ م و رواج شایعه‌ای که سربازان اسرائیلی در جنایات آن روز دست داشتند، تهدیدها و آزارها علیه یهودیان شدیدتر شد. روزنامه کیهان در مقاله‌ای نوشت نیروهای نظامی اسرائیلی، مغلوب تظاهرات ضد شاه شدند و «بسیاری از یهودیان ایران»



۴۵۹. جامعه‌ی یهودی تهران در تظاهرات ضد اسراییلی، تهران، ۱۹۸۲ م. در پلاکارد فوق، موسی با لقب قرائی کلیم الله ذکر شده زیرا بر اساس قرآن وی تنها پیامبری بود که مستقیم با خدا صحبت کرد. استقاده از نام اسلامی موسی، نشانه‌ی اتحاد با تظاهرکنندگان و جو خاص سیاسی ایران است.

جمهوری اسلامی: سانسرايان مي نويسد:

«با یهودیان ایرانی رفتاری بدتر از سایر اقلیت‌های دینی، به استثنای بهایی‌ها، صورت می‌گیرد».¹

برخی فاکتورهای برگرفته از فلسفه‌ی انقلابی و یا سیاست رژیم را که موجب ایجاد احساسات و فضای ضد یهودیان ایران می‌شود، می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

- بدرفتاری بنیادی با یهودیان همچنان زنده بود، زیرا زمان آزادی یهودیان در دوره‌ی انتهايی قدرت شاه آن قدر کوتاه شد که فرصتی برای تغییرات اجتماعی به وجود نیاورد.

- بنیان رژیم جدید بر پایه‌ی مقاومت رادیکالی دکم اسلامی استوار بود و خمینی تفکر و احساسات ضد یهودی را تشویق می‌کرد.
- حمایت شاه از یهودیان به خصوص در

چالشی برای اقلیت یهودی ایران

رهبران جدید انقلاب اسلامی، این عنوان را نه تنها به عنوان نامی برای یک نهضت، بل برای ساخت «ایرانی نو» بر اساس ضوابط اصیل اسلامی انتخاب کرده‌اند. بدین ترتیب طبیعی بود که اقلیت‌های دینی ایران تحت تاثیر قرار گیرند و نقطه عطفی در تاریخ یهودیان ایران ظهور کند. مشکلات متعددی پیش آمد و طی دو دهه‌ی نخست انقلاب، با این که هیچ تحریک دولتی یا آزار سیستماتیک اعمال نمی‌شد، دو سوم یهودیان و از جمله رهبران دینی و اجتماعی، تحصیل کردگان و خانواده‌های ثروتمند یهودی از کشور خارج شدند.¹

۱. در سال ۲۰۰۰ تعداد یهودیان ایران ۲۵۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شد.



۴۷۶. میراقا عزرا و خانواده، همدان، ۱۹۱۹ م. دختر بجهی مقنعه پوش وسطی که بر زمین نشسته است، همان طوبی کیمیابش سومخ در عکس شماره ۴۷۵ است.

ازدواج و تولید نسل، نوعی تضمین آینده محسوب می‌شود. زیرا فرزندان، به خصوص دختران، با این تفکر بزرگ می‌شوند که در آینده می‌باشد دستگیر و مراقب والدین سال خورده خانواده باشند. به علاوه، مسئولیت‌های نهانی دیگری هم بر عهده‌ی فرزندان بالغ گذارده می‌شود. در آمریکا، به خصوص در شهرهای بزرگ و مراکز کلان شهرها، تحرک اقتصادی، فضاهای فردی و رقابتی و تغییر معماری خانه‌ها و کوچک شدن آن‌ها، تغییراتی، و هنوز بسیار محدود، در ساختار خانوادگی و روابط دوستانه به وجود آورده است. برخی افراد به من گفته‌اند

«وقتی شوهرم در سانحه‌ی هوایی فوت کرد حتی تصور ازدواج مجدد را هم نداشتم. من بادو فرزند می‌باشد زندگی را به تنهایی اداره کنم. تنهایی دشوار بود. اما حالا می‌بینم زنان مطلقه دوباره ازدواج می‌کنند و حتی چنان ازدواج می‌کنند که کویی بار اول شان است: دسته کل عروس به دست می‌گیرند. این موضوع در فرهنگ ایران پذیرفته نمی‌شود. اگر من دوباره ازدواج می‌کردم، خانواده‌ی همسرم، به خصوص که شوهرم فوت کرده بود، آن را توهین به خود می‌دانستند. اما حالا اوضاع فرق کرده، و به جز در موارد بسیار استثنایی برای بیوه‌ی جوان هم فرصت ازدواج مجدد هست.»

عامل مؤثر بعدی، سلب مسئولیت مراقبت از سالم‌مندان خانواده از زنان است. در ایران،

تا قرن بیست و قرن بیستم تقسیم کرده ایم.
از تمام کسانی که مرا در جمع آوری استناد و تنظیم و تصحیح مطالب لازم، یاری کرده اند، سپاس گزارم. ضمن این که مسئولیت هر گونه بی دقتی، متوجه شخص من خواهد بود.

دوران پیش از اسلام

دانیال نبی (حوالی ۵۴۰ پیش از میلاد):
وی در شوش متولد شد و در دهه ۳۵-۵۴ میلادی ظهر کرد. نام وی بر کتاب بیست و دوم عهد عتیق آمده است.

ملکه استر (حوالی ۵۰۰ پیش از میلاد):
ملکه محبوب خشایارشا. وی شاه را از نقشه هامان برای قتل عام یهودیان ایران باخبر کرد. شاه خشمگین هامان را خلع و مجازات و مردخای عمومی استر را جانشینی کرد. روز بعد از روزهای مقدس یهودیان است و با اشاره به نقشه هامان، آن را عید پوریم می نامند.

عزراei نبی (حوالی ۴۵۰ پیش از میلاد):
رهبر دینی یهودیان که تبعیدیان را از بابل برگرداند. وی را اصلاحگری می دانند که جامعه‌ی یهود را بر اساس قوانین تورات بازسازی کرد. در نتیجه یهودیان پراکنده توансند جامعه‌ی واحدی تشکیل دهند و از نایابدی نجات یابند.

۱. این ترتیب بر اساس الفبای لاتین رعایت شده بود، که تغییر داده شدند. (متترجم)

۲. همین تاریخ گذاری بر محدوده‌ی زندگی استر، حضور او در دربار خشایارشا را منتفی و واپسگردی اش به دربار داریوش اول را مسلم می کند. رجوع به ناصر پورپیرار، ۱۲ قرن سکوت، هخامنشیان، فصل چاره اندیشه یهود.

۳. برگشت یهودیان از بابل به اورشلیم که در دور مرحه به زمان کوشش و داریوش انجام گرفته با این تاریخ مخوانی ندارد. (متترجم)

۴. به اقوال مقبره‌ی پنهانی او در ده کیلومتر و از بلوكات دعاوند است. (متترجم)

قدرت یابی روحانیون شیعه، تاریخ یهودیان ایران به سخت ترین دوران زندگی آنان بدل شد، مورد تجاوز، تبعیض و سخت گیری‌های شدید قرار گرفتند، به عنوان شهر وندان درجه‌ی دوم محسوب شدند، از حقوق اجتماعی محروم و همواره از سوی سران شیعه و پیروان افراطی آن‌ها مورد تهدید و آزار قرار گرفتند.

این وضعیت آشفرت تا اواخر قرن نوزدهم و شکل گیری انتلاف جهانی اسراییل و انقلاب مشروطه ادامه داشت. کم کم شرایط آن‌ها بهبود یافت و در اواخر جنگ جهانی دوم این روند بهبودی تسربیع شد و طی سه دهه حکومت محمد رضا شاه پهلوی، زندگی نسبتاً آرامی را تجربه کردند (۱۹۷۹-۱۹۴۱). یهودیان که اینک تحت قشار نبودند و برخی از آن‌ها هم در مدارس الیانس غربی تحصیل می کردند، به سرعت پیش رفت کرده در صنعتی سازی و مدرنیزاسیون ایران، نقش مهمی به عهده گرفتند. ایشان در سرمایه‌گذاری، بانکداری، بیمه، کارخانجات نساجی و کاشی سازی، داروسازی و مواد آلومینیومی شرکت کرده و به رشد صنعت ملی مدد رسانند. آن‌ها همچنین در هنر، فرهنگ و تفکر ایرانی شرکت کرده و کرسی‌های استادی دانشگاه، روزنامه نگاری و غیره را به دست آورده‌اند.

از آن جا که امکان ذکر اسامی تمام نخبگان، سرمایه‌داران و رجال سیاسی یهودی ایران میسر نیست، اسامی و شرح حال برجسته ترین یهودیان در طی ۲۷۰۰ سال زندگی در ایران را، به اختصار خواهیم آورد. برای سهولت استفاده، اسامی را بر اساس الفبا مرتب و به سه قسمت تاریخی پیش از اسلام، فتح اعراب

بازسازی اورشلیم و معبد دوم. در میانه‌ی قرن پنجم. وی اصلاحات اخلاقی و ادبی فراوانی انجام داد.
شوشاندخت (حوالی ۴۰۰ میلادی) : مادر بهرام گور و همسر یزدگرد اول.

حقوق نبی (حوالی ۶۰۰ پیش از میلاد)^۱ : پیش‌گو و فیلسوف و از نوادگان یهودیان تبعید شده به بابل بود. نام وی در کتاب هشتم عهد عتیق آمده است. وی از بابل به ایران آمد. مقبره‌ای در تویسرکان در غرب ایران به وی منسوب است^۲.

حجی نبی (حوالی ۵۲۰ پیش از میلاد) : وی بعد از سرگردانی بابیلون یهودیان را بسیج کرد تا معبد دوم را بازسازی کنند. در کتاب دهم از عهد عتیق نام وی، معروف به حضرت آگوس، ذکر شده است. در این کتاب به چهار پیش کویی دریاره چهار ماه از حکومت داریوش اول ۵۲۱ پیش از میلاد اشاره شده است.

مارزوپترا (۳۹۹-۴۲۰ پیش از میلاد)^۳ : رهبر جامعه‌ی یهودیان تبعید شده^۴ در دوره ساسانیان، پدر شوشاندخت ملکه‌ی یزدگرد اول و مادر بهرام گور. مارزوپترا علیه مذکیان، لشکر جمع کرد و در نهایت کشته شد.

مردخای نبی (حوالی ۵۰۰ پیش از میلاد) : عموی استر و نیروی کلیدی نجات یهودیان از نقشه‌ی هامان.

تحمیاً نبی (حوالی ۴۵۸ پیش از میلاد) : تحمیاً، ساقی دربار خشاپار^۵ و سرپرست

۱. این تاریخ هم درست نیست. تبعید یهودیان به بابل در ۵۸۶ پیش از میلاد صورت گرفته، بنابراین و با این تاریخ گذاری دیگر حقوق نمی‌تواند از نوادگان اسیران بابل بوده باشد. (متترجم)
۲. مقدیره‌ی دانیال و استر و مردخای به صورت شناخته شده و چون تماں این پاره‌ای بزرگ به زمان خامنشیان با قدرت کامل در ایران نیز نیستند و در همین جا نیز دفن شده‌اند، می‌توان پذیرفته که سلسله‌ی هخامنشی به صورت کامل در اختیار یهودیان بوده است. تا آن جا که نمی‌توان بین یهود و خامنشیان تلفکی قائل شد. (متترجم)

۳. این تاریخ گذاری نیز صحیح نیست، زیرا عمر صاحب عنوان را در ۲۱ سال ختم می‌کند و نمی‌تواند رهبر جامعه‌ی یهود و پدر شوشاندخت باشد. (متترجم)
۴. به عبری Rash galuta.

۵. در تورات تحمیاً خود را ساقی دربار اردشیر اول خوانده است، نه خشاپارشا. (عهد عتیق، تحمیاً، فصول ۱ و ۲)

فتح اعراب تا قرن بیستم

ابوعیسی اصفهانی (قرن هفتم) : بنیان‌گذار فرقه‌ی یهودی عیسویه در دوران اسلامی. گفته شده ابوعیسی، که به عبیده نیز معروف است، در صفهان علیه حکومت اسلامی شورش کرد. تاریخ این اتفاق مشخص نیست.

منابع قرایی معتقدند وی در زمان خلیفه‌ی اموی عبدالملک بن مروان (۷۰۵-۷۸۵ م) شورش کرد. گزارشات پراکنده حاکی از ان است که همزمان با ظهور نخستین فرقه‌های شیعه که عقاید موعد و باورانه داشتند، در سال‌های پایانی خلافت امویان، یهودیان نیز تاحدودی پیشرفت کرده و اوضاع شان بهتر شد.

ابوموسی عمران (قرن نهم) : یکی از رهبران قرائیه که به الطفیلی هم معروف است. وی پیروان اش را به اصلاح تقویم یهودی دعوت کرد. در تاریخ قرائیون، فرقه‌ی وی به نام ابو عمرانیه شناخته می‌شود.

هارون بن ماشیا (حوالی ۱۶۰۰ م) : شاعر یهودی ایرانی. نویسنده‌ی شوقتی نامه. عنان بن داود (حوالی ۱۱۷۹ م) : بنیان‌گذار قرائیسم. برگرفته از قراء (خواندن) عبری. نهضت دینی یهودی که منابع شفاهی و روایات را به عنوان منبع قانون الهی نمی‌پذیرفت و معتقد بود تورات عبری از تفسیر بی‌نیاز است. این نهضت، تفسیرهای شخصی از کتاب مقدس را مجاز نمی‌شمرد.

عزیز دانش راد (وفات ۱۹۸۸م) : نماینده‌ی یهودیان در مجلس شورای اسلامی ایران و در دوره‌ی پهلوی مدیر عامل شرکت ملی نفت و رئیس مرکز مطالعات تکنولوژی وزارت صنایع بود.

آلبرت دانیال پور : از مؤسسین و سرمایه‌گذاران کارخانجات فرش ماشینی و جوراب بافی بود. به اتهام عضویت در صهیونیسم، پس از سقوط شاه، توسط دادگاه انقلاب ایران، اعدام شد.

یونا دردشتی (۱۹۰۹-۱۹۹۳م) : در محله یهودیان سرجال متولد شد. تنها تک خوان موسیقی کلاسیک یهودی ایرانی بود که تا ده سال رسماً در رادیو برنامه اجرا می‌کرد. وی مجموعه‌ی موسیقی عبادی یهودی - فارسی دیگری با نام «سلیخوت»^۱ ساخت.

داود ابراهیمیان یعقوب بارقرش خیاط (اواخر نوزده و اوایل بیست میلادی) : مشروطه خواه یهودی ایرانی.

حاج حبیب القانیان (وفات ۱۹۷۹م) : وی صنعت پلاستیک سازی را به ایران وارد و شرکت پلاسکو را تأسیس کرد. وی و برادران اش یکی از بزرگ‌ترین کارخانجات صنعتی و تولیدی مرکب را در ایران مدرن تأسیس کردند. وی علاوه بر موقفيت در تجارت، عضو اتاق بازرگانی ایران و نماینده یهودیان تهران بود. در ۱۹۷۹م، از اولین کسانی بود که به جرم جاسوسی و فعالیت‌های صهیونیستی، دوستی با دشمنان خدا و محاربه با خدا و پیامبر، توسط دادگاه انقلاب ایران، محکمه و اعدام شد.

سیمون فرزامی (وفات ۱۹۸۰م) : یهودی لهستانی که با پروژه‌ی بجهه‌های تهران به

ورزش، سازمان تربیت بدنی ایران. **شموقل انوار** (۱۹۱۰-۱۹۸۰م) : عضو حزب توده. ویراستار مجله‌ی نیسان. جمعیت یهودیان چپ ایرانی.

مراد اریه (۱۹۰۰-۱۹۸۰م) : نماینده مجلس سیزدهم تا هجدهم. خانواده‌ی اریه صاحب کمپانی ایرانا، بزرگ‌ترین کارخانه‌ی کاشی سازی در ایران بودند. **بنیامین اصیل هازندرانی** (۱۹۲۲-۱۹۳۸م) : تاجری در شهر بابل (بارفروش)، بارها به اروپا سفر کرد و موجب جلب توجه جامعه یهودی اروپا به یهودیان ایران شد. در یکی از سفرهای ناصرالدین شاه به پاریس، وی شاه را دید و لقب امین‌الدوله گرفت.

عزیز آشر رابی رهامیم (۱۸۹۰-۱۹۶۰م) : مشروطه خواه یهودی. وی در رشت در ۱۹۰۹میلادی به گروه مجاهدین پیوست. در ۱۳ جولای ۱۹۰۹م، با ارتش انقلابی قوای «بختیاری» همراه شد که تهران را فتح کردند. **آشر الازاری بابازاده** (۱۸۸۰-۱۹۶۱م) : معروف به آقا آشر بانکی. امتیاز بانک استقراضی به دست آورد و «بانک رهنی و کارگشایی اطمینان» را در کوچه‌ی «سرجنگی» به سال ۱۹۲۵م تأسیس کرد.

استاد بالاخان : پدر مرتضی خان نی داود و ضرب‌کن در بیار ناصرالدین شاه بود.

موسی بیوال (۱۹۱۲-۱۹۹۰م) : نماینده‌ی مجلس پانزدهم و دومین مجلس مؤسسان. **موسی بروخیم** (۱۹۲۸-۱۹۹۹م) : استاد زبان فرانسه و مدیر مستول مجله «ژرناخ دو تهران» از ۱۹۴۱-۱۹۶۳م.

فتح الله بینا (متولد اوایل قرن بیستم میلادی) : نماینده‌ی اولین مجلس مؤسسان.



۴۷۸. حاج حبیب القانیان، تهران، ۱۹۷۸.

هجه سال نوازندهٔ دربار ظلّ السلطان، مسعود میرزا (۱۹۱۹-۱۸۵۰ م)، برادر ناصرالدین شاه و حاکم اصفهان بود. موسی کرمانیان (۱۹۲۲-۱۹۸۰ م) صاحب «تاریخ مختصر صهیونیسم» (فارسی ۱۹۴۵ م)، روزنامه‌نگار و سازمان‌ده جمعیت صهیونیست. تاجر موفق ایران و از بنیان کناران باشگاه برادران بود.

روح الله خالیپاری: نویسنده، روزنامه‌نگار و از بنیان‌گذاران روزنامه‌ی «علم یهود» در سال ۱۹۴۶ م بود. در اواسط ۱۹۵۰ م با رحمت الله دلیجانی و یعقوب اوریان (از کاندیداهای نماینده‌ی یهودیان در مجلس) روزنامه‌ی «دانیال» را تأسیس کردند که تا پنج سال چاپ می‌شد.

عبدالله خرمیان (متولد ۱۸۸۷ م) : بنیان‌گذار گروه گُر «هبرات قل نعیم»^۱ در محله‌ی سرجال تهران.

1. Hebrat Qual Na'im.

ایران آمد. در ایران ماند و روزنامه‌نگار «اطلاعات» شد. پیش از انقلاب نیز مدیر «آژانس فرانس پرس» بود. وی به اتهام جاسوسی و فعالیت‌های صهیونیستی توسط دادگاه انقلاب ایران اعدام شد.

شموقل حیم، موسیو حیم (۱۸۸۸-۱۹۳۱ م) : نمایندهٔ یهودی مجلس پنجم. روزنامه‌نگار و ویراستار روزنامه‌ی حیم (۱۹۲۲ م) وی به اتهام فعالیت علیه دربار ۱۹۳۱ م توسط رضاشاه اعدام شد.

سلیمان حیم : فرهنگ‌نویس، نویسنده و ویراستار فرهنگ‌های دور زبانه. بعدها به «آقای لغت» معروف شد. فرهنگ فارسی- انگلیسی یک جلدی را به کمک اسحاق و یهودا بروخیم منتشر کرد. هنوز هم سری فرهنگ‌های فارسی انگلیسی- فارسی- فرانسه و فارسی- عبری وی معتبرترین منابع اطلاعاتی است. اسحاق حکیم‌زاده: از بنیان‌گذاران کارخانه جات عرق‌سازی اصلتک.

نورالله حی: از بنیان‌گذاران کارخانه بافتندگی مادر در ایران.

شمیسی حکمت (۱۹۲۱-۱۹۹۸ م) : از مدافعان حقوق زنان که از جامعه‌ی یهودی خواست قوانین قدیمی خود درباره‌ی زنان را بازنگری کنند. وی از بنیان‌گذاران و مدیر «سازمان بانوان یهودی ایران» و به مدت سی سال عضو هیئت رییسه «سازمان زنان ایران» بود. ابراهیم کامران (۱۹۲۲-۱۹۹۹ م) : از بنیان‌گذاران «کارخانجات عروسک‌سازی چهره‌نما»، اولین کارخانه‌ی عروسک‌سازی مدرن در ایران بود.

جمشید کاشفی (۱۹۱۱-۱۹۸۸ م) : نماینده‌ای یهودی مجلس بیست و یکم.

موسی خان کاشی (۱۹۴۲-۱۹۸۴ م) : حدود

گذراند و پس از مرگ به درخواست خودش در اسراییل دفن شد.

رابی مناهیم لوی (قرن بیستم میلادی) :

مؤسس «اوتزراها تورات»^۱ در ایران.

فرخ محبوی : از بنیان گذاران کارخانه بزرگ آدامس خروس نشان.

یعقوب ملامد : از مؤسسان انجمن پیشکامان جوان^۲ و مؤسسه‌ی تحقیقاتی ادبی که مجله بنیان را منتشر می‌کرد. (۱۹۴۴ م)

مرتضی معلم : پژوهش، استاد و نویسنده‌ی اولین لغت نامه پژوهشی در ایران.

حکیم حیم موره (۱۹۴۲-۱۸۷۲ م) : وی در اثر سرخک در دو سالگی کور شد. با این حال در نوجوانی، شاگرد خاخام الازار بود و به فراگیری قلبی تورات و تلمود پرداخت. وی مدرک خاخامی گرفت و برای تدریس عبری و مطالعات دینی به مدرسه‌ی آلبانس تهران رفت. کتابی با کمک سلیمان حیم و به نام «راه زندگی» نوشت، دو کتاب دیگر درباره آداب و رسوم دینی دارد. مجموعه‌ی سخنرانی‌های وی در ۱۹۴۱ م در تهران چاپ شد.

ناصر مسئن (۱۹۴۶-۱۹۹۶ م) : متخصص پژوهشی قانونی. اولین و تنها طبیب قانونی یهودی در ایران.

برادران نهایی : امین، عنایت الله، حبیب الله، خلیل و روح الله نهایی اولین بیمه‌ی سرمایه گذاری خصوصی ایران را در ۱۹۴۶ م و بر اساس شرکت بیمه‌ی انگلیسی به نام «شرکت بیمه‌ی یورک شایر» تأسیس کردند. تا انقلاب اسلامی ایران، این شرکت، بزرگ‌ترین شرکت بیمه در خاورمیانه بود. در ۱۹۶۵ م، خانواده‌ی نهایی شرکت بیمه‌ی البرز را که بعداً به یکی

1. *Otzar ha-torah*.

2. *Histadrut ha-khalutz ha-tza'air*

یوسف کهن (۱۹۲۷-۱۹۸۱ م) : وکیل و نماینده‌ی یهودیان در مجلس بیست و چهارم. **سلیمان کهن** صدق (۱۸۸۶-۱۹۴۶ م) افسر ارتیش و از منادیان فعالیت‌های صهیونیسم در ایران و از بنیان گذاران سازمان صهیونیسم در ایران بود. اولین کتاب کرامر عربی را به فارسی نوشت و اولین کسی بود که تقویم فارسی - عربی (سال شمسی ایرانی در کتاب تقویم قمری یهودیان) را تهیه کرد. تقویم مشهور مذکور، هنوز هم توسط پسرش اسحاق منتشر می‌شود.

ژانت کهن صدق (۱۹۷۲-۱۹۴۵ م) : قهرمان ملی دو و میدانی. سومین دختر خانواده‌ی کهن صدق در ۱۹۴۵ م متولد شد. در مسابقه‌ی صدمتر سال ۱۹۶۰ م شرکت کرد و مقام سوم را به دست آورد. در ۱۹۶۱ م، در اولین مسابقه گروه بزرگ سالان، در دو ۸۰ متر رکورد یازده ثانیه را به دست آورد. در اکتبر همان سال در شانزده سالگی با ۴۰ کیلو وزن و ۱۵۶ سانتی متر قد، ۱۰۰ متر را در ۱۲/۱ ثانیه دوید و با یک دهم ثانیه، رکورد کشور را شکست و همان رکورد را تا سال ۱۹۶۳ م، زمانی که رکورد خود را به ۱۲ ثانیه رساند، حفظ کرد. در ۲۶ اکتبر ۱۹۶۵ م، صد متر را در ۱۲/۵ ثانیه طی کرد، برای دومین بار رکورد شکست و سومین رکورد خود را بر جا گذاشت. رکورد ۱۱ ثانیه‌ای هم در دوی با مانع ۶۰ متر به نام او ثبت است.

حبیب لوی (۱۸۹۶-۱۹۸۴ م) : پژوهش، روزنامه‌نگار، محقق و نویسنده‌ی کتب فارسی درباره‌ی تاریخ یهودیان ایران (تاریخ یهود ایران، سه جلد). وی از وارد کنندگان موفق دارو به ایران بود. لوی، صهیونیست فدایی، اغلب عمرش را به خدمت یهودیان ایران

ویراستار مجله فرانسوی «صدای صلح»^۱، که در تهران منتشر می شد و مترجم «اسلیخوت شیدر» و «برکت ها - کوهانیم»^۲ به فارسی. رحیم قانونی (قرن بیستم میلادی) : نوازنده «تار» و «قانون» از شیراز. وی «قانون» را از هند به ایران آورد. مجلس پنجم در ۱۹۲۵ م، زمانی که الزام شهروندان ایرانی را به روشنی کواهی تولد و نام خانوادگی تصویب کرد، وی به خاطر نوازنده قانون، فامیل «قانونی» را برگزید.

منصور قیدوشیم (۱۹۳۱-۱۹۸۲ م) : او و دو برادرش سلیمان و یوسف، صاحبان کارخانجات ریسنده‌ی و بافنده‌ی نجف آباد و کارخانجات ریسنده‌ی و بافنده‌ی «میهن بافت» بودند. پس از انقلاب، برادران قیدوشیم بازداشت و منصور به جرم عضویت در صهیونیسم توسط دادگاه انقلاب ایران، در سال ۱۹۸۲ م اعدام شد.

خاخام رابی محسن که همراه شموئیل حیم، نماینده یهودیان در مجلس پنجم بودند. ابراهیم راد (وفات ۱۹۹۱ م) : انسان شناس و از مؤسسان کارخانجات کارتون سازی ایران.

برادران رحیم زاده (سیمان توف) : هفت برادر رحیم زاده صاحبان و مؤسسان کارخانجات عرق سازی میکده و مالک تاکستان‌های بیدستان و ملک آباد در نزدیکی قزوین بودند. یکی از آن‌ها به نام نجات، از مؤسسان کارخانه‌ی آبجوسازی آرگو هم بود.

روح الله سپیر (۱۹۱۰-۱۹۴۲ م) : پژوهشک، رهبر خدمات اجتماعی و از اعضای «کانون جوانان اسراییلی» در ایران بود که توسط

از بزرگ‌ترین شرکت‌های بیمه‌ی خصوصی ایران تبدیل شد، تأسیس کردند.

عزیزالله بن یوتا نعیم : نویسنده‌ی «تاریخ نهضت صهیونیسم»، (اولین کتاب فارسی درباره روزنامه‌ی صهیونیست «رهایی»^۳ وی ناشر روزنامه‌ی یهودی ایرانی نوشت) به زبان فارسی- یهودی بود. وی رهبر عرفانی اولین نسل جوانان صهیونیست ایران بود.

رحیم نامور (قرن بیستم میلادی) : ویراستار روزنامه‌ی شهیاز و همچنین عضو مشاور کمیته‌ی مرکزی حزب توده در ایران.

عبدالله ناسی : مؤلف تحقیقی و مقایسه‌ای میان اسلام و یهودیت، به نام «صبح امید». بنیامین نهواری (قرن بیستم میلادی) : از مؤسسان و رهبران کانون جوانان اسراییلی ایران.

ایوب لقمان نهواری (۱۳۰۰ هجری) نماینده یهودی در مجلس دوم تاسیزدهم، به استثنای مجلس پنجم.

مجید نهواری (۱۹۴۸-۱۹۹۸ م) : نویسنده، روزنامه نکار و ویراستار صدای اسراییل. مرتضی خان نی داود (۱۹۰۰-۱۹۹۰ م) : پسر باباخان، استاد موسیقی ایران و استاد تار. در هفت سالگی شاگرد آقا میرزا حسین قلی و بزرگ‌ترین استاد موسیقی کلاسیک ایران در آن دوران شد.

موسی خان نی داود (۱۹۰۷-۱۹۹۱ م) : استاد موسیقی کلاسیک ایران. استاد کمانچه و ویلون.

منوچهر نیک روز (۱۹۴۶-۱۹۹۴ م) : نماینده یهودی در مجلس شورای اسلامی. پژوهشک و رییس بیمارستان اختر تهران.

موسی پیروزیان (۱۹۱۲-۱۹۹۱ م) : وکیل،

1. Voici La Lumeire.

2. Birkat ha-kohaning.

دربار قاجار. پسر داودخان.
داودخان شیرازی: نوازندهٔ دربار قاجار.
ابراهیم شیرازی: نوازندهٔ دربار قاجار
فرزند داودخان.
عزالله سیمانی: نمایندهٔ یهودی مجلس
اول. وی نیمی از دوره‌اش را وکالت کرد و پس
از وی سید عبدالله بهبانی جای‌گزین او شد.
اسحاق بنی طبری (روشنل) (۱۹۷۰-۱۹۰۵ م): نظریه پرداز، مترجم و نویسنده
اندیشه‌های یهود.
موسی طوبی: رهبر صهیونیست که سازمان
صهیونیست را در اوایل ۱۹۴۰ م احیاء کرد.
ناشر «العالم یهود».
آقاجان طوبی: ناشر روزنامه «سینا» در
سال ۱۹۴۹ م.
یعقوب عربان: (۱۹۴۸-۱۹۴۹ م) ناشر
«دانیال».

تعدادی از پژوهشان، برای کمک به نیازمندان
و تأمین حداقل مایحتاج زندگی یهودیان
ایرانی ساکن در محله‌ها به وجود آمد.
آشربن ابراهیم شالوم: او و برادرش مردخای
(مراد) ناشر و پیراستار روزنامه‌ی «سلام»^۱،
اولین روزنامهٔ فارسی - یهودی بودند.
(۱۹۱۵ م)
مردخای شالوم (مراد): رجوع شود به
آشربن ابراهیم شالوم.
امیر شموئل: (متولد حوالي ۱۹۲۰ م)
روزنامه نگار، نمایش نامه نویس و بانی
تشکیلات «ها - ها خالوتض»^۲ و مجله‌ی
«لبنت»^۳ که مجله‌ی اولین بار، خبر استقلال
اسراییل در سال ۱۹۴۸ م را چاپ کرد.
آقاجان شیرازی (اسماعیل راغی): نوازندهٔ

1. shalom. 2. Ha-Khalutz. 3. Lebenut.

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library